



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

راهنمای عمره و حج

از مجموعه کتاب‌های "نمی‌ازیم"

به اهتمام حسن مطرز آینه نوری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راهنمای عمره و حج

نویسنده:

حسن صفر زاده تهرانی

ناشر چاپی:

فرهنگستان اندیشه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	راهنمای عمره و حج
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۷	تقدیم به:
۲۰	فهرست مطالب
۳۲	پیش گفتار
۳۴	مقدمه
۳۴	چرایی قرار گرفتن مسجدالحرام در سرزمین حجاز
۳۸	فصل اول: مقدمات
۳۸	اشاره
۳۹	بخش اول: اقدامات و توصیه ها
۳۹	اقدامات اولیه
۴۰	توصیه به زائران
۴۱	بخش دوم: احکام
۴۱	اشاره
۴۱	اول: احکام تقلید
۴۱	دوم: فراگیری انجام صحیح مقدمات و مقارنات نماز
۴۲	سوم: تعیین سال خمسی
۴۲	اشاره
۴۳	حکم خمس فیش عمره و سود آن
۴۴	چهارم: فراگیری مناسک
۴۵	بخش سوم: آداب
۴۵	اشاره

۴۵	ادب اول: اخلاص
۴۷	ادب دوم: آداب سفر
۴۹	ادب سوم: آداب زیارت
۵۳	فصل دوم: مدینه منوره -
۵۳	اشاره
۵۴	بخش اول: شهر مدینه
۵۴	سخن اول: فضایل مدینه منوره -
۵۵	سخن دوم: آداب مدینه منوره
۵۶	سخن سوم: اقدامات و توصیه ها
۵۶	اقدامات اولیه
۵۷	توصیه به زائران
۵۷	سخن چهارم: رموز موفقیت زائر در مدینه منوره -
۶۰	بخش دوم: مسجد النبی
۶۰	اشاره
۶۰	نکات مهم مسجد النبی
۶۱	اعمال ویژه
۶۱	از امور زیر در مسجد النبی پرهیز شود -
۶۳	بخش سوم: حرم النبی
۶۳	اشاره
۶۳	اماکن مقدسه مسجد النبی
۶۳	اول: روضه شریف
۶۳	دوم: محراب
۶۴	سوم: منبر
۶۵	چهارم: ستون حنّانه
۶۵	پنجم: ستون توبه
۶۷	نکات مهم حرم النبی

۶۸	بخش چهارم: قبرستان بقیع
۶۸	اشاره
۶۹	دفن شدگان در بقیع
۷۰	نکات مهم قبرستان بقیع
۷۰	از امور زیر در بقیع و کنار آن پرهیز شود
۷۲	فصل سوّم: مکه مکرمه
۷۲	اشاره
۷۳	بخش اول: حرم
۷۳	اشاره
۷۳	احکام حرم الهی و محرمات حرم
۷۵	بخش دوّم: شهر مکه
۷۵	اشاره
۷۶	در مکه به سه چیز اساسی باید توجه کرد
۷۷	آداب ورود به مکه مکرمه
۷۸	اقدامات اولیه
۷۹	بخش سوّم: مسجد الحرام
۷۹	اشاره
۷۹	مسجد الحرام در قرآن کریم
۷۹	بَيْتُ الْحَرَامِ
۸۰	بَيْتُ الْعَتِيقِ
۸۰	داستان أصحاب فیل
۸۱	فَضْلُ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
۸۲	جایگاه محوری کعبه، مرکزی جهانی و جاودانه
۸۵	فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ
۸۵	حجر الاسود
۸۶	رکن یمانی

۸۶	حَطِيم
۸۷	مُلْتَمَزَم
۸۸	مُسْتَجَار
۸۸	مقام ابراهيم
۸۹	حجر اسماعيل
۹۰	چاه زَمَزَم
۹۱	اعمال مسجد الحرام
۹۲	اعمال ویژه مسجد الحرام
۹۲	نکات مهم مسجد الحرام
۹۴	از امور زیر در مسجد الحرام پرهیز شود
۹۶	فصل چهارم: مقدمات مناسک
۹۶	بخش اول: ماندگاری راه و رسم توحیدی
۹۶	اشاره
۹۷	عزت به چیزهای مادی نیست
۹۷	درک صحیح لا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
۹۹	بخش دوم: محرمات احرام
۹۹	اشاره
۹۹	محرمات احرام چند نوع است:
۹۹	اشاره
۹۹	اول: محرمات عمومی مشترک بین زن و مرد
۱۰۰	محرمات خاص یک عضو مشترک بین زن و مرد
۱۰۱	محرمات اختصاصی آقایان
۱۰۱	محرمات اختصاصی زنان
۱۰۲	مسائل اختصاصی خانم ها
۱۰۴	فصل پنجم: مناسک عمره حج تمتع
۱۰۴	اشاره

- ۱۰۵ اولین عمل عمره حج تمتع: احرام
- ۱۰۵ اشاره
- ۱۰۵ اولین واجب احرام: پوشیدن لباس احرام
- ۱۰۶ دوّمین واجب احرام:
- ۱۰۶ نوع نیت احرام
- ۱۰۶ نیت احرام عمره
- ۱۰۷ سوّمین واجب احرام: تلبیه
- ۱۰۷ لفظ تلبیه
- ۱۰۸ مستحبات احرام
- ۱۰۸ حقیقت احرام
- ۱۰۹ فلسفه احرام
- ۱۰۹ خشوع احرام
- ۱۱۰ نکات مهم
- ۱۱۱ تذکرات لازم
- ۱۱۲ توصیه های مسجد شجره (میقات)
- ۱۱۴ تذکرات مکه قبل از اعمال
- ۱۱۵ دوّمین عمل عمره حج تمتع: طواف
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۵ قسم اول:
- ۱۱۵ قسم دوم:
- ۱۱۷ نیت طواف عمره حج تمتع
- ۱۱۷ تذکرات طواف
- ۱۱۹ کمال طواف
- ۱۲۱ سوّمین عمل عمره حج تمتع: نماز طواف
- ۱۲۱ اشاره
- ۱۲۱ نیت نماز طواف عمره حج تمتع

- تذکرات نماز طواف ۱۲۱
- تیر نماز پشت مقام ۱۲۲
- چهارمین عمل عمره حج تمتع: سعی ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
- نیت سعی عمره حج تمتع ۱۲۳
- تذکرات سعی ۱۲۳
- تیر سعی ۱۲۴
- پنجمین عمل عمره حج تمتع: تقصیر ۱۲۵
- اشاره ۱۲۵
- نیت تقصیر ۱۲۵
- تذکرات تقصیر ۱۲۵
- ششمین عمل عمره مفرده: طواف نساء ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶
- نیت نماز طواف نساء عمره مفرده ۱۲۶
- هفتمین عمل عمره مفرده: نماز طواف نساء ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶
- نیت نماز طواف عمره مفرده ۱۲۶
- اقدامات لازم و ضروری پس از اعمال ۱۲۷
- نکته ۱۲۷
- مسائل مبتلا به، بین عمره و حج تمتع ۱۲۷
- محرمات بین عمره و حج تمتع ۱۲۸
- فصل ششم: مناسک حج تمتع ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
- حج تمتع دارای سیزده عمل است و عبارت است از: ۱۳۰
- اشاره ۱۳۰
- بخش اول: اعمال قبل از منی ۱۳۱

اولین عمل حج تمتع: احرام	۱۳۱
اشاره	۱۳۱
نیت احرام حج تمتع	۱۳۱
اجرای احرام حج	۱۳۲
دومین عمل حج تمتع: وقوف به عرفات	۱۳۳
اشاره	۱۳۳
نیت وقوف به عرفات	۱۳۳
آداب و اعمال وقوف به عرفات	۱۳۳
سرزمین عرفات	۱۳۶
سَرّ وقوف به عرفات	۱۳۶
سومین عمل حج تمتع: وقوف به مشعرالحرام	۱۴۰
اشاره	۱۴۰
نیت وقوف به مشعرالحرام	۱۴۰
نکته	۱۴۰
احکام معذورین	۱۴۱
سَرّ وقوف به مشعر الحرام	۱۴۱
بخش دوم: اعمال سرزمین منی	۱۴۴
اشاره	۱۴۴
اعمال روز عید قربان:	۱۴۴
چهارمین عمل حج تمتع: رمی جمره عقبه	۱۴۵
اشاره	۱۴۵
نیت رمی جمره عقبه	۱۴۵
واجبات رمی جمره	۱۴۵
مستحبات رمی	۱۴۶
معذورین رمی جمره	۱۴۶
سَرّ رمی جمره عقبه	۱۴۶

۱۴۸	پنجمین عمل حج تمتع: قربانی
۱۴۸	اشاره
۱۴۸	نیت قربانی
۱۴۸	واجبات قربانی
۱۵۰	سَر قربانی
۱۵۲	ششمین عمل حج تمتع: حلق
۱۵۲	اشاره
۱۵۲	نیت حلق
۱۵۲	واجبات حلق
۱۵۲	مستحبات حلق
۱۵۳	نکات مهم
۱۵۳	سَر حلق و تراشیدن سر
۱۵۵	هفتمین عمل حج تمتع: بیتوته در منا
۱۵۵	اشاره
۱۵۵	نیت بیتوته در منا
۱۵۵	سَر بیتوته در منا
۱۵۶	هشتمین عمل حج تمتع: رمی سه جمره
۱۵۶	اشاره
۱۵۶	نیت رمی جمره اول
۱۵۶	نیت رمی جمره دوم
۱۵۶	نیت رمی جمره سوم(عقبه)
۱۵۶	سَر رمی جمرات سه گانه
۱۵۸	بخش سوم: اعمال بعد از منی
۱۵۸	اشاره
۱۵۹	نهمین عمل حج تمتع: طواف حج تمتع
۱۵۹	اشاره

۱۵۹	نیت طواف حج تمتع
۱۶۰	دهمین عمل حج تمتع: نماز طواف
۱۶۰	اشاره
۱۶۰	نیت نماز طواف حج تمتع
۱۶۱	یازدهمین عمل حج تمتع: سعی
۱۶۱	اشاره
۱۶۱	نیت سعی بین صفا و مروه
۱۶۲	دوازدهمین عمل حج تمتع: طواف نساء
۱۶۲	اشاره
۱۶۲	نیت طواف نساء حج تمتع
۱۶۳	سیزدهمین عمل حج تمتع: نماز طواف نساء
۱۶۳	اشاره
۱۶۳	نیت نماز طواف نساء حج تمتع
۱۶۳	اقدامات لازم و ضروری پس از اعمال
۱۶۴	عمره مفرده مجدد
۱۶۶	فصل هفتم: ملحقات کتاب
۱۶۶	بخش اول: نیت اعمال و مناسک
۱۶۶	اشاره
۱۶۷	نیت اعمال عمره حج تمتع
۱۶۸	نیت اعمال حج تمتع
۱۷۱	نیت اعمال عمره مفرده
۱۷۳	بخش دوم: حدیث شبلی
۱۸۱	بخش سوم: پیام امام خمینی
۲۱۹	منابع
۲۲۴	درباره مرکز

سرشناسه: صفرزاده تهرانی، حسن، 1341-

عنوان و نام پدیدآور: راهنمای عمره و حج/حسن صفرزاده تهرانی؛ تدوین محمدسعید صفرزاده تهرانی؛ ویراستار اکرم ویسی؛ به اهتمام موسسه پژوهشی قرآن و عترت صبح روشن؛ با حمایت دفتر مطالعات و پژوهش های بنیاد فرهنگی بقیه الله.

مشخصات نشر: اصفهان: فرهنگستان اندیشه، 1401.

مشخصات ظاهری: 183ص.؛ 21/5×14/5 س.م.

فروست: ...مجموعه کتاب های نمی ازیم.

شابک: 500000 ریال: 3-50-6620-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 180-183؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: حج *Hajj حج -- راهنمای آموزشی *Hajj Study and teaching -- حج عمره -- راهنمای آموزشی *Hajj omra -- Study and teaching

شناسه افزوده: بنیاد فرهنگی بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف). دفتر مطالعات و پژوهش های فرهنگی اجتماعی

شناسه افزوده: موسسه قرآن و عترت صبح روشن

رده بندی کنگره: BP188/92

رده بندی دیویی: 297/357

شماره کتابشناسی ملی: 8905138

ویراستار دیجیتال: محمد منصوری

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

عكس

□

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ص: 2

عكس

□

ص: 3

تقدیم به:

احیاگر حج ابراهیمی حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه)

و همه کسانی که در این مسیر،

جان خود را در طبق اخلاص گذاشتند

"خاصه شهدای مکه"

ششم ذی الحجّه سال 1407 قمری

نهم مردادماه 1366 شمسی

ص: 4

آن چه حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور خداوند تبارک و تعالی مبنی بر اسکان خانواده خود، در سرزمین بی آب و علف، برای اقامه دین انجام داد و آن چه حضرت هاجر، آن فرمان الهی را با همه ی سختی ها و دشواری هایش، خالصانه گردن نهاد؛ هم نام شان را و هم رسم شان را ماندگار ساخت، هم دعای شان را مستجاب کرد، هم دل های مردم را به سوی آن ها مایل ساخت، هم عمل شان را برای بشریت الگو قرار داد، هم آن سرزمین را **الْبَلَدِ الْأَمِينِ (1)** کرد و هم وادی **غَيْرِ ذِي زَرْعٍ (2)** را به آیات **بَيِّنَاتٍ** و سرزمین مقدس تبدیل نمود: **فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (3)**.

ص: 5

1-- تین، آیه ی 3

2-- ابراهیم، آیه ی 37

3-- آل عمران، آیه ی 97

بزرگ ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه ی واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است.

یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند(1)؟

(امام خمینی رحمت الله علیه)

ص: 6

1- - پیام امام در سالگرد کشتار خونین مکه و به مناسبت پذیرش قطعنامه (598)، 29/4/1367

پیش گفتار..... 1

مقدمه..... 3

چرایی قرار گرفتن مسجدالحرام در سرزمین حجاز..... 3

فصل اول: مقدمات..... 8

بخش اول: اقدامات و توصیه ها..... 8

اقدامات اولیه..... 8

توصیه به زائران..... 9

بخش دوم: احکام..... 10

اول: احکام تقلید..... 10

دوم: فراگیری انجام صحیح مقدمات و مقارنات نماز..... 10

سوم: تعیین سال خمسی..... 11

چهارم: فراگیری مناسک..... 13

بخش سوم: آداب..... 14

ص: 7

- ادب اول: اخلاص..... 14
- ادب دوم: آداب سفر..... 16
- ادب سوم: آداب زیارت..... 18
- فصل دوم: مدینه منوره..... 21
- بخش اول: شهر مدینه..... 22
- سخن اول: فضایل مدینه منوره..... 22
- سخن سوم: اقدامات و توصیه ها..... 24
- سخن چهارم: رموز موفقیت زائر در مدینه منوره..... 25
- بخش دوم: مسجد النبی..... 28
- نکات مهم مسجد النبی..... 28
- اعمال ویژه..... 29
- از امور زیر در مسجد النبی پرهیز شود..... 29
- بخش سوم: حرم النبی..... 31
- اماکن مقدسه مسجد النبی..... 31
- نکات مهم حرم النبی..... 35
- بخش چهارم: قبرستان بقیع..... 36
- دفن شدگان در بقیع..... 37
- نکات مهم قبرستان بقیع..... 38
- از امور زیر در بقیع و کنار آن پرهیز شود..... 38
- فصل سوم: مکه مکرمه..... 40
- بخش اول: حرم..... 41

احكام حرم الهى و محرمات حرم..... 41

ص: 8

- بخش دوم: شهر مکه..... 43
- در مکه به سه چیز اساسی باید توجه کرد..... 44
- آداب ورود به مکه مکرمه..... 45
- بخش سوم: مسجد الحرام..... 47
- مسجد الحرام در قرآن کریم..... 47
- بیت الحرام..... 47
- بیت العتیق..... 48
- داستان أصحاب فیل..... 48
- فَضْلُ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ..... 49
- جایگاه محوری کعبه، مرکزی جهانی و جاودانه..... 50
- فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ..... 53
- حجر الاسود..... 53
- رکن یمانی..... 54
- حَطِيم..... 54
- مُلْتَمَز..... 55
- مُسْتَجَار..... 56
- مقام ابراهیم..... 56
- حجر اسماعیل..... 57
- چاه زَمْرَم..... 58
- اعمال مسجد الحرام..... 59
- اعمال ویژه مسجد الحرام..... 60

- از امور زیر در مسجد الحرام پرهیز شود..... 61
- فصل چهارم: مقدمات مناسک..... 63
- بخش اول: ماندگاری راه و رسم توحیدی..... 63
- عزت به چیزهای مادی نیست..... 64
- درک صحیح لا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ..... 64
- بخش دوم: محرّمات احرام..... 66
- محرّمات احرام چند نوع است: 66
- اول: محرّمات عمومی مشترک بین زن و مرد..... 66
- محرّمات خاص یک عضو، مشترک بین زن و مرد..... 67
- محرّمات اختصاصی آقایان..... 68
- محرّمات اختصاصی زنان..... 68
- مسائل اختصاصی خانم ها..... 69
- فصل پنجم: مناسک عمره حج تمتع..... 71
- اولین عمل عمره حج تمتع: احرام..... 72
- اولین واجب احرام: پوشیدن لباس احرام..... 72
- دومین واجب احرام: 73
- نوع نیت احرام..... 73
- نیت احرام عمره..... 73
- سومین واجب احرام: تلبیه..... 74
- لفظ تلبیه..... 74
- مستحبات احرام..... 75

- 76 فلسفه احرام.
- 76 خشوع احرام.
- 77 نکات مهم.
- 78 تذکرات لازم.
- 79 توصیه های مسجد شجره (میقات).
- 81 تذکرات مکه قبل از اعمال.
- 82 دومین عمل عمره حج تمتع: طواف.
- 82 قسم اول.
- 82 قسم دوم.
- 83 نیت طواف عمره حج تمتع.
- 83 تذکرات طواف.
- 85 کمال طواف.
- 87 سومین عمل عمره حج تمتع: نماز طواف.
- 87 نیت نماز طواف عمره حج تمتع.
- 87 تذکرات نماز طواف.
- 88 سِرّ نماز پشت مقام.
- 89 چهارمین عمل عمره حج تمتع: سعی.
- 89 نیت سعی عمره حج تمتع.
- 89 تذکرات سعی.
- 90 سِرّ سعی.
- 91 پنجمین عمل عمره حج تمتع: تقصیر.

تذکرات تقصیر..... 91

ششمین عمل عمره مفرده: طواف نساء..... 92

نیت نماز طواف نساء عمره مفرده..... 92

هفتمین عمل عمره مفرده: نماز طواف نساء..... 92

نیت نماز طواف عمره مفرده..... 92

اقدامات لازم و ضروری پس از اعمال..... 93

نکته..... 93

مسائل مبتلا به، بین عمره و حج تمتع..... 93

محرمات بین عمره و حج تمتع..... 94

فصل ششم: مناسک حج تمتع..... 96

حج تمتع دارای سیزده عمل است و عبارت است از:..... 96

بخش اول: اعمال قبل از منی..... 97

اولین عمل حج تمتع: احرام..... 97

دومین عمل حج تمتع: وقوف به عرفات..... 99

سومین عمل حج تمتع: وقوف به مشعرالحرام..... 106

بخش دوم: اعمال سرزمین منی..... 110

اعمال روز عید قربان:..... 110

چهارمین عمل حج تمتع: رمی جمره عقبه..... 111

پنجمین عمل حج تمتع: قربانی..... 114

ششمین عمل حج تمتع: حلق..... 117

هفتمین عمل حج تمتع: بیتوته در منا 120

هشتمین عمل حج تمتع: رمی سه جمره..... 121

ص: 12

- بخش سوم: اعمال بعد از منی..... 123
- نهمین عمل حج تمتع: طواف حج تمتع..... 124
- دهمین عمل حج تمتع: نماز طواف..... 125
- یازدهمین عمل حج تمتع: سعی..... 126
- دوازدهمین عمل حج تمتع: طواف نساء..... 127
- سیزدهمین عمل حج تمتع: نماز طواف نساء..... 128
- فصل هفتم: ملحقات کتاب..... 131
- بخش اول: نیت اعمال و مناسک..... 131
- نیت اعمال عمره حج تمتع..... 132
- نیت اعمال حج تمتع..... 133
- نیت اعمال عمره مفرده..... 136
- بخش دوم: حدیث شبلی..... 138
- بخش سوم: پیام امام خمینی..... 146
- منابع..... 184

بیش‌ترین حدیث در کتب روایی و بیش‌ترین احکام در کتب فقهی، اختصاص به مناسک عمره و حج دارد. بر این اساس علما و دانشمندان بسیاری درباره مناسک عمره و حج، کتاب نوشته‌اند و بعثه مقام معظم رهبری هم، کتب و مقالات فراوانی را در اختیار تشنگان حج ابراهیمی قرار داده است، "شَكَرَ اللَّهُ مَسَاعِيَهُمُ الْجَمِيلَةَ"⁽¹⁾.

در این میان، جزوات یا مقالات فراوانی وجود دارد که حاوی نکات ارزنده برای بهتر و صحیح‌تر انجام شدن مناسک عمره و حج است، اما برخی از آنان از انسجام و جامعیت لازم برخوردار نیست. بر این اساس حقیر بر آن شدم تا در راستای مسئولیت مهم و خطیر روحانیون محترم کاروان‌های عمره و حج، تجربه بیش از دو‌یست جلسه آموزشی حجاج در چندین سفر حج تمتع و عمره مفرده را در اختیار همکاران ارجمند خود قرار دهم.

کتاب حاضر نه حاوی جامع احکام است که جای مناسک را بگیرد و نه حاوی جامع روایات عمره و حج است که جای کتب روایی را بگیرد، بلکه حاوی نکات و توصیه‌های مهم و ضروری است که توسط بزرگان و اساتید فن بیان شده یا توسط بعثه مقام معظم رهبری منتشر شده است و تا آن جایی که امکان داشته در این کتاب، برای آموزش بهتر زوّار

ص: 1

جمع آوری شده است و به روحانیون کاروان های عمره و حج و زائران بیت الله الحرام و علاقمندان تقدیم می شود.

کتاب حاضر در بعضی از موضوعات به عنوان تیسمن و تیزک روایتی از کتاب حج و عمره در قرآن و حدیث آیت الله ری شهری آورده شده است و هم چنین واجبات اعمال، تیتروار بیان شده است. اما هدف اصلی این کتاب آموزش نکات و توصیه های مهم، ضروری و مبتلابه است که در پنج فصل آورده شده است.

شاید سروران گرامی بعضی از نکته ها را لازم و ضروری ندانند در حالی که این گونه موارد، با هدف دور کردن وسواس از زائر و برای به شک نیفتادن زائر موقع مواجهه با سؤال دیگران و به تعبیر رایج برای به شک نیفتادن زائر در مواجهه با ناخن زدن بی جای دیگران؛ این گونه موارد در کتاب جمع آوری شده است.

کتاب حاضر در کنار فایل های آموزشی که به صورت پاورپوینت در پایگاه نشر آثار حسن صفرزاده تهرانی (1) ارائه شده است؛ می تواند آموزش زوار را آسان تر و مفیدتر کند. امید که برای روحانیون کاروان های عمره و حج مفید باشد و رضایت حضرت حق را به دنبال داشته باشد. آمین یا رب العالمین.

حسن صفرزاده تهرانی

ذی قعدة 1443

مصادف با خرداد 1401

ص: 2

چرایی قرار گرفتن مسجد الحرام در سرزمین حجاز

برای تَیْمُن و تَبَرُّک به کلام امیر بیان حضرت امام علی علیه السلام درباره چرایی مسجد الحرام در سرزمین حجاز، تمسک می‌جوئیم، امید که به برکت کلام آن بزرگوار آن چه مرضی حضرت حق است به رشته تحریر درآید.

حضرت امام علی علیه السلام در طولانی‌ترین خطبه نهج البلاغه⁽¹⁾، در چرایی قرار گرفتن مسجد الحرام در سرزمین حجاز و فلسفه آن مطالب بسیار بلند و ارزشمندی بیان کرده است.

ابن ابی الحدید، شارح نامی نهج البلاغه درباره خطبه قاصعه می‌گوید: سوگند یاد می‌کنم که از پنجاه سال تا کنون بیش از هزار بار این خطبه را خوانده‌ام و هر گاه خواندم، قلبم تپید، اعضای بدنم لرزید و ترس و لرزش وجودم را فراگرفت و از آن پند گرفتم. واعظان و فصیحان، از این گونه سخنان بسیار گفته‌اند و من بر این سخنان، فراوان دست یافته‌ام، اما هرگز تأثیر کلام امام علی علیه السلام را بر دل من نداشته‌اند⁽²⁾.

حضرت امام علی علیه السلام چرایی قرار گرفتن مسجد الحرام در سرزمین حجاز را این گونه بیان می‌فرماید: **أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ اخْتَبَرَ الْأَوَّلِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ بِأَحْجَارٍ لَا تَنْصُرُ وَلَا تَنْفَعُ وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ، فَجَعَلَهَا**

ص: 3

1- نهج البلاغه، خطبه 192 (قاصعه)

2- پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ج 8، ص 305

بَيْتَهُ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلَهُ لِلنَّاسِ قِيَامًا؛ آیا نمی بینید که خداوند سبحان پیشینیان را از زمان آدم (علیه السلام) تا کسانی که پس از آن ها آمده اند از این عالم بیازمود، به سنگ هایی که نه سود می رسانیدند و نه زیان، نه می دیدند و نه می شنیدند، و آن سنگ ها را بیت الحرام خود قرار داد و آن را برای مردم برپا ساخت،

ثُمَّ وَصَّعَهُ بِأَوْعَرِ بَقَاعِ الْأَرْضِ حَجْرًا وَأَقْلَّ تَنَائِقِ الدُّنْيَا مَدْرًا وَأَصْدَقِ بَطُونِ الْأُودِيَةِ قُطْرًا، بَيْنَ جِبَالٍ خَشِدَانَةٍ وَرِمَالٍ دَمِيمَةٍ وَعُيُونٍ وَشِدْلَةٍ وَقُرَى مُنْقَطِعَةٍ، لَا يَزُكُوبُهَا خُفٌّ وَلَا حَافِرٌ وَلَا ظِلْفٌ؛ در سخت ترین سنگلاخ های زمین در ریگزاری که در آن جا از هر جای دیگر کمتر گیاه می روید. در درّه ای از دیگر درّه ها تنگتر، بین کوه های سخت و ریگ های نرم، آن سان، که گذر کردن از آن ها دشوار باشد و چشمه های کم آب و دهکده های دور از یکدیگر که در آن جا نه اشتری فربه می شود و نه اسب و گاو و گوسفندی.

ثُمَّ أَمَرَ آدَمَ وَوَلَدَهُ أَنْ يَتَّبِعُوا أَعْطَافَهُمْ نَحْوَهُ، فَصَارَ مَثَابَةً لِمُنْتَجِعِ أَسْفَارِهِمْ وَغَايَةً لِمُلْقَى رِحَالِهِمْ تَهْوِي إِلَيْهِ ثِمَارُ الْأَفْنِدَةِ مِنْ مَفَاوِزِ قَفَارٍ سَحِيْقَةٍ وَمَهَاوِي فِجَاجٍ عَمِيقَةٍ وَجَزَائِرِ بَحَارٍ مُنْقَطِعَةٍ، حَتَّى يَهْزُوا مَنَاكِبَهُمْ ذُلًّا يَهْلُلُونَ لِلَّهِ حَوْلَهُ وَيَرْمُلُونَ عَلَى أَقْدَامِهِمْ شِدًّا غَيْرًا لَهُ قَدْ نَبَدُوا السَّرَائِيلَ وَرَاءَ طُهورِهِمْ وَشَوْهُوا بِإِعْفَاءِ الشُّعُورِ مَحَاسِنَ خَلْقِهِمْ، ابْتِلَاءً عَظِيمًا وَامْتِحَانًا شَدِيدًا وَاخْتِبَارًا مُبِينًا وَتَمْجِيسًا بَلِيغًا، جَعَلَهُ اللَّهُ سَبَبًا لِرَحْمَتِهِ وَوَصْلَةً إِلَى جَنَّتِهِ. آدم (علیه السلام) و فرزندان او را فرمان داد که به آن خانه روی نهند و آن جا بازارگاهی شد برای کسانی که در سفرها در پی سودند و بارگاهی برای افکندن بارها. مردم، شتابان روی به بیت الحرام آوردند. از بیابان های بی آب و گیاه

و از عمق دژه های ژرف و جزیره های پراکنده و دریاها. تا از روی خواری شانه های خود را بجنبانند و گرد آن بگردند و آواز به تهلیل بردارند. موی پریشان و خاك آلود، نه دوان و نه آهسته گام بردارند. جامه ها از تن به در کنند و با رها کردن موی، چهره نیکوی خود را زشت نمایند. این است آزمایش بزرگ و امتحانی سخت و آزمونی آشکار. خداوند آن را سبب رحمت خود ساخت و وسیله رسیدن به بهشت خویش.

وَلَوْ أَرَادَ سَبْحَانَهُ أَنْ يَضَعَ بَيْتَهُ الْحَرَامَ وَ مَسَاعِرَهُ الْعِظَامَ بَيْنَ جَنَّتٍ وَ أَنْهَارٍ وَ سَهْلٍ وَ قَرَارٍ جَمَّ الْأَشَدَّ جَارِ دَانِي الثَّمَارِ مُلْتَفَّ الْبُنَى مُتَّصِلَ الْقُرَى بَيْنَ بُرَّةٍ سَهْمَرَاءَ وَ رَوْضَةٍ خَضْرَاءَ وَ أَرْيَافٍ مُحْدِقَةٍ وَ عِرَاصٍ مُغْدِقَةٍ وَ رِيَاضٍ نَاصِرَةٍ وَ طُرُقٍ عَامِرَةٍ، لَكَانَ قَدْ صَغُرَ قَدْرُ الْجَزَاءِ عَلَى حَسَبِ ضَعْفِ الْبَلَاءِ، اگر خدای می خواست بیت الحرام خود را و پرستشگاه های بزرگش را در میان باغ ها و نهرها قرار می داد و در جایی که زمین نرم و هموار باشد، در مکانی پر درخت و درختان سرشار از میوه. در میان خانه ها و عمارات بسیار و روستاهای به هم پیوسته. در میان گندمزارهای قهوه ای رنگ و اراضی پر باران و باغستان های خرم و راه های آباد. در این حال، پاداش اندک بود، زیرا رنج سفر اندک بود.

وَلَوْ كَانَ الْإِسَاسُ الْمَحْمُولُ عَلَيْهَا وَ الْأَحْبَاؤُ الْمَرْفُوعُ بِهَا بَيْنَ زُمْرَدَةٍ خَضْرَاءَ وَ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ وَ نُورٍ وَ ضِيَاءٍ، لَخَفَّفَ ذَلِكَ مُصَارَعَةَ الشَّكِّ فِي الصُّدُورِ وَ لَوَضَعَ مُجَاهِدَةً إِبْلِيسَ عَنِ الْقُلُوبِ وَ لَنَفَى مُعْتَدَجَ الرَّيْبِ مِنَ النَّاسِ؛ اگر بنیانی که کعبه بر روی آن ساخته شده و سنگ هایی که دیوارهایش را برآورده، زمرد سبز و یاقوت سرخ و نور و روشنی بود، از دودلی ها و

تردیدهایی که در سینه ها جاری کرده می کاست و سعی و کوشش شیطان را از دلها دور می ساخت و اضطراب و نگرانی را از قلب مردم می زدود.

وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَخْتَبِرُ عِبَادَهُ بِأَنْوَاعِ الشَّدَائِدِ وَ يَتَعَبَّدُهُمْ بِأَنْوَاعِ الْمَجَاهِدِ وَ يَبْتَلِيهِمْ بِضُرُوبِ الْمَكَارِهِ، إِخْرَاجاً لِلتَّكْبُرِ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَ إِسْكَاناً لِلتَّذَلُّلِ فِي نَفْسِهِمْ، وَ لِيَجْعَلَ ذَلِكَ أَبْوَاباً فَتْحاً إِلَى فَضْلِهِ وَ أَسَدَ بَاباً ذُلّاً لِعَفْوِهِ (1). ولی خداوند بندگانش را به گونه گونه سختی می آزمايد و به انواع مجاهدت ها به بندگی وامی دارد. و به کارهای ناخوش آیند امتحان می کند تا تکبر و خودپسندی را از دلهاى شان بیرون کند و خواری و فروتنی را جانشین آن سازد. اینهاست درهایی که به عوالم فضل و احسان او گشوده می شود و سبب هایی مهیا برای آن که بندگانش را بیامزد و گناهان شان را ببخشد.

ص: 6

فصل اول: مقدمات

اشاره

ص: 7

بخش اول: اقدامات و توصیه ها

اقدامات اولیه

1. دریافت لیست زائران؛
2. تقسیم بندی زائران به تحصیل کرده، کم سواد، و معمرین؛
3. تعیین مرجع تقلید زائران؛
4. تعیین سفر اولی ها و عمره و حج رفته ها؛
5. تعیین همکار برای دریافت و ثبت اطلاعات زائران؛
6. تعیین همکار برای تصحیح حمد و سوره؛
7. تعیین همکار برای فعالیت های فرهنگی؛
8. تعیین همکار برای برگزاری جلسات؛
9. تعیین شورای فرهنگی کاروان؛
10. تعیین مسابقه و هدایا برای هر جلسه؛
11. معرفی کتاب، فیلم های آموزشی و نرم افزار و سایت های مرتبط؛
12. دریافت محصولات فرهنگی؛
13. اعلام شماره تلفن به زائرین؛
14. ارائه محتوای جلسه به صورت سؤال و جواب؛
15. قرائت تلبیه و حمد و سوره در ابتدای هر جلسه؛
16. در هر جلسه نسبت به اصلاح مقدمات و مقارنات نماز تأکید شود.

توصیه به زائران

1. همراه داشتن خودکار و دفتر؛
2. طرح سؤال های خود، راحت و بدون رودرواسی؛
3. التزام به شرکت در جلسات، حتی سفر دومی ها؛
4. دلهره نداشتن نسبت به کاروان؛
5. دلهره نداشتن نسبت به انجام اعمال؛
6. دقت نسبت به انجام صحیح مقدمات سفر با معرفت از قبیل: مرجع تقلید، تصحیح حمد و سوره و اذکار نماز، تعیین سال خمسی و محاسبه خمس و فراگیری مناسک؛
7. تأکید بر تصحیح حمد و سوره، اذکار و واجبات نماز، تعیین مرجع تقلید، فراگیری مناسک در هر جلسه؛
8. تهیه مناسک مرجع خود و مطالعه دقیق آن.

ص: 9

احکامی که زائر برای انجام صحیح عمره و حج باید آن را فراگیرد در چهار موضوع است:

اول: احکام تقلید

اعتقاد مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد، ولی در فروع دین باید، یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد جامع الشرائط تقلید کند، یعنی به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است. مثلاً اگر عده ای از مجتهدین عملی را حرام می دانند و عده دیگر می گویند حرام نیست، آن عمل را انجام ندهد و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می دانند آن را بجا آورد.

پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی توانند به احتیاط عمل کنند واجب است از یک مجتهد جامع الشرائط تقلید کنند و به دستور آن نمایند.

زائرانی که از مجتهد تقلید نمی کنند؛ باید در احکام شرعی از مجتهد زنده تقلید نمایند و زائرانی که مجتهد آنان فوت کرده است باید در بقا در تقلید از میت یا رجوع به مجتهد زنده؛ از مجتهد اعلم زنده تقلید نمایند.

دوم: فراگیری انجام صحیح مقدمات و مقارنات نماز

واجب است بر هر مکلفی که نماز خود را یاد بگیرد و قرائت و ذکرهای واجب را پیش اهل فن، درست کند که

تکلیف الهی را به طور صحیح بجا آورد، به خصوص کسی که می خواهد به حج و عمره برود باید نماز را به طور صحیح یاد بگیرد و اگر نماز او درست نباشد، عمره او باطل است ممکن است که از احرام عمره خارج نگردد و چیزهایی که در احرام بر او حرام شده مثل زن و چیزهایی دیگری بر او حلال نگردد.

چون نماز احتیاج به وضو یا غسل یا تیمم دارد، هر مکلفی باید احکام و روش تحصیل طهارت صحیح را فرا گیرد و اگر کسی این موارد را صحیح نتواند انجام دهد عمره اش با مشکل روبه رو می شود و ممکن است که از احرام عمره خارج نگردد، بنابراین واجب است یقین به صحت این موارد داشته باشد.

کسی که قرائتش درست نیست نمی تواند از کسی نیابت کند ولو تبرعاً و چنین شخصی اگر نمی تواند نماز خود را درست کند هر چند نسبت به نماز خود از ذوی الاعذار است، اما نیابت او صحیح نیست.

سوم: تعیین سال خمسی

اشاره

زائر برای هزینه های عمره و حج باید از مالی استفاده نماید که مورد تعلق خمس نباشد یا از مالی استفاده نماید که خمس آن داده شده باشد. التَّزَوُّدُ مِنَ أَطْيَبِ الرَّأْدِ (1). پس هر مسلمانی که درآمد دارد باید سال مالی داشته باشد چه مازاد درآمد سالیانه داشته باشد و خمس بدهکار باشد و چه مازاد درآمد سالیانه نداشته باشد و خمس بدهکار نباشد. پس تعیین سال مالی برای همه کسانی که درآمد دارند چه مازاد درآمد

ص: 11

داشته باشند و چه مازاد در آمد سالیانه نداشته باشند، لازم است.

از آن جایی که خمس به عین تعلق می گیرد، کسی حق ندارد تا خمس آن مال را نداده، در آن مال تصرف نماید، چرا که تصرف در مال بدون تعیین سال مالی و تعیین خمس آن مال، حکم غصب را دارد و حرام است.

پرداخت یا دست گردان و یا به ذمه قرار دادن خمس باید با نظر مجتهد باشد بنابر این هر گونه تصرف در مالی که مورد تعلق خمس قرار گرفته است بدون اجازه حاکم و یا مجتهد از نظر شرعی حرام و حکم غصب دارد.

کسی که سال خمسی برای خود قرار نداده است اگر با پول مخمس لباس احرام تهیه نماید و به عمره مشرف شود طواف او صحیح نیست و کسی که با هزینه دیگری به عمره می رود، اگر یقین به وجود خمس در مال او دارد، لازم است خمس مخارج را بپردازد.

کسانی که بدهی خمس دارند با دست گردان کردن و مهلت گرفتن یا تقسیط به راحتی می توانند خمس خود را پرداخت نمایند. فرایند تعیین سال مالی و محاسبه خمس بسیار ساده و راحت است پس آن را جدی بگیرید و برای تعیین آن مراجعه نمایید.

حکم خمس فیش عمره و سود آن

به فتوای آیات عظام زنجانی و فاضل، فیش عمره و سود آن خمس دارد و به فتوای حضرت امام و رهبری و آیات عظام سیستانی، تبریزی و خوئی فقط فیش خمس دارد و به فتوای

آیات عظام صافی و وحید فقط سود خمس دارد و به فتوای آیات عظام بهجت، مکارم، سبحانی و نوری هیچ کدام خمس ندارد.

چهارم: فراگیری مناسک

قرآن کریم از زبان حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل نقل می کند که به خداوند عرضه داشتند: **أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ(1)**؛ روش و آداب عبادت‌مان را به ما نشان ده و توبه ما را بپذیر، که تو توبه پذیر و مهربانی.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: **تَعَلَّمُوا مَنَاسِكَكُمْ، فَإِنَّهَا مِنْ دِينِكُمْ(2)**؛ مناسک حج خود را فراگیرید که آن، بخشی از دین شماست.

امام محمد باقر علیه السلام فراگیری احکام دین را یکی از عناصر کمال برشمرده و می فرماید: **الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ التَّقِيُّهُ فِي الدِّينِ(3)**؛ کمال انسان و بالاترین کمال او، عالم شدن در دین است. کمال به مفهوم کامل، تقفه در دین است.

انجام کامل و صحیح عمره و بهره مندی از معنویت سفر، به فراگیری دقیق احکام آن بستگی دارد. فراگیری احکام دین برای انجام صحیح فرایض، بر هر مسلمانی واجب است و همه مجتهدین در این زمینه می فرمایند: مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است، یاد بگیرد.

ص: 13

1- - بقره، آیه ی 128

2- - تاریخ مدینه دمشق، ج 79، ص 159

3- - کتاب البیع، ج 3، ص 405

توفیق بر انجام صحیح اعمال و بهرمندی از زیارت با معرفت به رعایت آداب آن بستگی دارد که به بعضی از آن اشاره می شود:

ادب اوّل: اخلاص

اخلاص که انجام عمل تنها برای خدا و پاک کردن نیت از غیر خدا است؛ یکی از آداب مهمی است که رعایت آن، بهره برداری از زیارت مکه مکرمه و مدینه منوره را دوچندان می کند. اخلاص جان اعمال عمره و حج است. در حدیث قدسی آمده است: **خَلَّصِ الْعَمَلَ فَإِنَّ التَّاقِدَ بِصَيْرٍ بَصِيرٌ⁽¹⁾**؛ عمل را خالص کن چون آن که عمل را محک می زند، خیلی آگاه و بیناست.

گر قصد شما دیدن آن خانه ی جان است *** اول رخ آینه به صیقل بزداييد

اخلاص عمل را رنگ خدایی می دهد و انسان را دگرگون می کند. پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید: **مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنْبِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ⁽²⁾**؛ هر کس چهل روز خود را برای خدا خالص کند چشمه های حکمت از قلب وی بر زبانش جاری می شود.

ص: 14

1-- مجموعه آثار حماسه حسینی، ج 17، ص 352

2-- الأصول الأصيلة، ج 1، ص 165

اخلاص در عمل شامل همه اعمال انسان می شود. حضرت امام علی علیه السلام می فرماید: طُوبَى لِمَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ عَمَلَهُ وَعِلْمَهُ وَحُبَّهُ وَبُغْضَهُ وَأَخَذَهُ وَتَرَكَهُ وَكَلَامَهُ وَصَمْتَهُ وَفِعْلَهُ وَقَوْلَهُ(1)؛

خوشا به سعادت کسی که عمل، علم، دوستی، دشمنی، سخن، سکوت، کردار و گفتارش را برای خدا خالص گرداند.

مرتبه مؤمن با اخلاص مشخص می شود. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: بِالْإِخْلَاصِ تَتَفَاضَلُ مَرَاتِبُ الْمُؤْمِنِينَ(2)؛ به وسیله اخلاص، برتری درجات اهل ایمان محقق می شود.

جایگاه اخلاص آن قدر بلند و مهم است که جبران عمل اندک را می کند. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه می فرماید: أَخْلِصْ دِينَكَ يَكْفِيكَ الْقَلِيلُ مِنَ الْعَمَلِ(3)؛

دینت را خالص ساز، آن گاه اندکی از عمل تو را کافی است.

مولوی در باره اخلاص داستانی را در شعرش آورده است و می گوید:

خانه ای نو ساخت روزی نو مرید *** پیر آمد خانه او را بدید

گفت شیخ آن نو مرید خویش را *** امتحان کرد آن نکو اندیش را

روزن از بهر چه کردی ای رفیق

ص: 15

1-1 -- میزان الحکمة، ج 1، ص 755

2-2 -- میزان الحکمة، ج 1، ص 754

3-3 -- همان، ج 3، ص 371

گفت: تا نور آیدم از این طریق

گفت: آن فرع است این باید نیاز *** تا از این ره بشنوی بانگ نماز

نور خود اندر تبع می آیدت *** نیتِ آن کن، که آن می بایدت

هر که کاشت قصد گندم بایش *** گاه خود اندر تبع می آیدش

به حریم قرب خدا کسی، زره ریا ننهاده پا *** نرسی به قرب خدا اگر نشود بری دلت از ریا

ادب دوّم: آداب سفر

سفر آداب بسیار دارد که به صورت اختصار به آن اشاره می شود:

1. صدقه دادن؛
2. غسل کردن؛
3. خواندن تسییحات حضرت زهرا سلام الله علیها؛
4. خواندن آیه الكرّسی؛
5. خواندن سوره حمد؛
6. خواندن سوره قُلْ هُوَ اللهُ (1)؛
7. خواندن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ (2)؛
8. خواندن سوره قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (3)؛

ص: 16

1- - توحید

2- - قدر

3- - ناس

9. خواندن سوره قلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ (1)؛

10. خواندن آیه: إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدٌ إِلَيَّ مَعَادٍ (2)؛

11. خواندن آیه: فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (3)؛

12. آگاه نمودن خویشاوندان و آشنایان و حلالیت طلبیدن؛

13. وصیت کردن، امام صادق علیه السلام می فرماید: مَنْ رَكَبَ رَاحِلَةً فَلْيُوصِ (4)؛ هر کس برای مسافرت بر مرکبی سوار شد باید وصیت کند؛

14. خواندن دو رکعت نماز به صورت دسته جمعی با خانواده: در رکعت اول توحید و در رکعت دوم قدر و پس از آن دعای زیر را به صورت مکرر بگویند: أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ؛

15. خواندن دعای بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، أَللَّ - هُمْ إِلَيْكَ أَسَلْتُ نَفْسِي وَإِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَإِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي، فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَمِنْ خَلْفِي، وَعَنْ يَمِينِي وَعَنْ شِمَالِي، وَمِنْ فَوْقِي وَمِنْ تَحْتِي وَادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ (5).

ص: 17

1- - فلق

2- - قصص، آیه 85

3- - یوسف، آیه 64

4- - الکافی - ط الاسلامیة، ج 4، ص 542

5- - مفاتیح الجنان، دعای امام سجاد (علیه السلام) در دفع ضرر جن و انس

زیارت آداب بسیار دارد و به صورت اختصار به آن اشاره می شود:

1. غسل کردن و خواندن دعای: اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِيْ وَطَهِّرْ لِيْ قَلْبِيْ وَاشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ وَاجْرِ عَلَيَّ لِسَانِيْ مِدْحَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَالشَّاءَ عَلَيْكَ، فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِيْ طَهْوَرًا وَشِفَاءً(1)؛

2. پوشیدن لباس نو و ترجیحاً سفید؛

3. معطر ساختن لباس و بدن در غیر زیارت امام حسین؛

4. وضو داشتن؛

5. پرهیز از سخن های نامربوط با زیارت؛

6. پرهیز از نگاه کردن و واریسی اطراف؛

7. پرهیز از هر حرکتی که حواس را پرت کند؛

8. تکرار تسبیحات اربعه و صلوات؛

9. آهسته و کوتاه گام برداشتن؛

10. با سکینه و وقار گام برداشتن؛

11. با خضوع و خشوع گام برداشتن؛

12. کوشش در حالت معنوی پیدا کردن؛

13. کوشش ارتباط برقرار کردن با صاحب حرم؛

14. تفکر در عظمت و جلال صاحب حرم، و کوتاهی خویش؛

15. تصور این که صاحب حرم او را می بیند، کلام او را می شنود و سلام او را جواب می دهد؛

16. اذن دخول خواندن؛

17. با پای راست وارد حرم شدن؛

18. صد مرتبه تکبیر گفتن؛

19. دو رکعت نماز تهیت خواندن؛

20. زیارت خواندن؛

21. دو رکعت نماز زیارت خواندن؛

22. آن بزرگوار را شفیع قرار دادن.

ص: 19

ای عاشقان ای عاشقان دل را چراغانی کنید *** ای می فروشان شهر را از نور مهمانی کنید

معشوق من بگشوده در روی گدای خانه اش *** تا سرکشم من جرعه ای از ساغر و پیمانہ اش

بزم است و رقص است و طرب، مطرب نوایی ساز کن *** در مقدم او بهترین تصنیف را آغاز کن

مجنون بوی لیلیم در کوی او جایم کنید *** همچون غلام خانه اش زنجیر در پایم کنید

شهر یشرب که به برکت قدوم پیامبر گرامی اسلام مبارک شد و به مدینه منوره شهرت یافت از جایگاه مقدسی برخوردار است. این جایگاه مقدس به وجود مسجد النبی دوچندان شد و با بارگاه ملکوتی پیامبر رحمت، رفعت یافت و با حرم اهل بیت عصمت و طهارت در بقیع به کمال خود رسید به گونه ای که بر آسمان ها سایه افکنده است. سخن از مدینه منوره در چند بخش ارائه می گردد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم آن را «طَیِّبَةً» و «سَيِّدَةَ الْبُلْدَانِ»⁽¹⁾

خوانده است. سمهودی نام های زیادی برای آن ذکر کرده است. کلمه مدینه در قرآن کریم 14 بار ذکر شده است و منظور از 4 مورد آن مدینه منوره است.

مدینه منوره حرم پیامبر شناخته می شود: پیامبر گرامی اسلام می فرماید: لِكُلِّ نَبِيٍّ حَرَمٌ، وَحَرَمِي الْمَدِينَةُ⁽²⁾؛ هر پیامبری حرمی دارد و حرم من مدینه است. همچنین پیامبر گرامی اسلام فرمود: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ حَرَّمَ مَكَّةَ وَدَعَا لَهَا، وَحَرَّمْتُ الْمَدِينَةَ كَمَا حَرَّمَ إِبْرَاهِيمُ مَكَّةَ، وَدَعَوْتُ لَهَا فِي مُدَّهَا وَصَاعِهَا مِثْلَ مَا دَعَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامَ لِمَكَّةَ⁽³⁾؛ حضرت ابراهیم علیه السلام، مکه را حرم قرار داد و برای آن دعا کرد، و من مدینه را حرم قرار دادم، چنان که ابراهیم مکه را، و برای برکتِ ترازو و پیمانهِ آن دعا نمودم، چنان که ابراهیم علیه السلام برای مکه دعا نمود.

مدینه منوره محبوبه پیامبر است: پیامبر گرامی اسلام می فرماید: اللَّهُمَّ حَبِّبْ إِلَيْنَا الْمَدِينَةَ كَحُبِّبْنَا مَكَّةَ أَوْ أَشَدَّ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي صَاعِنَا وَفِي مُدَّنَا وَصَحَّحِهَا لَنَا⁽⁴⁾؛ بار خدایا! مدینه را همانند مکه و بلکه بیشتر، محبوب ما گردان. بار خدایا! به

ص: 22

1- - موسوعة مرآة الحرمين الشريفين وجزيرة العرب، ج3، ص91

2- - تاریخ دمشق، ج 71، ص233

3- - الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ج1، ص305

4- - سير اعلام النبلاء - ط الرسالة، ج1، ص354

پیمانه و ترازوی ما برکت عطا کن و آن ها را برای ما درست گردان.

مدینه منوره با قرآن افتتاح شد: پیامبر گرامی اسلام می فرماید: **أُفْتُتِحَتِ الْقُرَى بِالسَّيْفِ، وَافْتُتِحَتِ الْمَدِينَةُ بِالْقُرْآنِ (1)**؛

شهرها با شمشیر فتح می شوند و مدینه با قرآن کریم فتح شد.

مدینه منوره از مکه برتر است: پیامبر گرامی اسلام می فرماید: **الْمَدِينَةُ خَيْرٌ مِنْ مَكَّةَ (2)**. **مَنْ اسْتَطَاعَ أَنْ يَمُوتَ بِالْمَدِينَةِ فَلْيَفْعَلْ، فَإِنِّي أَشْفَعُ لِمَنْ مَاتَ بِهَا (3)**؛

اگر کسی بتواند به گونه ای زندگی کند که مرگش در مدینه باشد، چنین کند، من برای کسی که در آنجا بمیرد، شفیع خواهم بود.

سخن دوم: آداب مدینه منوره

یکی از آداب مدینه منوره غسل است: امام صادق علیه السلام می فرماید: **إِذَا دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا، أَوْ حِينَ تَدْخُلُهَا (4)**؛ وقتی خواستی وارد مدینه منوره شوی غسل کن.

امام صادق علیه السلام می فرماید: **فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُقِيمَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ: الْأَرْبَعَاءَ وَالْحَمِيسَ وَالْجُمُعَةَ، وَتَصُومَ تِلْكَ الثَّلَاثَةَ**

ص: 23

1- - حکم النبی الأعظم، ج 6، ص 373

2- - موسوعة مرآة الحرمين الشريفين وجزيرة العرب، ج 3، ص 99

3- - مسند ابن حنبل: ج 2 ص 363 ح 5438 عن ابن عمر، فتح الباری: ج 11 ص 428، كنز العمال: ج 12 ص 238 ح 34840

4- - وسائل الشیعة - ط الإسلامیة، ج 10، ص 266

الایام(1): اگر توانستی سه روز چهارشنبه، پنج شنبه و جمعه را در مدینه بمان و سه روز را روزه بگیر.

سخن سوم: اقدامات و توصیه ها

اقدامات اولیه

1. برنامه ریزی برای نوبت اول زیارت پیامبر گرامی اسلام، حضرت فاطمه زهرا و ائمه بقیع علیها سلام؛
2. توجیه زائران به نحوه ی اقامه ی نماز جماعت در مسجد از لحاظ قصر و اتمام، چگونگی سجده، خواندن حمد و ...؛
3. برگزاری جلسات آموزشی عمومی و اختصاصی خانم ها؛
4. برنامه ریزی برای معرفی اماکن مسجد النبی؛
5. برنامه ریزی برای معرفی قبرستان بقیع؛
6. برنامه ریزی برای ختم قرآن کریم؛
7. اقدام برای تصحیح حمد و سوره آقایان و خانم ها؛
8. توجه به پرسش و پاسخ در جلسات آموزشی؛
9. برگزاری مسابقه؛
10. برنامه ریزی برای پاسخ به سؤالات؛
11. برنامه ریزی برای زیارت دوره؛
12. برنامه ریزی برای بازدید مسجدالاجابه و غرب مسجد النبی و دو مزار نزدیک به باب السلام؛
13. توجیه خانم ها نسبت به زمان های اختصاصی ورود به مسجد النبی؛
14. راهنمایی خانم ها برای زیارت بقیع؛

ص: 24

15. توجه به مناسبت های هفته؛

16. توجه به مسائل عوامل کاروان.

توصیه به زائران

1. پرهیز از تشکیل نماز جماعت در منازل؛

2. استحباب سه روز روزه در مدینه منوره؛

3. انتخاب بهترین حجاب برای خانم ها.

سخن چهارم: رموز موفقیت زائر در مدینه منوره

1. توجه به موقعیت حاصل شده و قدر دانستن آن؛

2. باور حضور در محضر پیامبر گرامی اسلام و ائمه بقیع؛

3. مناجات با حضرت حق و توبه و انابه به درگاه احدیت؛

4. توجه به صاحب اصلی و کعبه واقعی؛

5. توجه به فلسفه، اسرار و آداب زیارت؛

6. توجه به ذوالحقوق و ملتسمین دعا؛

7. کمک به دیگران در رفتن به حرم و زیارت؛

8. پرداختن صدقه؛

9. شرکت فعال و مستمر در جلسات روزانه؛

10. کوشش در افزایش معرفت و محبت نسبت به پیامبر و اهل بیت علیهم السلام؛

11. رعایت شأن زائر شیعی و ایرانی و پرهیز از اعمالی که سبب وهن و طعن به شیعه می شود و با فلسفه این سفر مبارک ناسازگار است؛

12. پرهیز از آزار و اذیت دیگران در انجام اعمال و آداب. آزار و اذیت دیگران برای انجام عمل واجب، حرام است، چه رسد برای انجام عمل مستحبی؛

13. انجام صحیح، دقیق و به موقع واجبات: باید جایگاه عمل واجب حفظ شود و هیچ عملی حتی مستحبی نباید به آن آسیب برساند. عملی مستحبی که سبب ترک واجب و یا ارتکاب حرام شود، باید ترک شود. مستحبی که به واجب آسیب برساند یا سبب ارتکاب حرام شود، نه تنها مستحب نیست بلکه حرام است؛

14. پرهیز از انجام اعمال سلیقه ای. باید توجه داشت که نقش دادن سلايق در انجام دستورات دین سبب انحراف و بدعت در دین می گردد. کسی حق ندارد دستورات دین را به شکل دلخواه عمل نماید. یا عملی که در زمان خاصی دارد، در زمان دیگری به نام دین انجام دهد. یا عملی که در مکان مشخص وارد شده است را در جای دیگر انجام دهد. یا عملی را که از ناحیه دین وارد نشده و مآثور نیست به اسم دین انجام دهد؛

15. شریک کردن دیگران در ثواب دعا، زیارت و اعمال به خواندن دعای: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدِي وَ لِإِخْوَانِي وَ أَخَوَاتِي وَ أَعْمَامِي وَ عَمَّاتِي وَ أَخْوَالِي وَ خَالَاتِي وَ أَجْدَادِي وَ جَدَّاتِي وَ أَوْلَادِهِمْ وَ ذُرَّارِيهِمْ وَ أَزْوَاجِي وَ ذُرِّيَّاتِي وَ أَقْرَبَاتِي وَ أَصْدِقَائِي وَ جِيرَانِي وَ إِخْوَانِي فِيكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْعَرَبِ وَ لِجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ وَ لِجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّم مِنِّي عِلْمًا اللَّهُمَّ اشْرِكْهُمْ فِي صَلَاحِ دُعَائِي وَ زِيَارَتِي

لِمَسِّ هِدِّ حُجَّتِكَ وَوَلِيكَ وَأَشْهَرِكُنِي فِي صَالِحِ أَدْعِيَّتِهِمْ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبَلِّغْ وَلِيكَ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَ
بَرَكَاتُهُ (1).

ص: 27

1- - مفاتيح الجنان، دعای عالیہ المضامین

اشاره

مسجد النبی بعد از مسجد قبا، دومین مسجدی است که در اسلام ساخته شده است و بعد از مسجد الحرام دومین مسجد مقدس جهان اسلام است.

حضرت امام علی علیه السلام می فرماید: **أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ(1)؛**

چهار قصر از قصرهای بهشت در دنیا هستند: مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: **صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ(2)؛** یک نماز در مسجد من ثوابش برابر با هزار نماز در دیگر مساجد است، مگر مسجد الحرام.

نکات مهم مسجد النبی

1. رعایت آداب ورود به مسجد النبی و توجه به شرف حضور؛

2. خواندن دو رکعت نماز تهیت؛

3. انجام اعمال مسجد النبی؛

4. تلاوت قرآن کریم؛

5. استفاده از قرآن در نهایت ادب و احترام؛

6. استفاده از آب زمزم در مسجد النبی؛

7. شرکت در نماز جماعت مسجد النبی؛

ص: 28

1- - سفينة البحار و مدينة الحكم والآثار، ج 7، ص 244

2- - الكافي - ط الاسلامية، ج 4، ص 556

8. بهترین روش برای اقامه نماز: شرکت در نماز جماعت مسجد، سپس اعاده نماز به صورت قصر در مکانی که می شود بر سنگ سجده کرد؛

9. اگر سوره سجده دار خوانده شد بعد از سجده دوباره باید اقتدا کرد؛

10. رعایت نظم و انضباط در صفوف نماز.

اعمال ویژه

1. شرکت در نماز جماعت مسجد؛

2. خواندن نماز قضا با توجه به ارزش نماز در مسجد النبی؛

3. خواندن زیارت جامعه کبیره؛

4. خواندن نماز جعفر طیار.

از امور زیر در مسجد النبی پرهیز شود

1. بوسیدن درب ها؛

2. بوسیدن ضریح مطهر؛

3. انداختن پول یا عریضه در ضریح مطهر؛

4. بردن کفش بدون پوشش داخل روضه مقدسه؛

5. پشت به ضریح نشستن یا زیارت خواندن یا نماز خواندن؛

6. بلند صلوات فرستادن؛

7. نوشتن پشت جلد قرآن کریم؛

8. عبور از مقابل نماز گزار؛

9. گذاشتن مهر، سنگ و امثال آن و ناخن هنگام سجده؛

10. خواندن نماز، قران یا صحبت کردن هنگام اذان یا نماز جماعت؛

11. خواندن نماز فرادی یا قصر هنگام اقامه نماز جماعت؛

12. بلند خواندن ذکر رکوع، سجود، تشهد و سلام در نماز جماعت؛

13. قنوت گرفتن در نماز جماعت؛

14. آمین گفتن هنگام نماز جماعت؛

15. دست روی دست بر سینه گذاردن هنگام نماز جماعت؛

16. بلند کردن دست هنگام سلام؛

17. دست دادن بعد از سلام؛

18. خواندن نماز موقع خطبه های نماز جمعه؛

19. حرکت و صحبت موقع نماز میت و نماز جمعه؛

20. خواندن نماز بعد از نماز عصر و بعد از نماز صبح؛

21. خارج شدن از مسجد در آستانه اقامه نماز جماعت.

اشاره

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1)؛ هر که به زیارت من بیاید، در روز قیامت شفیع او باشم.

مَنْ زَارَنِي بَعْدَ وَفَاتِي كَانَ كَمَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي، وَكُنْتُ لَهُ شَهِيدًا وَشَافِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (2)؛ کسی که بعد از حیات، من را زیارت کند گویا من را در حال حیاتم زیارت کرده و من در روز قیامت برای وی شاهد و شافع خواهم بود.

اماکن مقدسه مسجد النبی

اوّل: روضه شریف

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ (3)؛

بین خانه و منبر من باغی از باغ های بهشت است.

دوّم: محراب

محراب به محل عبادت گفته می شود و آن به این جهت است که محراب جای حرب و ستیز با شیطان و هوای نفس است. در زمان پیامبر چیزی به نام محراب وجود نداشت و مسلمانان تنها با نام آن که در آیات قرآن در خصوص حضرت مریم، حضرت زکریا و حضرت داوود علیهم السلام آمده بود

ص: 31

1- - مسند الإمام الصادق أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام)، ج 15، ص 81

2- - الزيارة في الكتاب والسنة، ج 1، ص 48

3- - مصباح المتعجد، ج 1، ص 710

آشنا بودند؛ تا این که در زمان های بعد مکانی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به نماز می ایستاد، محراب ساخته شد و قداست آن به واسطه این است که آن بزرگوار سال ها در این مکان نماز خوانده است.

سوّم: منبر

پس از ساخت مسجد النبی، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم هنگام سخنرانی، بر ستون مسجد که ستونی از نخل خرما بود تکیه می داد، و به ارشاد مردم می پرداخت، تا آن که جمعیت مسلمین زیاد شد و نجاری پیشنهاد ساخت منبری را به آن بزرگوار داد و با قبول حضرت، آن نجار اقدام به ساخت منبر کرد و پس از آماده شدن در جلوی مسجد نهاد و از آن به بعد پیامبر گرامی اسلام هنگام سخنرانی از آن استفاده می کرد نقل است و وقتی پیامبر گرامی اسلام برای اولین بار پا روی پله آن نهاد، هر پله ای که بالا رفت، آمین گفت. از آن بزرگوار سؤال شد و آن حضرت فرمود: وقتی پا بر روی پله اول نهادم، جبرئیل از خدا خواست تا از رحمتش دور سازد کسی را که پدر و مادرش را ناراحت کند و من آمین گفتم. وقتی پا بر روی پله دوّم نهادم، جبرئیل از خدا خواست تا از رحمتش دور سازد کسی را که ماه مبارک رمضان بر او بگذرد و او خود را از رحمت و آمرزش الهی محروم سازد و من آمین گفتم. وقتی پا بر روی پله سوّم نهادم، جبرئیل از خدا خواست تا از رحمتش دور سازد کسی را که نام تو را بشنود و صلوات نفرستد و من آمین گفتم.

چهارم: ستون حنانه

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر تنه درخت خرمایی تکیه می کرد و خطبه می خواند نوشته اند زمانی که برای آن حضرت منبر ساخته شد و برای ایراد سخن روی منبر قرار گرفت، در فراغ آن حضرت از این درخت ناله ای برخاست، شبیه ناله شتر ماده ای که از بیچه خود جدا شود، که به همین دلیل به ستونی که در محل آن بنا شد، «حنانه» (ناله شتر ماده) می گویند به همین خاطر پیامبر گرامی اسلام دستور داد تا آن درخت را در همانجا دفن کردند. محل این ستون در غرب محراب قرار دارد.

مولوی در شعر «مستانه شو» به این واقعه اشاره کرده و پیروان پیامبر گرامی اسلام را به مانند آن ستون به دلدادگی دعوت می کند و می گوید:

کمتر ز چوبی نیستی *** حنانه شو حنانه شو

پنجم: ستون توبه

پایان جنگ خندق، هنگام نماز ظهر، امین وحی نازل شد و فرمان جنگ با یهودیان پیمان شکن بنی قریظه را از جانب حضرت حق به پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ اعلام کرد، همان هنگام پیامبر گرامی اسلام مسلح شد و به مسلمانان دستور دادند باید نماز عصر را در منطقه بنی قریظه بخوانیم، دستور پیامبر انجام گرفت و ارتش اسلام قلعه بنی قریظه را به محاصره کشیدند. مدت محاصره طولانی شد و یهودیان به تنگ آمدند و به پیامبر گرامی اسلام پیام دادند

ابولبابه را نزد ما بفرست تا درباره وضع خود با او مشورت کنیم.

پیامبر گرامی اسلام به ابولبابه فرمودند: نزد هم پیمانان خود برو و ببین چه می گویند. ابولبابه وقتی وارد قلعه شد یهودیان پرسیدند: صلاح تو درباره ما چیست؟ آیا تسلیم شویم به همان صورتی که پیامبر می گوید تا هر چه مایل است نسبت به ما انجام دهد؟ جواب داد: آری تسلیم او شوید، ولی به همراه این جواب با دست خود به گلویش اشاره کرد، یعنی در صورت تسلیم بلافاصله به قتل می رسید.

ابولبابه با این حرکت، احساس کرد به پیامبر گرامی اسلام خیانت کرده و از کرده خود پشیمان شد. از قلعه به زیر آمد و وارد مسجد النبی شد و خود را به یکی از ستون های مسجد بست و گفت: تا توبه من قبول نشود خود را آزاد نمی کنم.

خبر به پیامبر گرامی اسلام رسید و مردم از حضرت خواستند تا برای ابولبابه نزد خدا واسطه شود و آن بزرگوار فرمود: اگر نزد من آمده بود از خداوند برای او طلب آمرزش می کردم، اما اکنون که نزد خداوند رفته صبر می کنم تا خداوند در باره او قضاوت نماید. روزها دختر ابولبابه برای او غذا می آورد و برای نماز او را باز می کرد و بعد از آن دوباره خود را به ستون می بست.

شبی در خانه ام سلمه آیه پذیرفته شدن توبه ابولبابه بر قلب نازنین پیامبر گرامی اسلام نازل شد: **وَآخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخِرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (1)**؛ و گروهی دیگر، به گناهان خود

ص: 34

اعتراف کردند؛ و کار خوب و بد را به هم آمیختند؛ امید می رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد؛ به یقین، خداوند آمرزنده و مهربان است. در این هنگام پیامبر گرامی اسلام به ام سلمه فرمودند: توبه ابولبابه پذیرفته شد و ام سلمه از حضرت اجازه گرفت تا بشارت قبولی توبه ابولبابه را به او بدهد و پس از اجازه، ام سلمه سر از حجره بیرون کرد و قبولی توبه ابولبابه را به وی بشارت داد.

مسلمانان با خبر شدند و آمدند تا او را از ستون باز کنند و ابولبابه مانع آنان شد و گفت: می خواهم به دست پیامبر گرامی اسلام باز شوم. خبر به آن بزرگوار رسید و حضرت هنگام نماز صبح با دست شریف خود ابولبابه را از ستون باز کرد و آن ستون به ستون توبه معروف شد.

نکات مهم حرم النبی

1. توجه به شرف حضور؛

2. انجام آداب زیارت؛

3. خواندن زیارت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله؛

4. خواندن نماز زیارت؛

5. خواندن زیارت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها؛

6. خواندن نماز زیارت؛

ص: 35

بقیع یکی از پر مخاطره ترین مکان های مدینه است که در خود شخصیت های زیادی را جای داده است. مالک بن انس می گوید: بقیع، حدود ده هزار صحابه همچین تابعین، حفاظ، شهدا و سادات بنی هاشم را در خود جای داده است.

بر روی مزار ائمه اطهار بقعه ای ساخته شده بود، که به دست وهابیان ملعون تخریب شده است. شاعر، بقعه های مزار را چنین توصیف میکند:

ندیدم اندر آن ارض مطهر *** بجز نور فروزان زیب دیگر

زمینی کوبدی بالاتر از عرش *** به کهنه بوریائی گشته ای فرش

بیا بنگر بر اولاد پیمبر *** بدان رخشنده کوب های انور

که مسکن کرده اند در یک سرایی *** ضریح از چوب و فرش از بوریائی

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مَنْ زَارَنِي، أَوْ زَارَ أَحَدًا مِنْ ذُرِّيَّتِي، زُرْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1)؛

هرکس مرا یا یکی از فرزندان مرا زیارت کند، روز قیامت او را زیارت کرده، از هراس های آن روز نجاتش می دهم.

پیامبر گرامی اسلام برخی از شب ها به بقیع می رفت برای اهل آن طلب آمرزش می کرد و می فرمود: أَسْأَلُكُمْ عَلَيْكُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ وَ إِنَّا وَ إِيَّاكُمْ مُتَوَاعِدُونَ غَدًا وَ مُوَاعِلُونَ وَ إِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعٍ (2)، سلام بر شما، خانه گروه

ص: 36

1-1 - کامل الزیارات - ط مکتبة الصدوق، ج 1، ص 7

2-2 - الوهابیة فی المیزان، ج 1، ص 105

مؤمنان، آنچه وعده داده شدید، در فردایی تعیین شده، به شما داده شد. ما هم به شما می پیوندیم، إن شاء الله.

ام قیس می گوید: همراه پیامبر گرامی اسلام به بقیع آمدم، حضرت فرمود: ام قیس از این قبرستان در آخرت هفتاد هزار نفر بر انگیخته می شوند و بدون حساب وارد بهشت خواهند شد در حالی که صورت های ایشان مانند ماه شب بدر می درخشد.

غلام پیامبر گرامی اسلام می گوید: پیامبر گرامی اسلام مرا در دل شب از خواب بیدار کرد و فرمود: مأمور شده ام تا برای اهل بقیع استغفار کنم تو نیز همراه من بیا، من نیز همراه او شدم وقتی روبروی قبر بقیع ایستاد برای مدفونین در بقیع زیارت خواندند سپس مدت طولانی برای آنان استغفار کردند.

عایشه می گوید: پیامبر گرامی اسلام شب ها از منزل بیرون می رفتند و من گمان می بردم که به منزل همسران دیگر می رود لذا حساس شدم و ایشان را تعقیب کردم، دیدم به زیارت اهل بقیع رفته است، هنگامی که از تعقیب من آگاه شد فرمود: گمان می کنی به تو ظلم خواهم کرد؟ خیر من از سوی خدا مأمور شده ام که برای اهل بقیع استغفار کنم.

دفن شدگان در بقیع

قبرستان بقیع حرم چهار امام معصوم است: امام حسن مجتبی، امام زین العابدین، امام محمد باقر، امام جعفر صادق علیهم السلام و همچنین مزار عباس عموی پیامبر، حلیمه سعدیه مادر رضایی پیامبر، فرزندان، همسران، عمه های پیامبر، فاطمه بنت اسد مادر امام علی علیه السلام، عقیل

برادر امام علی علیه السلام، محمد حنیفه فرزند امام علی علیه السلام، ام البنین مادر حضرت عباس، اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام، سعد بن معاذ، مقداد، جابر ابن عبدالله، عثمان بن مظعون، شهدای جنگ بدر و هزاران صحابه، تابعین، حفاظ، و سادات بنی هاشم، رحمة الله علیهم است.

نکات مهم قبرستان بقیع

1. توجه به شرف حضور و رعایت آداب حضور؛
2. انجام آداب زیارت؛
3. خواندن زیارت جامع؛
4. خواندن نماز زیارت در مسجد النبی.

از امور زیر در بقیع و کنار آن پرهیز شود

1. اقامه نماز فرادا یا جماعت در بقیع و کنار آن؛
2. تجمع کنار بقیع موقع اقامه نماز جماعت؛
3. خواندن دعای توسل و زیارت عاشورا؛
4. سینه زنی و مرثیه خوانی؛
5. برداشت خاک بقیع؛
6. بستن دخیل به نرده ها؛
7. انداختن عریضه داخل قبرستان؛
8. انداختن پول داخل قبرستان؛
9. روشن کردن شمع؛
10. رفتن خانم ها در بقیع؛
11. عکس گرفتن و سیگار کشیدن.

اشاره

مکه مکرمه، زادگاه و محل اسکان و محل بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و محل ظهور دین مبین اسلام است. مکه مکرمه از آغاز خلقت قداستی ویژه داشته است و هم اکنون مقدس ترین شهر مسلمانان به حساب می آید و در قرآن کریم از آن به مکه، أم القرى و البلد الامین یاد شده است.

مکه مکرمه، به دلیل اماکن مقدسی که دارد از جایگاه بلند و رفیعی برخوردار است. مهم ترین اماکن مقدس مکه عبارت است از: کعبه، مسجد الحرام، صحرای عرفات، وادی مشعر الحرام و سرزمین منا.

تاریخ جغرافیایی و آبادانی شهر مکه با اسکان حضرت هاجر و حضرت اسماعیل علیهما السلام برمی گردد.

خداوند تبارک و تعالی به دلیل تقدس شهر مکه، برای آن حریم قرار داده و از آن به عنوان حرم یاد کرده است و برای آن احکام خاصی معین فرموده است. مباحث مکه مکرمه در چند بخش تقدیم می گردد.

مهم ترین حرم مسلمانان سرزمین مکه است که احکام شرعی خاصی دارد. این منطقه در قرآن حرم امن حَرَمًا آمِنًا (1) خوانده شده است. خداوند تبارک و تعالی به حرمت و قداست بیت الله الحرام، اطراف شهر مکه را حرم قرار داد. امام صادق علیه السلام در حکمت احرام می فرماید: حَرَّمَ اللَّهُ الْمَسْجِدَ لِعِلَّةِ الْكَعْبَةِ، وَحَرَّمَ الْحَرَمَ لِعِلَّةِ الْمَسْجِدِ، وَوَجَبَ الْإِحْرَامُ لِعِلَّةِ الْحَرَمِ (2)؛ خداوند تبارک و تعالی به حرمت کعبه برای مسجد الحرام حرمت قرار داد و به حرمت مسجد الحرام برای حرم، حرمت قرار داد و به حرمت حرم، احرام را واجب فرمود.

احکام حرم الهی و محرمات حرم

1. وجوب ورود به حرم با احرام؛
2. حرمت ورود و سکونت غیر مسلمانان؛
3. حرمت کشتن حیوانات غیر اهلی؛
4. حرمت شکار جانوران در حرم؛
5. حرمت راهنمایی شکارچیان در حرم؛
6. حرمت خوردن گوشت شکار شده در حرم؛
7. آسیب رساندن به گیاهان و درختان؛
8. حرمت حمل اسلحه و جنگ و خون ریزی؛
9. خارج کردن ریگ و سنگ؛
10. برداشتن اشیای گمشده

ص: 41

1- عنکبوت، آیه ی 67

2- المحاسن، ج 2، ص 330

11. افزایش دیه در قتل عمد یا غیر عمد که در حرم صورت گرفته باشد؛

12. بر کسی که در خارج حرم مرتکب گناه موجب حد گردیده و به حرم پناه آورده اقامه حد نمی شود بلکه بر او در خوراک و آب تنگ می گیرند تا از آنجا خارج شود؛

13. بر کسی که در حرم مرتکب گناه موجب حد گردد، اقامه حد نمی شود چون حرمت حرم را نقض کرده لذا حرمت او هم داخل حرم نقض خواهد شد.

ص: 42

مکه از بُعد دینی، دارای فضایل بی شماری است. مهم ترین فضیلت آن، وجود خانه خدا و مسجد الحرام و به تعبیر حضرت ابراهیم علیه السلام بیئتک المحرم (1) است. خداوند در قرآن با نام بلد امن به آن سوگند خورده است: *وَالسَّيِّئِينَ وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سَيْبِينَ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ* (2).

خداوند دعای ابراهیم درباره این شهر را به اجابت رساند آن گاه که حضرت ابراهیم فرمود: *رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ* (3)؛ پروردگارا این سرزمین را شهر امنی قرار ده و اهل آن را که ایمان آورده اند از ثمرات گوناگون، روزی ده و خداوند آن را مستجاب کرد.

پیامبر گرامی اسلام به هنگام خروج از مکه فرمود: *مَا أَطْيَبَكِ مِنْ بَلَدٍ وَأَحَبَّكَ إِلَيَّ وَلَا أَنْ قَوْمِي أَخْرَجُونِي مِنْكَ مَا سَكَنْتُ غَيْرَكَ* (4)؛ چه شهر پاکی هستی تو و چقدر دوست داشتنی برای من و اگر نبود که قوم من، مرا از این شهر بیرون کردند، جز در تو، جای دیگری سکونت نمی کردم. امام باقر علیه السلام درباره این شهر فرمود: *التَّائِمُ بِمَكَّةَ كَالْمُتَهَجِّدِ فِي الْبُلْدَانِ* (5)؛ خوابیدن در مکه، مساوی با شب زنده داری در شهرهای دیگر است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: *أَحَبُّ الْأَرْضِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَكَّةُ وَمَا تُرْبَةٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ تُرْبَتِهَا وَلَا حَجَرٌ*

ص: 43

1- - ابراهیم، آیه ی 37

2- - تین، آیه ی 1-3

3- - بقره، آیه ی 126

4- - سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، ج 8، ص 92

5- - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)، ج 4، ص 94

أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ حَجْرِهَا وَلَا شَجَرٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَجَرِهَا وَلَا جَبَلٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ جِبَالِهَا وَلَا مَاءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مَائِهِ(1)؛ دوست داشتنی ترین زمین نزد خداوند، سرزمین مگه است. نزد خدا نه خاکی از خاک آن محبوب تر است، نه سنگی از سنگ آن، نه درختی از درخت آن، نه کوهی از کوه های آن و نه آبی از آب های آن.

در مگه به سه چیز اساسی باید توجه کرد

اول: درک صحیح از جائی که به آن تشریف یافته ایم. همه تاریخ، همه انبیا، همه دین و در یک کلام همه هستی و جان هستی، این جاست.

دوم: رونق و پایداری این سرزمین مدیون حماسه جانفشانی سید و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام است، آن بزرگوار برای پایداری حج در طول تاریخ، بجای انجام مناسک حج، هستیش را فدا کرد و بجای یک قربانی هفتاد و دو قربانی تقدیم دین و مکتب نمود.

اندر منا یک ذبیح بود زنده رفت *** ای صد ذبیح کشته شد اندر منای تو

دانی که چرا خانه حق گشته سیه پوش *** زیرا که خداوند عزا دار حسین است

ص: 44

سوم: توجه به صاحب اصلی این سرزمین یعنی صاحب العصر و الزمان و منجی و مصلح بشریت. بر این اساس امام باقر علیه السلام فرمود: تَمَامُ الْحَجِّ لِقَاءُ الْإِمَامِ (1)، تمام بودن حجّ زیارت امام است.

کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود *** حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست

آداب ورود به مکه مکرمه

احرام: امام صادق علیه السلام می فرماید: حَرَّمَ اللَّهُ الْمَسْجِدَ لِعِلَّةِ الْكَعْبَةِ، وَحَرَّمَ الْحَرَمَ لِعِلَّةِ الْمَسْجِدِ، وَوَجَبَ الْإِحْرَامُ لِعِلَّةِ الْحَرَمِ (2)؛ خداوند تبارک و تعالی به خاطر کعبه برای مسجد الحرام حرمت قرار داد و به خاطر مسجد الحرام برای حرم، حرمت قرار داد و به خاطر حرم، احرام را واجب کرد.

غُسل: امام صادق علیه السلام می فرماید: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: "طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السَّجُودِ" فَيَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ لَا يَدْخُلَ مَكَّةَ إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ، قَدْ غَسَلَ عِرْقَهُ وَالْأَذَى وَتَطَهَّرَ (3)؛ خداوند در کتابش می فرماید: "خانه ام را برای طواف کنندگان و پرستشگران و راکعان و ساجدان، پاک کنید". پس سزاوار است که بنده جز با پاکی وارد مکه نشود، عرق خود را شسته و آلودگی را زدوده، غسل کند.

ص: 45

1- بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، ج 99، ص 374

2- همان، ج 99 صفحه: 43

3- حج و عمره در قرآن و حدیث، ج 1، ص 66

تَوَاضَعُ وَخُشُوعٌ: أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ مِي گويد: با امام صادق عليه السلام در راه مکه همسفر بودم، وقتی به حرم رسيديم آن بزرگوار فرود آمد و غسل کرد و پای برهنه وارد حرم شد و من نیز مانند او

غسل کردم و پای برهنه همراه آن بزرگوار وارد حرم شدم آنگاه فرمود: يا أَبَانُ، مَنْ صَدَّقَ مِثْلَ مَا رَأَيْتَنِي صَدَّقْتُ تَوَاضَعًا لِلَّهِ مَحَا اللَّهُ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَدِّيَّةٍ، وَكُتِبَ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ حَسَنَةٍ، وَبَنَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَقَضَى لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَاجَةٍ (1)؛ فرمود: ای ابان! هر که از روی تواضع در برابر خدا این گونه عمل کند که من کردم، خداوند صد هزار گناه از او محو می کند، صد هزار حسنه برای او می نویسد و صد هزار درجه برای او بنا می نهد و صد هزار حاجت از او بر می آورد.

اقدامات اولیه

1. انجام اعمال عمره؛
2. همراهی باقیمانده کاروان برای انجام اعمال عمره؛
3. همراهی توان خواهان، معمرین و ویلچری ها برای انجام اعمال؛
4. بررسی اعمال عمره زائران؛
5. برنامه ریزی جلسه روزانه؛
6. بیان مناسک حج تمتع؛
7. معرفی آیات بینات و مواضع مقدس مسجد (پاور پوینت)؛
8. معرفی مواضع مقدس مسجد به صورت حضوری؛
9. برنامه ریزی برای ختم قرآن کریم به صورت جمعی.

ص: 46

اشاره

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **أَعْظَمُ الْمَسَاجِدِ حُرْمَةً وَأَحَبُّهَا إِلَى اللَّهِ وَأَكْرَمُهَا عَلَى اللَّهِ تَعَالَى، الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ(1)**؛ با حرمت ترین مسجدها و دوست داشتنی ترین و گرامی ترینشان در پیشگاه خدای متعال، مسجد الحرام است.

حضرت امام علی علیه السلام می فرماید: **أَرْبَعَةٌ مِنْ قُصُورِ الْجَنَّةِ فِي الدُّنْيَا: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَ مَسْجِدُ الرَّسُولِ وَ مَسْجِدُ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ وَ مَسْجِدُ الْكُوفَةِ(2)**؛

چهار قصر از قصرهای بهشت در دنیا هستند: مسجد الحرام، مسجد الرسول، مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه.

مسجد الحرام در قرآن کریم

بَيْتُ الْحَرَامِ

انَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ(3)؛ نخستین خانه ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.

وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَاً وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ وَعَهِدْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ(4)؛ و به خاطر بیاورید

ص: 47

1- - منتخب حکم النبِّي الأعظم صلي الله عليه و آله ، ج 1، ص 444

2- - سفينة البحار و مدينة الحكم و الآثار، ج 7، ص 244

3- - آل عمران، آیه ی 96

4- - بقره، آیه ی 125

هنگامی که خانه کعبه را محل بازگشت و مرکز امن و امان برای مردم قرار دادیم! و برای تجدید خاطره، از مقام ابراهیم، عبادت گاهی برای خود انتخاب کنید! و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.

بَيْتُ الْعَتِيقِ

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ (1): سپس، باید آلودگی هایشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند.

أَبَانُ بْنُ تَغَلِبٍ نقل می کند که شخصی از امام باقر علیه السلام سؤال کرد چرا کعبه را بیت عتیق می نامند و حضرت در جواب فرمود: هُوَ بَيْتٌ حُرٌّ عَتِيقٌ مِنَ النَّاسِ، لَمْ يَمْلِكْهُ أَحَدٌ (2)؛ چون خانه ای آزاد و رها شده از مردم است و کسی مالک آن نیست.

داستان أصحاب فیل

أصحاب فیل با آن همه لشکر و قدرت آمده بودند تا خانه خدا را ویران سازند، و خداوند با لشکری به ظاهر بسیار کوچک و ناچیز، آن ها را درهم کوبید، فیل ها را با پرنده های کوچک و سلاح های پیشرفته آن روز را، با سنگریزه سجیل از کار انداخت، تا ضعف و ناتوانی این انسان مغرور و خیره سر را

ص: 48

1- - حج، آیه ی 29

2- - الوافی، ج 12، ص 197

در برابر قدرت الهی ظاهر و آشکار سازد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ. اَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبِّكَ بِاَصْحٰبِ الْفِیْلِ. اَلَمْ یَجْعَلْ كَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیْلِ. وَاَرْسَلْ عَلَیْهِمْ طَیْرًا اَبَابِیْلَ. تَرْمِیْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ سِجِّیْلِ. فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُوْلٍ(1)؛ به نام خداوند رحمتگر مهربان. مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد. آیا نیرنگ شان را بر باد نداد. و بر سر آن ها دسته دسته پرندگانی ابابیل فرستاد. که بر آنان سنگ هایی از گل سخت می افکندند و سرانجام خدا آنان را مانند کاه جویده شده گردانید.

فَضْلُ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ مِائَةٌ اَلْفِ صَلَاةٍ، وَصَلَاةٌ فِي مَسْجِدِي اَلْفُ صَلَاةٍ، وَفِي بَيْتِ الْمَقْدِسِ خَمْسُمِائَةِ صَلَاةٍ(2)؛ یک نماز در مسجد الحرام، برابر با صد هزار نماز است و یک نماز در مسجد من هزار نماز است و در بیت المقدس پانصد نماز است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: مَنْ صَلَّى فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ صَلَاةً مَكْتُوبَةً قَبْلَ اللّٰهِ بِهَا مِنْهُ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَّاهَا مِنْذُ يَوْمٍ وَجَبَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ، وَكُلَّ صَلَاةٍ يَصَلِّيْهَا اِلَى اَنْ يَمُوْتَ(3)؛ هرکس در مسجد الحرام یک نماز واجب بخواند، خداوند همه نمازهایی را که از روز وجوب نماز بر او، خوانده است و همه

ص: 49

1- - سوره فیل

2- - الجامع الصغير، ج 2، ص 110

3- - رسائل الشهيد الأول، ج 1، ص 107

نمازهایی را که تا زمان مرگ می خوانند، به برکت این نماز از او قبول می کنند.

و چه بجا و ارزشمند است که زائر، نمازهای قضای خود را در مسجد الحرام بخواند.

جایگاه محوری کعبه، مرکزی جهانی و جاودانه

دین جهانی باید دارای کتابی جاودانه، پیامبر جهانی و مرکزی همگانی و ثابت و تغییر ناپذیر باشند و همواره پیروان با آن پیوند داشته و برای استواری خود لحظه ای از او جدا نشوند. جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ (1)؛ خداوند، کعبه و بیت الله الحرام را وسیله ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده است.

کلماتی که هستی و معارف الهی بر آن استوار است چهار کلمه است: تسبیح، تهلیل، تمجید، تکبیر: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ: عالم طبیعت، عالم مثال، عالم عقل و عالم اله. بر اساس این که هستی و معارف الهی، بر چهار کلمه استوار است؛ مرکز فرماندهی هستی که عرش خدا است هم بر چهار ضلع بنا نهاده شد و بیت المعمور که تنزل عرش خدا و مرکز اجرائیات الهی است، در محاذی عرش خدا و دارای چهار ضلع است و کعبه که مکانی بسیار مقدس، عظیم، مبارک و به عنوان عرش خدا در زمین است و در محاذی عرش خدا قرار دارد؛ به شکل مکعب و دارای چهار ضلع بنا شده است.

ص: 50

شیخ صدوق نقل می کند شخصی از امام صادق سؤال کرد چرا کعبه را کعبه نامیدند؟ آن حضرت فرمود: إِنَّمَا سَمَّيْتِ كَعْبَةً لِأَنَّهَا مُرَبَّعَةٌ، وَصَارَتْ مُرَبَّعَةً لِأَنَّهَا بِحِذَاءِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ وَهُوَ مُرَبَّعٌ، وَصَارَ الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ مُرَبَّعًا لِأَنَّهُ بِحِذَاءِ الْعَرْشِ وَهُوَ مُرَبَّعٌ، وَصَارَ الْعَرْشُ مُرَبَّعًا لِأَنَّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي بُنِيَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ أَرْبَعٌ، وَهِيَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ(1)؛ کعبه را کعبه نامیده اند چون مربع است، و از این رو مربع ساخته شده که مقابل بیت المعمور است و آن هم مربع است، و بیت المعمور مربع گردیده به دلیل این که مقابل عرش خدا است که آن هم مربع است، و عرش مربع گردیده زیرا کلماتی که اسلام بر آن بنا شده چهار کلمه است و آن ها عبارتند از: سبحان الله، والحمد لله، ولا اله الا الله، والله اكبر.

عرش را خدا معماری کرد و معماری کعبه که عرش خدا در زمین است را به بهترین بندگانش سپرد: وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ(2)؛ به یاد آورید هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه های کعبه را بالا می بردند، و می گفتند: پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی. آنگاه دستور داد که همگان را صلا بزن و فراخوان عمومی ده: وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ(3)؛ و مردم را دعوت

ص: 51

1- - جامع أحاديث الشيعة، ج 10، ص 409

2- - بقره، آیه ی 127

3- - حج، آیه ی 27

عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری بسوی تو بیایند.

هم چنان که فرشتگان در طواف عرش خدایند، فرشته خونیز باید در طواف جلوه و نمود عرش خدا باشد و کعبه جلوه و نمود عرش خداست. پس طواف کعبه می کنیم تا فرشته خوشویم. حال اگر برای حاجی شدن طواف کنیم، طواف سنگ و گل کرده ایم و اگر برای بهشت طواف کنیم و خوفنا من النار و شوقا الی الجنة باشد، طواف عالم مثال کرده ایم و اگر به پاس نعمت هایش طواف کنیم طواف عالم عقل کرده ایم و اگر فقط برای او طواف کنیم، به عالم اله راه یافته ایم و به عرش خدا رسیده ایم. باید دید چه لیاقتی کسب کرده ایم و چه طوافی می کنیم! طواف سنگ یا طواف کعبه یا طواف بیت المأمور یا طواف عرش و اسماء الهی؟ به یقین از ما طواف سنگ نخواستند، این ظاهر کار است. طواف روح و باطن کعبه مراد است.

عرش خدا مبدا پاکی است و کعبه که عرش خدا در زمین است مرکز پاکی و طواف به دور آن سبب پاکی است. وَعَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ (1)؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان، مجاوران، رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.

ص: 52

در مسجد الحرام آیات و نشانه های مقدسی است: فیه آیات بینات مقام ابراهیم و من دخله كان آمناً(1)؛ در آن، نشانه های روشن، از جمله مقام ابراهیم است؛ و هر کس داخل آن خانه شود؛ در امان خواهد بود.

حجر الاسود

یکی از آیات الهی حجر الاسود است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: الحجرُ یمنُ الله فی الأرض، فمن مسح یدَهُ علی الحجرِ فقد بايع الله أن لا یعصیه(2)؛ حجر الاسود، دست خدا در زمین است. هر که دست خود را بر آن بکشد، با خدا بیعت کرده که او را نافرمانی نکند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: إن الله عزّ و جلّ أمر إِبْرَاهِيمَ بِنَاءِ الْكَعْبَةِ وَأَنْ يَرْفَعَ قَوَاعِدَهَا وَيُرَى النَّاسَ مَنْاسِيَهُمْ فَبَنَى إِبْرَاهِيمُ وَ إِسْمَاعِيلُ الْبَيْتَ كُلَّ يَوْمٍ سَافِئاً حَتَّى انْتَهَى إِلَى مَوْضِعِ الْحَجْرِ الْأَسْوَدِ. فَنَادَى أَبُو قُبَيْسٍ إِبْرَاهِيمَ إِنَّ لَكَ عِدْدِي وَدِيعةً فَأَعْطَاهُ الْحَجَرَ فَوَضَعَهُ مَوْضِعَهُ(3)؛ خداوند عزّ و جلّ ابراهیم خلیل را فرمود تا خانه کعبه را بسازد و دیوار آن را بالا ببرد و آداب زیارت و مناسک حج را به مردم بیاموزد. ابراهیم با یاری فرزندش اسماعیل، هر روز، یک ردیف از سنگچین دیوار کعبه را چیدند تا آن روز که ارتفاع دیوار به ردیف حجر

ص: 53

1- آل عمران، آیه ی 97

2- حج و عمره در قرآن و حدیث، ج 1، ص 158

3- الوافی، ج 12، ص 149

الأسود رسید در این هنگام کوه اَبوقبیس فریاد زد که ای ابراهیم خلیل، امانتی در نزد من داری و با فریادی عظیم سنگی را بر دامن خود غلتانید. ابراهیم آن سنگ را برداشت و در همین محل به کار گذاشت.

رکن یمانی

یکی از آیات الهی رکن یمانی است. بن عباس می گوید: **إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَبَّلَ الرُّكْنَ الِیْمَانِیَّ، وَوَضَعَ خَدَّهُ عَلَيْهِ.** پیامبر گرامی اسلام رکن یمانی را بوسید و صورتش را بر روی آن نهاد.

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد ای پیامبر خدا! دیده ایم که زیاد بر رکن یمانی دست می کشی؟ حضرت فرمود: **مَا أَتَيْتُ عَلَيْهِ قَطُّ إِلَّا وَجَبْرَائِلُ قَائِمٌ عِنْدَهُ يَسْتَغْفِرُ لِمَنْ اسْتَلَمَهُ (1)**؛ هرگز نزد رکن یمانی نیامدم، مگر آن که جبرئیل کنار آن ایستاده بود و برای هر که آن را لمس می نمود، طلب آمرزش می کرد.

حطیم

معاویة بن عمّار می گوید از امام صادق علیه السلام درباره حطیم پرسیدم آن بزرگوار فرمود: **هُوَ مَا بَيْنَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَبَابِ الْبَيْتِ (2)**؛ میان حجرالأسود و درِ کعبه است.

ص: 54

1- - حکم النبی الأعظم، ج6، ص 351

2- - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمة)، ج4، ص 13

معاوية بن عمّار می گوید از امام صادق سبب نام حطیم پرسیدم آن بزرگوار فرمود: لِأَنَّ النَّاسَ يَحِطُّمُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا هُنَالِكَ (1)؛ چون در آن جا مردم همدیگر را فشار می دهند.

ابوبلال مکی می گوید دیدم امام صادق را دیدم که بر گرد کعبه طواف کرد سپس میان در کعبه و حجرالاسود، دو رکعت نماز خواند گفتم: هیچ کس را ندیدم که اینجا نماز بخواند! آن بزرگوار فرمود: فَقَالَ: هَذَا الْمَكَانُ الَّذِي تِيبَ عَلَى آدَمَ فِيهِ (2)؛

این جا، همان جاست که توبه آدم پذیرفته شد.

ملتزم

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ مُلْتَمَزٌ، مَا يَدْعُو بِهِ صَاحِبُ عَاهَةِ إِلَّا بَرِيءٌ (3)؛

میان رکن و مقام، ملتزم است. هیچ دردمندی آن جا دعا نمی کند، مگر آن که بهبود یابد.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: مَا دَعَا أَحَدٌ بِشَيْءٍ فِي هَذَا الْمُلْتَمَزِ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ (4)؛ هیچ کس در این ملتزم چیزی از خدا نخواست، مگر آن که اجابت شد.

پیامبر گرامی اسلام می فرماید: الْمُلْتَمَزُ مَوْضِعٌ يَسْتَجَابُ فِيهِ الدَّعَاءُ، وَمَا دَعَا عَبْدٌ اللَّهَ دَعْوَةً إِلَّا اسْتَجَابَهَا؛ ملتزم، جایی است که دعا در آن پذیرفته است و هیچ بنده ای چیزی از خدا نخواست، مگر آن که آن را پذیرفت.

ص: 55

1- - جامع أحاديث الشيعة، ج10، ص 145

2- - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمة)، ج4، ص 98

3- - حكم النبي الأعظم، ج6، ص 350

4- - الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ج1، ص 109

امام صادق علیه السلام می فرماید: بَنَى إِبْرَاهِيمَ الْبَيْتَ... وَجَعَلَ لَهُ بَابَيْنِ: بَابٌ إِلَى الْمَشْرِقِ وَبَابٌ إِلَى الْمَغْرِبِ، وَالبَابُ الَّذِي إِلَى الْمَغْرِبِ يُسَمَّى الْمُسْتَجَارَ(1)؛ حضرت ابراهیم کعبه را ساخت ... و برای آن دو در قرار داد: دری به مشرق و دری به مغرب. مستجار، دری است که رو به مغرب است.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: لَمَّا هَبَطَ آدَمُ إِلَى الْأَرْضِ طَافَ بِالْبَيْتِ، فَلَمَّا كَانَ عِنْدَ الْمُسْتَجَارِ دَنَا مِنَ الْبَيْتِ فَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: يَا رَبِّ، اغْفِرْ لِي. فَنُوْدِيَ: إِنَّي قَدْ غَفَرْتُ لَكَ. قَالَ: يَا رَبِّ، وَلَوْلَدِي! فَنُوْدِيَ: يَا آدَمُ، مَنْ جَاءَنِي مِنْ وُلْدِكَ فَبَاءَ بِدَنِيهِ بِهَذَا الْمَكَانِ غَفَرْتُ لَهُ(2)؛ چون آدم به زمین هبوط کرد، کعبه را طواف نمود. کنار مستجار که رسید، به کعبه نزدیک شد، دستان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا، مرا ببخشای. ندا آمد: تو را بخشودم. گفت: خدایا، فرزندانم را. ندا آمد: ای آدم! هر یک از فرزندان تو سراغ من آید و گناه خویش را این جا یاد آورد، گنااهش را می آمرزم.

مقام ابراهیم

یکی از آیات الهی مقام ابراهیم است. وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى(3)؛ از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب کنید.

ص: 56

1- بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، ج 99، ص 38

2- الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ج 1، ص 111

3- بقره، آیه ی 125

امام صادق علیه السلام می فرماید: لَمَّا أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى إِبْرَاهِيمَ أَنْ أَدْنِ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ أَخَذَ الْحَجَرَ الَّذِي فِيهِ أَثَرُ قَدَمَيْهِ وَهُوَ الْمَقَامُ فَوَضَعَهُ بِحِذَاءِ الْبَيْتِ لِاصْتِمَاءِ الْبَيْتِ بِحِجَالِ الْمَوْضِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ الْيَوْمَ، ثُمَّ قَامَ عَلَيْهِ فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ، فَلَمَّا تَكَلَّمَ بِالْكَلَامِ لَمْ يَحْتَمِلْهُ الْحَجَرُ، فَغَرِقَتْ رِجْلَاهُ فِيهِ، فَقَلَعَ إِبْرَاهِيمُ رِجْلَيْهِ مِنَ الْحَجَرِ قَلْعًا(1)؛ چون خداوند به حضرت ابراهیم وحی کرد که مردم را به حج ندا ده، سنگی را که اثر گام هایش در آن است مقام رو به روی کعبه و چسبیده به کعبه، در همان جایی که امروز است قرار داد. سپس بر آن ایستاد و فرمان خدا را با رساترین صدایش ندا داد. چون آن سخن را گفت، سنگ تاب تحمل او را نیاورد، پاهایش در آن فرو رفت. پس ابراهیم، پاهایش را از سنگ برکند.

حجر اسماعیل

امام صادق علیه السلام می فرماید: الْحِجْرُ بَيْتُ إِسْمَاعِيلَ، وَفِيهِ قَبْرُ هَاجِرَ وَقَبْرُ إِسْمَاعِيلَ.

طاووس فقیه می گوید امام سجّاد علیه السلام را در حجر دیدم که نماز می خواند و چنین دعا فرمود: عُبَيْدُكَ يَا بَيْتَ، أُسِيرُكَ يَا بَيْتَ، مَسْكِينُكَ يَا بَيْتَ، سَائِلُكَ يَا بَيْتَ، يَشْكُو إِلَيْكَ مَا لَا يَخْفَى عَلَيْكَ لَا تُرَدَّنِي عَنْ بَابِكَ(2)؛ بنده ناچیز تو به درگاه توست، اسیر تو در آستانه توست، نیازمند تو به درگاه

ص: 57

1- - عِلل الشرائع، ج 2، ص 423

2- - میزان الحکمة، ج 4، ص 3233

توست، گدای تو به آستانه توست، نزد تو شکایتی دارد، که بر تو پنهان نیست، مرا از درگاهت بازنگردان.

چاه زمزم

یکی از آیات الهی چاه زمزم است. امام صادق علیه السلام می فرماید: لَمَّا ارْتَفَعَ النَّهَارُ عَطِشَ إِسْمَاعِيلُ وَطَلَبَ الْمَاءَ، فَقَامَتْ هَاجِرٌ فِي الْوَادِي فِي مَوْضِعِ الْمَسْعَى وَنَادَتْ: هَلْ فِي الْوَادِي مِنْ أُنَيْسٍ؟ فَغَابَ عَنْهَا إِسْمَاعِيلُ، فَصَعِدَتْ عَلَى الصَّفَا وَلَمَعَ لَهَا السَّرَابُ فِي الْوَادِي وَظَنَّتْ أَنَّهُ مَاءٌ، فَتَنَزَّلَتْ فِي بَطْنِ الْوَادِي وَسَعَتِ، فَلَمَّا بَلَغَتِ الْمَسْعَى غَابَ عَنْهَا إِسْمَاعِيلُ. ثُمَّ لَمَعَ لَهَا السَّرَابُ فِي نَاحِيَةِ الصَّفَا، فَهَبَّتْ إِلَى الْوَادِي تَطْلُبُ الْمَاءَ، فَلَمَّا غَابَ عَنْهَا إِسْمَاعِيلُ عَادَتْ حَتَّى بَلَغَتِ الصَّفَا فَتَنَظَّرَتْ، حَتَّى فَعَلَتْ ذَلِكَ سَبْعَ مَرَّاتٍ. فَلَمَّا كَانَ فِي الشَّوْطِ السَّابِعِ - وَهِيَ عَلَى الْمَرْوَةِ - نَظَرَتْ إِلَى إِسْمَاعِيلَ وَقَدْ ظَهَرَ الْمَاءُ مِنْ تَحْتِ رِجْلِهِ، فَعَادَتْ حَتَّى جَمَعَتْ حَوْلَهُ رَمْلًا، فَإِنَّهُ كَانَ سَائِلًا فَرَمَتْهُ بِمَا جَعَلَتْهُ حَوْلَهُ، فَلِذَلِكَ سُمِّيَتْ زَمْزَمٌ (1)؛ چون روز بالا آمد، اسماعیل تشنه شد و آب طلبید. هاجر در وادی محلّ سعی ایستاد و ندا داد: آیا در این وادی همدمی هست؟ اسماعیل از چشمش پنهان ماند. به بلندی صفا رفت، سراب وادی در نظرش درخشید، پنداشت که آب است، به وادی فرود آمد و دوید، چون به محلّ سعی رسید، اسماعیل از نظرش ناپدید شد، این بار، سراب در سوی صفا بر او جلوه کرد. باز هم در پی آب به وادی فرود آمد. چون باز هم اسماعیل از نظرش ناپدید شد، دوباره به صفا بازگشت و نگاه

ص: 58

کرد. این کار را هفت بار انجام داد. نوبت هفتم که او بر فراز مروه بود، به اسماعیل نگریست در حالی که از زیر پایش آب آشکار شده بود. بازگشت و ریگ ها را دور آن جمع کرد، چون آب در سیلان بود، با آن چه اطرافش قرار داد، آب را جمع کرد، از این رو به «زمزم» نامیده شد.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: مَاءُ زَمَزَمَ دَوَاءٌ لِمَا شُرِبَ لَهُ (1).

امام علی علیه السلام می فرماید: مَاءُ زَمَزَمَ خَيْرٌ مَاءٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ (2).

اعمال مسجد الحرام

1. ورود به مسجد الحرام با سلام بر پیامبر گرامی اسلام؛

2. استلام حجرالاسود در صورت امکان؛

3. استلام رکن یمانی؛

4. زیارت انبیاء؛

5. نوشیدن آب زمزم و خواندن دعای آن؛

6. پرداخت صدقه؛

7. نگاه به کعبه.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: التَّظَرُّ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ (3)؛

نگاه به کعبه عبادت است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: مَنْ نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ لَمْ يَزَلْ تُكْتَبُ لَهُ حَسَنَةٌ وَتُمحَى عَنْهُ سَيِّئَةٌ، حَتَّى يَنْصَرِفَ بِبَصَرِهِ

ص: 59

1- بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء ، ج 99، ص 244

2- همان

3- الدر المنثور في التفسير بالماثور، ج 1، ص 328

عَنها(1)؛ هر که دیده به خانه کعبه بدوزد؛ پیوسته ثوابی برای او نوشته می شود و گناهی از او پاک گردد تا این که نگاه خود را از کعبه بردارد.

اعمال ویژه مسجد الحرام

1. طواف؛
2. شرکت در نماز جماعت؛
3. خواندن نماز قضا با توجه به ارزش نماز در مسجد الحرام؛
4. تلاوت قرآن کریم؛
5. خواندن دعای عهد؛
6. خواندن مناجات حضرت امیر در مسجد کوفه؛
7. راز و نیاز با حضرت حق، در حجر اسماعیل؛
8. استغفار، توبه و انابه.

نکات مهم مسجد الحرام

1. توجه به شرف حضور؛
2. رعایت آداب مسجد الحرام؛
3. انجام اعمال مسجد الحرام؛
4. انجام یک دور به عنوان تهیت؛
5. نهایت ادب و احترام در استفاده از قرآن کریم؛
6. خلوت کردن مطاف برای انجام طواف واجب دیگران؛
7. رعایت محرم و نامحرم در انجام آداب و اعمال؛
8. سجده بر سنگ فرش های مسجد الحرام (بدون رعایت تقیه)؛

1- - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمة)، ج4، ص 47

9. اقامه نماز ظهر در شبستان مسجد بین رکن یمانی و حجر؛

10. اقامه نماز مغرب به سمت مقام ابراهیم؛

11. در صورت نیاز به روحانیون مستقر در رویروی حجر یا پشت مقام مراجعه شود.

از امور زیر در مسجد الحرام پرهیز شود

1. طواف موقع اذان و بعد آن؛

2. طواف بلافاصله بعد از نماز؛

3. استعمال حجر الاسود، توسط خانم ها؛

4. نماز خواندن یا ایستادن پشت مقام توسط خانم ها؛

5. خارج شدن از مسجد در آستانه اقامه نماز جماعت.

ص: 61

اشاره

آن چه حضرت ابراهیم علیه السلام به دستور خداوند تبارک و تعالی مبنی بر اسکان خانواده خود، در سرزمین بی آب و علف، برای اقامه دین انجام داد و آن چه حضرت هاجر، آن فرمان الهی را با همه سختی هایش و دشواری هایش، خالصانه گردن نهاد؛ هم نام شان را ماندگار کرد، هم رسم شان را ماندگار ساخت، هم دعای شان را مستجاب کرد، هم دل های مردم را به سوی آن ها مایل ساخت، هم عمل شان را برای بشریت الگو قرار داد، هم آن سرزمین را **الْبَلَدِ الْأَمِينِ** کرد، هم وادی **غَيْرِ ذِي زُرْعٍ** را به آیات **بَيِّنَاتٍ** و سرزمین مقدس تبدیل نمود: **فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا (1)**.

سرانجام راه و رسم ابراهیم و اسماعیل و هاجر به عنوان فدائیان توحید، ماندگار شد و برای بشریت الگو قرار گرفت تا حاجیان به پاس فداکاری خالصانه این خانواده، هر ساله در

ص: 63

کنگره عظیم حج، دور این بزرگواران بگردند و راه و رسم توحیدی آنان را فریاد زنند.

عزت به چیزهای مادی نیست

عزیزی و عزت به رنگ و جمال، مال و منال، پست و مقام نیست، سنگ های کعبه نه از یاقوت سرخ است و نه از زمرد سبز اما از اقصی نقاط دنیا باید بیایند و دور آن بگردند: أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ، اخْتَبَرَ الْأُولِينَ مِنْ لَدُنْ آدَمَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِلَى الْآخِرِينَ مِنْ هَذَا الْعَالَمِ، بِأَحْبَارٍ لَا تَصْدُرُّ وَلَا تَنْفَعُ، وَلَا تُبْصِرُ وَلَا تَسْمَعُ(1). آیا نمی بینید که خداوند، پیشینیان را از زمان حضرت آدم علیه السلام تا آخرین انسان های این عالم، بوسیله سنگ هایی آزمود که نه زیان می رساند، نه سود، نه می بیند و نه می شنود پس آن را خانه محترم خود قرار داده و آن را عامل پایداری قرار داد.

درک صحیح لا نضیع أجر الْمُحْسِنِينَ

سنت الهی بر این حقیقت تعلق گرفته است، که کسانی که با تقوا و با صبوری بر صراط توحید استوار باشند؛ هرگز پاداش آنان ضایع نخواهد شد. خداوند تبارک و تعالی از قول حضرت یوسف پیامبر می فرماید: قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيْعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ(2)؛ خدا بر ما منت نهاد و هر کس تقوا و صبر پیشه کند، خدا اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد.

ص: 64

1- - نهج البلاغة - ط دار الكتاب اللبناني، ج 1، ص 292

2- - یوسف، آیه ی 56

و در آیه ی دیگر می فرماید: وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ(1)؛

و آن ها که به کتاب خدا تمسک جویند، و نماز را برپا دارند، پاداش بزرگی خواهند داشت؛ زیرا ما پاداش مصلحان را ضایع نخواهیم کرد.

و در سوره کهف می فرماید: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا(2)؛ مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

ص: 65

1- - اعراف، آیه ی 170

2- - کهف، آیه ی 30

بخش دوم: محرمات احرام

اشاره

برای فاصله نيفتادن بين اعمال و مناسک عمره و حج تمتع؛ ابتدا محرمات احرام بيان می شود.

محرمات احرام چند نوع است:

اشاره

1. محرمات عمومي مشترک بين زن و مرد؛

2. محرمات خاص (محرمات اعضا) مشترک بين زن و مرد؛

3. محرمات اختصاصی آقایان؛

4. محرمات اختصاصی خانم ها.

اول: محرمات عمومي مشترک بين زن و مرد

1. نزدیکی یا هر گونه تمتع از قبیل بوسیدن یا نگاه کردن حتی به محرم (کفاره حسب مورد ذبح گوسفند، شتر و بطلان حج)؛

2. خود را جنب کردن (کفاره حسب مورد ذبح گوسفند، شتر و بطلان حج)؛

3. استفاده از هر ماده خوشبو در غذا برای خوردن، در بدن برای مالیدن، در لباس برای معطر کردن از قبیل: مشک، زعفران، کافور، عنبر، ورس، دارچین، زنجبیل و هل (کفاره: ذبح گوسفند)؛

4. عقد کردن یا در جلسه عقد حضور داشتن (حرمت دائمی می آورد)؛

5. خون بیرون آوردن و خون انداختن بدن؛

6. استعمال روغن و پماد چرب؛

ص: 66

7. حنا بستن (از حنا بستن به صورتی که اثر آن تا زمان احرام بماند بهتر است پرهیز شود)؛

8. ازاله موی سر یا بدن از خود یا دیگران (کفاره: ذبح گوسفند)؛

9. کشتن ملخ؛

10. کندن گیاهان حرم؛

11. کشتن جانوران بدن (شپش، کک و کنه)؛

12. شکار کردن یا نشان دادن شکار یا خوردن گوشت شکار؛

13. سلاح حمل کردن.

محرمات خاص یک عضو، مشترک بین زن و مرد

(به ترتیب اعضا از بالا به پایین)

1. رنگ کردن مو (از رنگ کردن مو به صورتی که اثر آن تا زمان احرام بماند پرهیز شود)؛

2. عینک زدن به قصد زینت؛

3. در آینه نگاه کردن. فیلم برداری اگر خود را در شیشه دوربین ببیند؛

4. سرمه کشیدن گرچه قصد زینت نداشته باشد؛

5. استشمام بوی خوش و بوئیدن هر ماده خوشبو مثل مشک، زعفران، کافور، عنبر، ورس، دارچین، زنجبیل و هل (کفاره: ذبح گوسفند)؛

6. خوداری از استشمام بوی بد؛

7. جدال قسم خوردن به راست سه بار و به دروغ یک بار (کفاره: ذبح گوسفند)؛

8. دروغ گفتن، فحش دادن، فخر فروختن و فسق داشتن (کفاره مستحب است)؛

9. مسواک زدن به خمیر دندان معطر؛

10. مسواک زدن یا خلال کردن بدون خمیر دندان به صورتی که لسه خون بیفتد؛

11. دندان کشیدن؛

12. انگشتر یا النگو جدید بدست کردن (آن چه از قبل بوده مانعی ندارد)؛

13. ناخن گرفتن، دست و پا (کفاره: ذبح گوسفند).

معمرات اختصاصی آقایان

1. زیر سایه قرار دان سر در طی مسیر و بین دو منزل بدون فرق بین شب و روز به فتوای بعضی از مراجع (کفاره: ذبح گوسفند)؛

2. پوشاندن سر حتی در حد خشک کردن سر با حوله (کفاره: ذبح گوسفند)؛

3. پوشیدن چیز دوخته (کفاره: ذبح گوسفند)؛

4. پوشاندن تمامی روی پا با جوراب یا کفش.

معمرات اختصاصی زنان

1. پوشاندن صورت کامل یا بخشی از آن مثل مقنعه چانه دار، حتی در حد خشک کردن صورت با حوله یا خارج کردن مقنعه از سر که یک لحظه صورت را بپوشاند (کفاره: ذبح گوسفند)؛

2. پوشیدن دستکش.

ص: 68

3. پوشیدن زیور آلات جدید (آن چه از قبل بوده مانعی ندارد)؛

4. نشان دادن زیور هائی که از قبل همراه داشته به دیگران حتی محرم خود.

مسائل اختصاصی خانم ها

1. لباس احرام آنها بدن نما نباشد؛

2. تهیه چند دست جوراب ضخیم؛

3. از چادر غفلت نکردن؛

4. توجه به محرمات اختصاصی؛

5. اذن نذر از شوهر (در صورتی که شوهر همراه نباشد)؛

6. مشورت با دکتر کاروان در مورد عادت زنانه؛

7. پرهیز از استرس و دلهره؛

8. خوداری از حنا یا رنگ مو، یک هفته قبل از حرکت.

ص: 69

اشاره

مناسک و اعمال بر دو قسم است: مناسک عمره و مناسک حج تمتع. مناسک عمره حج تمتع پنج عمل است و آن عبارت است از:

1. احرام

2. طواف

3. نماز طواف

4. سعی

5. تقصیر

مناسک حج تمتع سیزده عمل است که در فصل ششم به آن پرداخته می شود.

گفتنی است که مناسک عمره مفرده که در بین سال انجام می شود و جدای از مراسم حج است؛ هفت عمل است که در پنج عمل اول با عمره حج تمتع یکسان است و دو عمل اضافه دارد که پایان اعمال عمره حج تمتع به آن اشاره می شود.

ص: 71

اولین عمل عمره، احرام است، احرام دارای سه واجب است:

1. پوشیدن لباس احرام،

2. نیت احرام،

3. تلبیه و گفتن لبیک.

اولین واجب احرام: پوشیدن لباس احرام

اولین واجب احرام، پوشیدن لباس احرام است. لباس احرام شرایطی دارد.

شرایط عمومی

شرایط عمومی همان شرایط لباس نمازگذار است مانند: پاک بودن، مباح بودن و مأکول بودن (از پوست حرام گوشت نباشد).

شرایط اختصاصی مردان

شرایط اختصاصی لباس احرام: برای مردان: ابریشم و دوخته نباشد و حداقل دو قطعه از حوله یا پارچه باشد، یکی را به عنوان رداء بر دوش و دیگری را به عنوان لنگ بر کمر.

شرایط اختصاصی خانم ها

شرایط اختصاصی لباس احرام برای خانم ها: بدن نما و زینتی و ابریشم یک دست نباشد. خانم ها می توانند در لباس معمولی خود محرم شوند و بهتر است سفید باشد.

نوع نیت احرام

دومین واجب احرام، نیت است. در نیت احرام باید نوع عمره (مستحب، واجب، مافی الذمه و نیابتی) تعیین گردد و همه اعمال با همان نیت انجام شود و کسی نمی تواند در اثنای عمل آن را تغییر دهد. مثلاً اگر عمره حج به نیابت کسی انجام می دهد، نمی تواند در اثنای عمل آن را به عمره حج برای خودش تغییر دهد یا اگر عمره حج مستحبی است، نمی تواند در اثنای عمل آن را به عمره حج واجب تغییر دهد.

نیت احرام عمره

به نیت اخلاص و امثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی احرام می بندم، محرم می شوم برای عمره حج تمتع با قصد انجام اعمال و ترک محرمات احرام، قربة الی الله و خالصاً لله (به نوع عمره توجه شود که آیا عمره مفرده است یا عمره حج تمتع، و آیا برای خود است یا به نیابت دیگری انجام می شود)

به عنوان نمونه برای عمره حج تمتع نیابتی واجب باید این چنین نیت کند: برای امثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی احرام می بندم، محرم می شوم برای عمره حج تمتع به نیابت فلانی با قصد انجام اعمال و ترک محرمات احرام قربة الی الله و خالصاً لله.

نیت یک عمل قلبی است و لازم نیست به زبان گفته شود همان که محرم بدانند که چه کاری انجام می دهد کافی است.

سوم واجب احرام، گفتن تلبیه است. معنی تلبیه اجابت ندای الهی است. ابان نقل می کند که شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد چرا به لَبَّيْكَ گویی، تلبیه می گویند؟ حضرت فرمود: إجابةً، أجابَ موسى عليه السلام رَبَّهُ(1)؛ این اجابت است، موسی علیه السلام پروردگارش را چنین جواب داد.

در ثواب تلبیه پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: مَنْ لَبَّى فِي إِحْرَامِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا، أَشْهَدَ اللهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ بِبِرَاءَةٍ مِنَ النَّارِ وَبِرَاءَةٍ مِنَ التَّفَاقُحِ(2)؛

کسی که در احرامش، از روی ایمان و امید به پاداش الهی، هفتاد بار لَبَّيْكَ بگوید، خداوند، هزار هزار فرشته را شاهد می گیرد که او را از دوزخ و نفاق، رهایی داده است.

لفظ تلبیه

لَبَّيْكَ اللهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ(3)؛ اجابت می کنم دعوت تو را، خدایا اجابت می کنم دعوت تو را، ستایش و نعمت و ملک از آن توست، شریکی نیست تو را، اجابت می کنم دعوت تو را.

ص: 74

1- وسائل الشیعة - ط الإسلامیة، ج 9، ص 48

2- مرآة العقول، ج 17، ص 268

3- مناسك الحج، ج 1، ص 199

مستحبات احرام

1. کوتاه کردن ناخن، شارب و ازاله موهای زائد؛
2. غسل کردن؛
3. وضو داشتن؛
4. پرداخت صدقه؛
5. انجام احرام بعد از نماز ظهر و عصر و یا بعد از خواندن دو نماز قضای ظهر و عصر؛
6. خواندن شش رکعت نماز احرام؛
7. توجه به معانی و اسرار لبیک و آمادگی برای شنیدن ندای تقدم از سوی خداوند تبارک و تعالی (در لبیک دل باید همراه باشد تا ندای تقدم بشنویم).

حقیقت احرام

محرم در حقیقت

با کندن لباس دوخته، از جامه گناه و نافرمانی بیرون می آید و امتیازات ظاهری که زمینه هر گونه برتری طلبی و فزون خواهی و فخر فروشی است را رها می کند.

با غسل، از گناه، نافرمانی و ناپاکی ها، خود را تطهیر می کند.

با پوشیدن لباس احرام، لباس طاعت و عبادت و بندگی در بر می کند.

با پوشیدن لباس احرام به یاد آخرت و روز محشر می افتد.

با کمک و استعانت از نماز، به خدا نزدیک می شود.

با لبیک، از هر چه غیر او است می برد و به عروه الوثقی الهی متصل می شود و به دعوت و بندگی و اطاعت حضرت حق پاسخ می دهد. به خوبی ها، ارزش ها، پاسخ مثبت می دهد. بر

ایمان، اعتقادش مهر تایید می زند و با خداوند تجدید عهد می کند که آنچه او بخواهد انجام دهد و آنچه او نخواهد رها کند.

دعا هنگام تلبیه: **اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ اَنْ تَجْعَلَنِیْ مِمَّنْ اَسَّ تَجَابَ لَکَ، وَ اَمَّنَ بِوَعْدِکَ، وَ اتَّبَعَ اَمْرَکَ، فَ اِنِّیْ عَبْدُکَ وَ فِی قَبْضَتِکَ، لَا اُوقِیْ اِلَّا مَا وَفَّیْتَ، وَلَا اَخْذُ اِلَّا مَا اَعْطَيْتَ (1).**

خدایا ما را بدار به راهی که رضای تو در آن است و باز دار از راهی که غضب تو در آن است. باید توجه داشت که شیطان در تمامی مراحل بیشترین تلاش ها را برای گمراهی بکار می بندد.

فلسفه احرام

احرام بخاطر حرمت حرم است امام صادق علیه السلام در حکمت احرام می فرماید: **وَجَبَ الْاِحْرَامُ لِعِلَّةِ الْحَرَمِ**. و در روایت دیگری می فرماید: **حَرَّمَ اللّٰهُ الْمَسْجِدَ لِعِلَّةِ الْکَعْبَةِ، وَ حَرَّمَ الْحَرَمَ لِعِلَّةِ الْمَسْجِدِ، وَ وَجَبَ الْاِحْرَامُ لِعِلَّةِ الْحَرَمِ (2)**؛ خداوند تبارک و تعالی به حرمت کعبه برای مسجد الحرام حرمت قرار داد و به حرمت مسجد الحرام برای حرم، حرمت قرار داد و به حرمت حرم، احرام را واجب فرمود.

خشوع احرام

سُفْیَانُ بْنُ عُیَیْنَةَ می گوید: همراه امام سجّاد علیه السلام به حج رفتیم. چون احرام بست و بر مرکب خویش قرار گرفت، رنگش زرد شد و به لرزه افتاد و نتوانست لبیک بگوید. کسی

ص: 76

1- - المحجة البيضاء، ج 2، ص 166

2- - بحار الأنوار - ط مؤسسة الوفاء، ج 99، ص 43

گفت: لَبَّيْكَ نَمِي كُوبِي؟ اَن حَضْرَت فرمود: اَخْشِي اَن يَقُوْلَ لِي: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيْكَ؛ مِي ترسم خداوند در پاسخ من بگويد: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيْكَ! و چون لَبَّيْكَ گفت، بيهوش شد و از مركبش افتاد. اين حالت همچنان به او دست مِي داد، تا اَن كه حجش را به پايان برد.

مَالِك بن اَنَس مِي گويد: همراه امام صادق عليه السلام به حج رفتم. هنگام احرام، چون بر مركبش قرار گرفت، هرچه مِي خواست لَبَّيْكَ بگويد، صدايش در گلو مِي شكست و نزديك بود كه از مركبش بيفتد. عرض كردم: اِي پسر پيامبر! بگو، ناچار بايد لَبَّيْكَ بگويي، فرمود: يابن اَبِي عامِرٍ، كَيْفَ اَجْسُرُ اَن اَقُوْلَ: لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ وَاخْشِي اَن يَقُوْلَ تَعَالَى لِي: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيْكَ (1)؛ اِي پسر ابو عامر! چگونه جرأت كنم و بگويم لَبَّيْكَ اللّٰهُمَّ لَبَّيْكَ؟، در حالي كه بيم دارم خدای متعال به من بگويد: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدِيْكَ!

نكات مهم

نكات مهم كه لازم است در جلسات مدينه بر اَن مجدد تأكيد شود:

تصحیح حمد، سوره و اذكار نماز

فراگیری واجبات نماز

تصحیح غسل و وضو

محاسبه خمس

تعیین مرجع

ص: 77

تعیین وظیفه مقلدینی که مرجع آنان فوت کرده در بقا، یا عدول

مقلدین آیت الله سیستانی به شرط اعلمیت باقی بمانند. مقلدین آیت الله مکارم و صافی اگر سفر اول آن هاست از خود ایشان تقلید کنند. مقلدین آیت الله گلپایگانی و سبحانی از خانم ها به دیگران مراجعه کنند. مقلدین آیت الله بهجت در مورد مسجد قدیم به دیگران رجوع کنند. مقلدین آیت الله خوئی، منتظری و زنجانی از آقایان باید كفاره ماشین مسقف بدهند.

تذکرات لازم

1. آموزش روش بستن احرام؛
2. استفاده آقایان از مایو غیر دوخته؛
3. کودکان فقط لباس احرام بپوشند و محرم نشوند.
4. بچه های ممیز محرم شوند و با اشراف پدر و مادر اعمال را انجام دهند؛
5. در مسجد شجره، خانم ها با کمک راهنما محرم شوند؛
6. خانم ها جوراب ضخیم و اضافه همراه داشته باشند؛
7. خانم های معذور با نذر در مدینه محرم شوند. صیغه نذر: لله علیّ ان أحرم من المدينة المنوره للعمره قربة الى الله (نوع عمره مشخص شود)؛
8. توجه شود برای خانم ها چهار چیز مستحب نیست، از آن پرهیز کنند: امام صادق علیه السلام می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَضَعَ عَنِ النَّسَاءِ أَرْبَعًا: الإِجْهَارَ بِالتَّلْبِيَةِ، وَالسَّعْيَ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ يَعْنِي الْهَرَوَلَةَ وَدُخُولَ الْكَعْبَةِ، وَاسْتِئْلَامَ**

الحَجَرِ الْأَسْوَدِ(1)؛ همانا خداوند عزوجلّ چهار چیز را در حج از زنان برداشته است: 1- بلند لَبَّیک گفتن، 2- هروله در سعی صفا و مروه، 3- ورود به کعبه، 4- لمس حجر الاسود؛

9. مناسک عمره و حج در عین این که راحت و آسان است اما هزاران مسئله و حکم دارد و اگر در فراگیری و انجام بی توجهی و بی دقتی شود در دسر ساز است، پس در فراگیری مناسک و انجام بسیار دقت شود؛

10. با کمک به توان خواهان زمینه انجام مقبول اعمال خود و دیگران را فراهم نماییم؛

11. برای این که زائر نسبت به انجام اعمال دلهره نداشته باشد و پس از آن نسبت به نیت شک نکند و از سؤال های بی جا پرهیز نماید؛ نیت های اعمال عمره چاپ شود و در اختیار زائر قرار گیرد. متن نیت های عمره برای چاپ در ملحقات آمده است.

توصیه های مسجد شجره (میقات)

1. خواندن دو رکعت نماز تهیت؛

2. خواندن دو نماز قضای ظهر و عصر؛

3. خواندن شش رکعت نماز احرام؛

4. تذکر داده شود کسی شورت و جوراب نپوشیده باشد؛

5. سوال شود که آیا همه غسل کرده اند؟

6. سوال شود که آیا همه وضو دارند؟

7. توجه دادن به اسرار احرام؛

ص: 79

8. توجه دادن به ترک محرمات احرام؛

9. توجه دادن به مستحبات احرام؛

10. توجه دادن به نوع عمره و نیت آن؛ (واجب یا مافی الذمه یا مستحب و برای خود یا نیابتی)؛

11. تذکر بر تلفظ تلبیه نه شنیدن آن؛

12. تکان دادن لباس احرام هنگام تلبیه؛

13. دقت در ادای صحیح تلبیه؛

14. برای حفظ حواس دیگران آرام و آهسته تلبیه گفتن؛

15. تکرار تلبیه در کنار محراب مسجد شجره؛

16. تلقین لبیک به معمرین از زن و مرد؛

17. تکرار تلبیه برای خانم ها بیرون، موازی محراب مسجد؛

18. تأکید بر ناخن نزدن در اعمال خود یا دیگران؛

19. کنترل احرام همه داخل اتوبوس قبل از حرکت؛

20. در اتوبوس به محرمات احرام توجه شود.

آقایان بیرون از مسجد و در طول مسیر، تلبیه را بلند بگویند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: أُنَانِي جَبْرَيْلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَأْمُرُكَ أَنْ تَأْمُرَ أَصْحَابَكَ أَنْ يَرْفَعُوا أَصْوَاتَهُمْ بِالتَّلْبِيَةِ، فَإِنَّهَا شِعَارُ الْحَجِّ (1)؛ جبرئیل نزد من آمد و گفت: خداوند متعال به تو دستور می دهد که به یارانت فرمان دهی صداهایشان را به لبیک گفتن بلند سازند، چرا که آن، شعار حج است.

ص: 80

تکرار تلبیه تا قبل از ورود به مکه. امام صادق علیه السلام می فرماید: الْمُتَمَتِّعُ إِذَا نَظَرَ إِلَى بُيُوتِ مَكَّةَ قَطَعَ التَّلْبِيَةَ (1)؛ آن که حج تمتع می گزارد، هرگاه چشمش به خانه های مکه افتاد، لبیک گویی را قطع کند.

تذکرات مکه قبل از اعمال

1. هنگام ورود به منزل مکه به محرمات احرام توجه شود؛
2. در مکه قبل از انجام عمره مفرده عروس و دامادها در اطاق های مجزا قرار گیرند؛
3. اگر اعمال عمره در روز انجام می شود کسانی که منزل آنان دور دست است، از سوار شدن به خودروهای سقف دار پرهیز نمایند.

ص: 81

دومین عمل عمره حج تمتع: طواف

اشاره

دومین عمل عمره، طواف است، واجبات طواف دو قسم است: قسم اول: واجباتی که شرط طواف است و قسم دوم: واجباتی که داخل در حقیقت طواف است.

قسم اول:

واجباتی که شرط طواف است و آن پنج امر است:

1. نیت: طواف به قصد خالص برای خدا؛
2. طهارت از حدث: طهارت از حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و طهارت از حدث اصغر یعنی با وضو بودن؛
3. طهارت از نجاست: پاک بودن بدن و احرام از نجاست؛
4. سنت: ختنه بودن مردان؛
5. ستر عورت و رعایت شرائط ساتر.

قسم دوم:

هفت چیزی که داخل در حقیقت طواف است:

1. شروع طواف از حجرالاسود و ختم هر دور به حجرالاسود؛
2. قرار گرفتن کعبه در طرف چپ طواف کننده؛
3. داخل کردن حجر اسماعیل در طواف؛
4. بودن طواف بین کعبه و مقام ابراهیم؛
- (بعضی از مراجع خارج از آن را با شرائطی مجاز دانسته اند)
5. داخل طواف بودن کعبه و ملحقات آن؛
6. با اختیار در طول طواف حرکت کردن؛
7. طواف هفت شوط کامل باشد نه یک قدم کمتر نه یک قدم بیشتر.

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت دور طواف کعبه می‌کنم، برای عمره حج تمتع، قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع عمره توجه شود)

تذکرات طواف

1. قبل از شروع طواف به طواف کنندگان رکن حجرالاسود را نشان دهید و از همان جا نیت کنند که می‌خواهیم از حجرالاسود طواف را آغاز کنیم تا اگر بعد از شروع اشتباه در تطبیق داشتند؛ خللی به نیت ایشان وارد نشود؛
2. شک در عدد طواف بیش از صد مسئله دارد که اگر به عدد مراجع ضرب شود بیش از هزاران مسئله خواهد شد. زائران تلاش کنند که عدد دورهای طواف را به خاطر بسپارند تا شک و ظن نسبت به اشواط طواف پیدا نکنند که باعث بطلان طواف شود و بهتر است برای جلوگیری از شک در عدد شوط‌ها، از همراهان خود جدا نشوند و دعای اشواط را چند نفر با هم بخوانند؛
3. در عدد دورها وسواس به خرج ندهید و اگر در عدد دورها شک کردیم نظر اکثریت را قبول کنید؛
4. کسی نمی‌تواند احرام خود را بی دلیل رها کند و از سر بگیرد.
5. هنگام طواف، شانه نباید برگردد، اما سر اشکال ندارد؛
6. نباید زیاد بدن و لباس را واریسی کرد اما اگر یقینی کردید احرام نجس شده است باید سریع تطهیر کرده و طواف را ادامه دهید؛

7. در طواف پوشش روی پا برای خانم ها لازم است پس برای احتیاط جوراب ضخیم و اضافه بردارید؛

8. اگر خانمی در بین طواف یقین کردید جورابش پاره شده باید کناری بایستید و سریع جوراب سالم بپوشید و از همان جا که قطع کرده اید طواف را شروع کنید؛

9. کسی با اختیار وضوی خود را باطل نکند و اگر قبل از دور چهارم وضو باطل شود باید وضو بگیرد و طواف را از سر بگیرد و اگر بعد از دور چهارم باشد باید سریع وضو بگیرد و از همان جا که قطع شده است، طواف را ادامه دهد و اگر در دور چهارم تا قبل از وسط و یا بعد از وسط وضو باطل شود چند صورت پیدا می کند و هر کدام دارای حکمی است که باید به روحانی کاروان مراجعه شود؛

10. اگر دیدید بدن کسی خون افتاده یا احرام کسی نجس شده یا چادر کسی کنار رفته نیاز نیست به او اطلاع دهید؛

11. از سنجاق در احرام استفاده نکنید مشکل ساز است؛

12. احرام یا چادر جلویی را نگیرید که کشیده شود؛

13. کسانی که با ویلچر طواف داده می شوند مواظب باشند خوابشان نبرد.

از آن جایی که دور کعبه همیشه ازدحام است قبل از شروع طواف وارد مطاف شده به این نیت که هر وقت به حجر الاسود رسیدم طوافم شروع می شود و در پایان دور هفتم طوافم به حجر الاسود تمام می شود اما برای این که طواف دیگران خراب نشود مقداری ادامه می دهم و آرام آرام از مطاف

خارج می شوم، بدون آن که قصد اضافه کردن به طواف داشته باشم.

کمال طواف

همچنان که فرشتگان در طواف عرش خداوند، فرشته خونی نیز باید جلوه و نمود عرش خدا را طواف کند و کعبه جلوه و نمود عرش خداست، پس طواف کعبه می کنیم تا فرشته خوشویم. حال اگر برای حاجی شدن طواف کنیم، طواف سنگ و گِل کرده ایم و اگر برای بهشت طواف کنیم خوفنا من النار و شوقا الی الجنة، طواف عالم مثال کرده ایم و اگر به پاس نعمت هایش طواف کنیم طواف عالم عقل کرده ایم و اگر فقط برای او طواف کنیم، به عالم اله راه یافته ایم و به عرش خدا رسیده ایم. باید دید چه لیاقتی کسب کرده ایم و چه طوافی می کنیم! طواف سنگ یا طواف کعبه یا طواف بیت المأمور یا طواف عرش و اسماء الهی؟

به یقین از ما طواف سنگ نخواسته اند، این ظاهر کار است. طواف روح و باطن کعبه مراد است. هر حاجی به فراخور لیاقتی که کسب کرده هنگام طواف یا به دور کعبه و ارکان چهارگانه آن می گردد و یا در حقیقت به موازات کعبه، با فرشتگان در آسمان چهارم در بیت المأمور طواف می کند و اگر لایق واقعی شده باشد در عرش، به طواف چهار رکن عرش و اسماء الله می پردازد. و این محقق نمی شود مگر آن که از قیود آزاد شد تا از طواف سنگ گذر کرده و به طواف روح و جان کعبه برسد.

ای سرو، پای بسته به آزادگی مناز

آزاده من، که از همه عالم بریده ام

باید از خود گذشت تا از قیود آزاد شد:

یک قدم بر خویشتن نه *** وان دگر در کوی دوست

هرچه بندت کرد سجن است ای پسر *** خواه زندان باشد و خواه سیم زر

بنده او باشد که بند خویش نیست *** جز رضای خواجه اش در پیش نیست

کعبه زادگاه مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی علیه السلام است و طواف کعبه در حقیقت طواف علی است ما در طواف، دور امامت و ولایت می گردیم. بر همین اساس فرمودند نماز را پشت مقام اقامه کنید و بر همین اساس فرمودند وقتی به نماز می ایستید، تصور کنید علی بر بام کعبه ایستاده و نماز شما را نظاره می کند.

ص: 86

اشاره

نماز طواف سومین عمل عمره است و واجبات آن عبارت است از:

1. بعد از طواف اقامه شود؛
2. بدون فاصله اقامه شود؛
3. پشت مقام ابراهیم اقامه شود؛
4. خود شخص اقامه کند؛
5. دو رکعت باشد مانند نماز صبح؛
6. با قصد خالص برای خدا اقامه شود؛
7. تمام شرایط صحت نماز را دارا باشد مانند: با وضو باشد و قرائت او صحیح باشد، بدن و لباس طاهر باشد، لباس مباح و مأكول باشد و از حریر نباشد.

نیت نماز طواف عمره حج تمتع

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف عمره حج تمتع بجا می آورم قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع عمره توجه شود)

تذکرات نماز طواف

بین طواف و نماز طواف نباید فاصله بیفتد.

کسانی که با ویلچر در طبقه دوم و پشت بام طواف می کنند؛ نماز طواف را باید پشت مقام بخوانند و اگر امکان نداشت در همان طبقه ای که هستند خود نماز را بخوانند و یک نفر را در پشت مقام نیابت بدهند که تا طواف تمام شد و اطلاع داده شد، به نیابت وی نماز بخوانند.

کسانی که روی صندلی یا ویلچر نماز می خوانند؛ باید هنگام سجده دست آنان در روی میز یا تخته ای و نوک انگشت پا آنان مانند سجده روی زمین قرار گیرد.

سِر نماز پشت مقام

اول: سنگی که به پای ولی الله متبرک شده، مقام پیدا کرده و واسطه در نماز قرار می گیرد و پس اگر انسانی ولایی شود باید بداند که چه عظمتی پیدا می کند.

دوم: وجوب اقامه نماز پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام، این حقیقت را روشن می کند که نماز بی ولایت نماز نیست، حتی اگر در مسجد الاحرام باشد.

سوم: برای قرب الی الله باید ولی الله را واسطه قرار داد: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ**؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید! و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید.

اشاره

چهارمین عمل عمره، سعی است. و واجبات آن عبارت است از:

1. سعی باید با قصد خالص برای خدا انجام شود؛
2. بعد از نماز طواف آورده شود؛
3. سعی در روزی که طواف و نماز طواف خوانده انجام شود؛
4. هفت دور باشد نه کم و نه اضافه حتی یک قدم؛
5. از صفا شروع و به مروه ختم شود؛
6. در مسیر سعی به صورت متعارف حرکت نماید؛
7. در مسیر به مروه رو به مروه و در بازگشت رو به صفا باشد.

نیت سعی عمره حج تمتع

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت مرتبه بین صفا و مروه برای عمره حج تمتع، سعی می نمایم قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع عمره توجه شود)

تذکرات سعی

کسانی که با ویلچر سعی می کنند مواظب باشند خوابشان نبرد.

پازدن به قطعه نمایان کوه در صفا و مروه لازم نیست.

فاصله چند ساعته بین نماز طواف و سعی اشکال ندارد اما نباید بین آن ها یک روز فاصله بیفتد.

انجام وظیفه و رسیدن به فلاح و رستگاری و نائل شدن به قرب الهی به بهانه نست، به سعی و تلاش و جدیت است و از آن جایی که حضرت ابراهیم خانواده خود را به دستور خداوند تبارک و تعالی برای اقامه نماز در سرزمین بی آب و علف اسکان داد: رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ (1)؛ پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی، در کنار خانه ای که حرم توست، ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند؛ تو دل های گروهی از مردم را متوجه آن ها ساز؛ و از ثمرات به آن ها روزی ده؛ شاید آنان شکر تو را به جای آورند. و حضرت هاجر این فرمان را پذیرفت؛ تلاشش برای همه حجاج الگوشد تا نام و یاد آن بانویی که فدایی توحید شد به یادگار بماند.

ص: 90

اشاره

پنجمین عمل عمره، تقصیر است و آن چیده مقداری مو و تعدادی ناخن است و واجبات آن عبارت است از:

1. با قصد خالص برای خدا انجام شود؛
2. بعد از سعی انجام شود؛
3. در مکان مروه انجام شود؛
4. مقداری مو چیده و تعدادی ناخن گرفته شود.

نیت تقصیر

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی و به قصد حلال شدن از چیزهایی که در عمره حج تمتع، برایم حرام شده بود، مقداری از موی سر را چیده و مقداری از ناخن را می گیرم، قربة الی الله و خالصاً لله. (به نوع عمره توجه شود)

تذکرات تقصیر

1. اگر کسی بخواهد تقصیر دیگری را انجام دهد خود او باید تقصیر کرده باشد؛
2. خانم ها در چیدن موی مواظب حجاب خود باشند؛
3. با انجام تقصیر عمره حج تمتع؛ همه محرّمات حلال می شود به غیر از محرّماتی که ذاتاً حرام است و محرّمات مکه (که در بخش حرم گفته شده است)
4. در عمره مفرده با انجام تقصیر همه محرّمات حلال می شود به غیر از ارتباط زناشوئی، محرّمات مکه و محرّماتی که ذاتاً حرام است و پس از انجام طواف نساء و نماز طواف نساء، ارتباط زناشوئی حلال می شود اما محرّمات مکه و محرّماتی که ذاتاً حرام است، به حرمت خود باقی می ماند.

ششمین عمل عمره مفرده: طواف نساء

اشاره

ششمین عمل عمره مفرده، طواف نساء است. طواف نساء با طواف عمره فرقی ندارد فقط نیت آن فرق می کند. طواف نساء حکایت از ارزش و نقش ارزشمند زن در حیات دنیوی و اخروی بشریت و هستی دارد.

نیت نماز طواف نساء عمره مفرده

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف نساء عمره مفرده بجا می آورم قربةً الى الله و خالصاً لله. (به نوع عمره توجه شود)

هفتمین عمل عمره مفرده: نماز طواف نساء

اشاره

هفتمین عمل عمره مفرده، نماز طواف نساء است. نماز طواف نساء با نماز طواف عمره فرقی ندارد فقط نیت آن فرق می کند.

نیت نماز طواف عمره مفرده

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف عمره مفرده بجا می آورم قربةً الى الله و خالصاً لله. (به نوع عمره توجه شود)

اقدامات لازم و ضروری پس از اعمال

1. کمک به توان خواهان معمرین و کسانی که باید با ویلچر اعمال انجام دهند نشان قبولی اعمال است؛
2. کسانی که در پی کسب ثواب هستند بدانند بهترین ثواب، انفاق "مما تحبون" است و خالی کردن مطاف برای کسانی که اعمال واجب را هنوز انجام نداده اند، بهترین انفاق است؛
3. کنترل کامل اعمال حاجیان بیت الله الحرام؛
4. بررسی وضعیت معذورین برای اعمال حج و تقدیم طواف

نکته

لباس و حوله هایی که برای خشک شدن بر روی بندهای پشت بام هتل ها گذاشته می شود در اکثر مواقع با حوله دیگری جا به جا می شود، پس با علامت آن ها را مشخص نمایید.

مسائل مبتلا به، بین عمره و حج تمتع

بین عمره و حج زائر نباید از مکه خارج شود و اگر خدمه کاروان برای انجام امور خارج شد، سه صورت متصور است:

اول: خدمه عمره مفرده انجام داده و در همان ماهی که عمره مفرده انجام داده می خواهد خارج شود، در این صورت خروج او مانعی ندارد.

دوم: در ماه ذی قعدة عمره مفرده انجام داده و در ماه ذی حجه می خواهد خارج شود که در این صورت باید دوباره محرم شود و عمره مفرده دیگری انجام دهد.

سوم: عمره حج تمتع انجام داده و در ماه ذی حجه می خواهد خارج شود در این صورت فتاوی مختلف است. مقام معظم رهبری و آیات عظام فاضل، سیستانی، زنجانی، سبحانی و وحید می گویند عمره باطل است و باید مجدد از یکی از مواقیت پنچگانه برای عمره حج محرم شود.

محرمات بین عمره و حج تمتع

1. ترک محرمات حرم و مکه (در بخش حرم بیان شد)

2. تراشیدن سر

3. خروج از مکه

4. انجام عمره مفرده

ص: 94

اشاره

در فصل قبل اشاره شد که مناسک بر دو قسم است مناسک عمره حج تمتع و مناسک حج تمتع. مناسک عمره حج تمتع در فصل پنجم بیان شد و در این فصل به مناسک حج تمتع پرداخته می شود.

حج تمتع دارای سیزده عمل است و عبارت است از:

اشاره

1. احرام
2. وقوف به عرفات
3. بیتوته در مشعر الحرام
4. رمی جمره عقبه
5. قربانی
6. تراشیدن سر
7. بیتوته در منا
8. رمی جمرات سه گانه
9. طواف حج
10. نماز طواف حج
11. سعی بین صفا و مروه
12. طواف نساء
13. نماز طواف نساء

شیخ بهایی برای اینکه اعمال عمره و حج و ترتیب آنها در اذهان باقی بماند؛ آنها را با رمز حرف اول آنها در یک شعر جمع کرده است و آن عبارت است از:

(أَطْرَسْتَ) لِلْعُمْرَةِ اجْعَلْ نَهْجَ * (أَوْوُ أَزْنَحَطُ رَسَ طَرْمَرُ) لِحِجِّ

بخش اول: اعمال قبل از منی

اولین عمل حج تمتع: احرام

اشاره

اولین عمل حج تمتع، احرام است. احرام حج تمتع با احرام عمره هیچ فرقی ندارد مگر در نیت و در مکان که باید در شهر مکه باشد. بنابراین این آن چه در احرام عمره واجب بود در احرام حج تمتع نیز واجب است از جمله: واجبات احرام از پوشیدن لباس احرام تا تلبیه و از مستحبات احرام تا مکروهات احرام و از خشوع در احرام تا نکات مهم در احرام و توصیه های لازم و ضروری که همه شامل احرام حج تمتع هم می شود که به بعضی از آن در اجرای احرام اشاره می شود.

نیت احرام حج تمتع

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی احرام می بندم، محرم می شوم برای حج تمتع با قصد انجام اعمال و ترک محرمات احرام قربة الی الله و خالصاً لله (به نوع حج تمتع توجه شود که آیا حج تمتع واجب است یا مافی الذمه است یا مستحبی و آیا برای خود است یا به نیابت دیگری انجام می شود)

نیت حج تمتع نیابتی واجب: برای امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی احرام می بندم، محرم می شوم برای حج تمتع به نیابت فلانی با قصد انجام اعمال و ترک محرمات احرام قربة الی الله و خالصاً لله.

اجرای احرام حج

1. خواندن نماز جماعت ظهر قبل از احرام
2. تأکید به آقایان بر نپوشیدن شورت و جوراب
3. سوال شود که آیا همه غسل کرده اند؟
4. سوال شود که آیا همه وضو دارند؟
5. توجه دادن به مستحبات احرام
6. توجه دادن به اسرار احرام
7. توجه دادن به ترک محرمات احرام
8. توجه دادن به نوع حج تا پایان اعمال
9. تکان دادن لباس احرام هنگام تلبیه
10. تلفظ صحیح تلبیه
11. تلقین لبیک به معمرین از زن و مرد
12. تأکید بر ناخن نزدن در اعمال خود یا دیگران
13. کنترل احرام همه قبل از حرکت
14. توصیه برای پرداخت صدقه
15. پرهیز از استفاده از ماسک، دستکش و چتر
16. خوداری از همراه آوردن ملحفه، پتو و بالشت از هتل

17. همه کسانی که می گویند در مکه قدیم باید محرم شد احتیاط واجب دارند پس می توان آنان را به مقام معظم رهبری و یا آیت الله مکارم ارجاع داد.

18. با توجه به محدودیت مکان و امکانات، اگر توانستیم بهترین ها را برای دیگران بخواهید نه برای خود (صندلی، مکان و خوراکی) و اگر توانستیم در انجام صحیح، دقیق اعمال به یکدیگر کمک کنیم؛ بدانیم که در انجام با معرفت اعمال موفق خواهیم شد. ان شاءالله.

دومین عمل حج تمتع: وقوف به عرفات

اشاره

دومین عمل حج تمتع، وقوف به عرفات است. حاجی برای حج تمتع باید در روز عرفه نهم ذی حجه به نیت اخلاص و امتثال امر الهی از ظهر شرعی تا غروب شرعی و وقت نماز مغرب، در سرزمین عرفات بماند.

نیت وقوف به عرفات

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، از زوال ظهر تا غروب شرعی و در سرزمین عرفات برای حج تمتع می مانم، قربهً الى الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

آداب و اعمال وقوف به عرفات

1. با وضو بودن: امام صادق علیه السلام: لا یصلحُ الوقوفُ بعرفةَ علی غیرِ طهارةٍ (1)؛ وقوف در عرفات، بدون وضو شایسته نیست؛

ص: 99

2. از اسباب تفرق حواس از خداوند دوری کردن؛
3. توجه قلبی به حضرت حق جل و علا؛
4. تضرع زیاد به درگاه حضرت حق؛
5. یادآوری نعمت ها و تفضل های الهی؛
6. حمد الهی و تهلیل و تمحید حضرت حق؛
7. خدا را به اسماء الله خواندن، مثل آخر سوره حشر؛
8. به آیاتی که در آن ذکر حمد آمده خدا را حمد کردن؛
9. به آیاتی که در آن ذکر تسبیح آمده خدا را تسبیح کردن؛
10. به آیاتی که در آن ذکر تکبیر آمده تکبیر گفتن؛
11. به آیاتی که در آن ذکر تهلیل آمده تهلیل کردن؛
12. دعاهای مأثور آن روز را خواندن مانند دعای عرفه؛
13. بسیار بگوید اللَّهُمَّ اغْنِنِي مِنَ النَّارِ؛
14. زیاد صدقه دادن؛
15. از رفتن روی جبل الرحمة خوداری کردن؛
16. از دعا در حق دیگران غافل نشدن. حضرت امام کاظم علیه السلام: إِنَّ مَنْ دَعَا لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ نُودِيَ مِنَ الْعَرْشِ وَ لَكَ مِائَةٌ أَلْفٍ ضِعْفٍ (1)؛ هر کس برادر دینی خود را غیاباً دعا کند از عرش (خدای باعظمت) به او ندا می رسد: صد هزار برابر (آن چه برای برادر خود خواستی) به تو عطا گردید؛
17. در توبه و انابه به درگاه خداوند کوشیدن: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرماید: مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ أَنْ يَعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ (2)؛ خداوند در

ص: 100

1- معجم الأحاديث المعتمدة، ج6، ص387

2- حج و عمره در قرآن و حدیث، ج1، ص388

1. هیچ روزی به اندازه روز عرفه، بندگان را از آتش دوزخ نمی رهااند.

در روایت دیگر می فرماید: مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَا يُغْفَرُ إِلَّا بِعَرَفَاتٍ (1)؛ برخی گناهان است که جز در عرفات بخشیده نخواهد شد.

از پیامبر گرامی اسلام سؤال شد بزرگترین جرم حاجی در عرفات چیست؟ حضرت فرمود: الَّذِي يَنْصَرِفُ مِنْ عَرَفَاتٍ وَهُوَ يَظُنُّ أَنَّهُ لَمْ يُغْفَرَ لَهُ (2)؛ از بزرگ ترین گناهان این است که زائر از عرفات بیاید و گمان کند که آمرزیده نشده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَابِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ (3)؛

اگر ماه مبارک رمضان بر کسی گذشت و او آمرزیده نشد، تا ماه مبارک آینده به آمرزش او امیدی نیست مگر آنکه عرفه را با شرایط آن ادراک کند. در حقیقت خداوند تبارک و تعالی در عرفات به زائرش و مهمانش، چک سفید می دهد اما چه مقدار استفاده می شود، بستگی به لیاقت حاجی دارد.

در حرکت از عرفات آرامش کامل داشتن. پیامبر گرامی اسلام در کوچ از عرفات فرمود: أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ، فَإِنَّ الْبِرَّ لَيْسَ بِالْإِضَاعِ (4)؛

ای مردم! آرامش داشته باشید، نیکی در تند تاختن نیست.

ص: 101

1- - هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، ج 5، ص 362

2- - مستدرک الوسائل، ج 10، ص 30

3- - منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، ج 9، ص 457

4- - حج و عمره در قرآن و حدیث، ج 1، ص 338

عرفات منطقه ای خارج از محدوده حرم است و جبل الرحمة در آن واقع است. خداوند تبارک و تعالی در روز عرفه به ملائکه مباحث می کند. حضرت امام حسین علیه السلام دعای مشهور عرفه را در این سرزمین انشا فرمودند. و حضرت مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در این سرزمین حضور دارند.

نقل است حضرت آدم و حوا بعد از حبوط یکدیگر را در این سرزمین پیدا کردند. و حضرت ابراهیم در این سرزمین آموزش مناسک حج را از خداوند تبارک و تعالی درخواست کرد: **أَرِنَا مَنَاسِكَكَ (1)** و جبرائیل در این سرزمین مأمور تعلیم حضرت ابراهیم شد و فرمود: **هَذِهِ عَرَفَاتُ، فَأَعْرِفْ بِهَا مَنَاسِكَكَ، وَ اعْتَرِفْ بِذُنُوبِكَ (2)**.

در شب نهم که حضرت ابراهیم فرمان ذبح اسماعیل را در خواب برای بار دوم دید برای او مسلم شد که رؤیای صادق است و باید فرزندش را ذبح کند این معرفت در روز نهم و در سرزمین عرفات حاصل شد. به این سبب آن روز را عرفه و آن سرزمین را عرفات نامیده اند.

سَرِّ وَقُوفِ بَهْ عَرَفَاتِ

حاجی به قصد امتثال امر الهی، از زوال ظهر روز نهم تا غروب آفتاب باید در عرفات بماند. مهمان خدا اگر بخواید

ص: 102

1- - بقره، آیه ی 128

2- - البرهان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 615

به مقام ضیوف الرَّحْمَنِ نایل آید و به بارگاه الهی بار یابد؛ باید پس از کسب شایستگی لازم به حرم وارد شود، پس حاجی بعد از احرام از حرم خارج شده و عازم صحرای عرفات می شود تا با دعا، مناجات و راز و نیاز، شایستگی ورود به حریم حرم را پیدا می کند.

اولین باری که حاجی برای انجام عمره، به حرمت حرم، محرم شد و وارد حرم گردید؛ خداوند به او ارفاق کرده و بدون هر شرطی به او اجازه ورود داد، اما گسستن از غیر و پیوستن به خدا و رسیدن به مقام قرب الهی مراحلی دارد که حاجی باید آن مراحل را طی کند تا شایستگی لازم را کسب کند و لایق حریم حرم گردد.

گفت که سرمست نه ای *** رو که از این دست نه ای

گفت که دیوانه نه ای *** رو که از این خانه نه ای

رفتم و دیوانه شدم *** لایق این خانه شدم

گفت که با بال و پری *** من پر و بالت ندهم

در هوس بال و پرش *** بی پروا پرکنده شدم

به طواف کعبه رفتم به حرم رَهْم ندادند *** تو برون در، چه کردی؟ که درون خانه آیی؟

بر این اساس حاجی باید دو باره احرام ببندد و از حرم خارج شود و مراحل پاک بازی را شروع کند.

این آمادگی کجا باید ایجاد شود؟ بیرون از حرم باشد.

کدام نقطه ی بیرون از حرم؟ عرفات.

چرا عرفات؟ چون اولین اقدام برای هر کار ارزشمند شناخت و معرفت است پس اولین گام کسب شایستگی، وقوف به عرفات است.

وقوف در عرفات چه ساعتی از شبانه روز است؟ در روز.

چرا روز؟ چون معرفت نور است و روز با نور و روشنایی همراه است.

چه وقتی از روز؟ بعد از ظهر.

چرا بعد از ظهر؟ چون صبح برای انجام مقدمات است و از همه مهمتر این که بین این مرحله با مرحله بعدی که باید در شب صورت گیرد فاصله نیفتد.

حاجی با وقوف در عرفات باید به معارف دینی واقف شود و از اسرار الهی نظام آفرینش با خبر گردد و بداند که خدای سبحان به همه نیازها واقف و بر رفع همه آن‌ها توانمند و رحمتش وسع کل شی است. این جاست که چرایی عکس العمل امام سجاد علیه السلام در برابر سائلی که از امام درخواست کمک کرده بود روشن می شود که فرمود: ما از خدا در چنین روزی دنیا نمی خواهیم تو چگونه از غیر خدا دنیا طلب می کنی؟

این لیاقت و این آمادگی، چگونه باید به دست بیاید؟ از حضرت علی علیه السلام از سر وقوف به عرفات سؤال شد و آن بزرگوار فرمود: لِأَنَّ الْكَعْبَةَ بَيْتُهُ وَالْحَرَمَ دَاؤُهُ، فَلَمَّا قَصَدُوهُ وَأَفْدَيْنَ وَقَفَهُمْ بِالْبَابِ يَتَضَرَّعُونَ إِلَيْهِ (1)؛ یعنی چون کعبه،

ص: 104

خانه او و حرم در آن است، لذا وقتی او را قصد کردند، باید نزد در تصریح کنان بایستند تا اجازه ورود صادر شود.

ص: 105

اشاره

سومین عمل حج تمتع، بیتوته و وقوف به مشعرالحرام است. حاجی برای حج تمتع باید در شب دهم ذی حجه تا طلوع فجر و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعرالحرام به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، بسر ببرد.

فَإِذَا أَفْضَ تُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ (1)؛ و هنگامی که از «عرفات» کوچ کردید، خدا را نزد «مشعر الحرام» یاد کنید! او را یاد کنید همان طور که شما را هدایت نمود و قطعاً شما پیش از این، از گمراهان بودید.

نیت وقوف به مشعرالحرام

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی «شب تا طلوع فجر» و «از طلوع فجر تا طلوع آفتاب» در سرزمین مشعر برای حج تمتع می مانم، قربۀاً الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

نکته

1. احتیاط آن است که قبل از طلوع فجر؛ وقوف «از طلوع فجر تا طلوع آفتاب» را دوباره نیت کند؛
2. قسمتی از هر دو وقت را مشغول دعا و ذکر خداوند باشد و به اطاعت و عبادت خداوند در حد میسر مشغول شود؛

ص: 106

3. ریگ های بکر را برای رمی جمره را از مشعر جمع نماید (حداقل 70 عدد)؛

4. در حرکت به سوی منی به آرامی راه برود.

احکام معذورین

بعضی از مراجع به احتیاط واجب، حرکت معذورین از مشعر را به بعد از نیمه شب فتوا داده اند که باید آن ها را به مقام معظم رهبری و آیت الله مکارم ارجاع داد.

سال اولی ها که وقوف اضطراری دارند باید در مشعر لحظه ای از ماشین پائین آمده و در مشعر توقف داشته باشند و در همان هنگام برای حج تمتع، نیت وقوف به مشعر الحرام قربهً الی الله و خالصاً لله داشته و مقداری ذکر بگویند. توجه شود هنگام نیت کسی خواب نباشد. (به نوع حج توجه شود)

سُر وقوف به مشعر الحرام

مشعر الحرام اولین وادی حرم و دومین ورودی است، اولین ورودی (عرفات) را خداوند بیرون از حرم قرارداد و وقتی حاجی به بارگاه شناخت و معرفت نائل شد ورودی دوم را در حرم قرار داد تا شناخت و معرفت به مرحله شعور برسد. پس حاجی باید شب دهم به وادی مشعر الحرام وارد شود و به قصد امثال امر الهی و تقرب به خالق هستی و خالصاً الی الله، از نیمه شب شرعی تا طلوع فجر و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در مشعر الحرام بماند.

ص: 107

حافظ هر دو مرحله وقوف به مشعر را در شعرش آورده است:

مرو به خواب که حافظ به درگاه قبول *** ز ورد نیمه شب و درس صبحگاه رسید

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ *** از یمن دعای شب و ورد سحری بود

شناخت و معرفت در نهایت باید به ارتباط با خداوند منتهی شود و الا شناخت و معرفت نیست. فَإِذَا أَفْضَتْكُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَأذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْرِعِ الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ (1)؛ پس هنگامی که از عرفات کوچ کردید، خدا را نزد مشعر الحرام یاد کنید! همان گونه که شما را هدایت نمود.

رسیدن به مرحله شناخت، معرفت و شعور، علائمی دارد و علائم آن ارتباط تنگاتنگ با خداوند تبارک و تعالی است. این ارتباط هم تضمین کننده شعور و معرفت است و هم علامت قبولی آن است.

چرا در عرفات، وقوف روزانه است و در مشعر الحرام، بیتوته در شب؟ چون شناخت و معرفت با نور سنخیت دارد، آن را در روز قرار دادند و شعور که در ارتباط با خدا تجلی پیدا می کند را در شب قرار دادند، چرا که شب بهترین زمان ارتباط با خداوند است: وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثْكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا (2)؛ و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو نافلة ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.

ص: 108

1-- همان

2-- اسراء، آیه ی 79

تاک خویش از گریه های نیمه شب سیراب دار *** کز درون او شعاع آفتاب آید برون

ذره ای بی مایه ای ترسم که نا پیدا شوی *** پخته تر کن خویش را تا آفتاب آید برون

در گذر از خاک و خود را پیکر خاکی مگیر *** چاک اگر در سینه ریزی ماه تاب آید برون

گر به روی تو حریم خویش را در بسته اند *** سر به سنگ آستان زن لعل ناب آید برون(1)

از حضرت علی علیه السلام از سر بیتوته در مشعرالحرام سؤال شد و آن بزرگوار فرمود: لِأَنَّهُ لَمَّا أُذِنَ لَهُمْ بِالْدَّخُولِ وَقَفَهُمْ بِالْحِجَابِ الثَّانِي، فَلَمَّا طَالَ تَضَرَّعَتْهُمْ بِهَا أُذُنَ لَهُمْ(2)؛ یعنی چون وقتی اجازه دخول داده شد، در حجاب دوم به تضرع می ایستد تا اجازه ورود صادر شود.

آری تا مدد طلب نکنی شبی؛ از زمزمه مرغ سحر خبری نیست. تا شب را روز جهان افروز نکنی؛ از روشنایی خبری نیست. تا نیمه ی شب را به راز و نیازی سپری نکنی؛ دفع صد بلا نکنی. تا شب نروی، روز به جانی نرسی، تا وارد نیمه شب و درس صبحگاه نکنی؛ به درگاه قبول نرسی.

حاجی در مشعرالحرام دو عمل انجام می دهد:

عمل اول: با شب زنده داری و سیر و سلوک، مجهز به نیروی معنوی می شود و آن در دو مرحله انجام می شود یکی از نیمه شب تا طلوع فجر و دیگری از طلوع فجر تا طلوع آفتاب

ص: 109

1- - اقبال لاهوری

2- - ملاذ الأخبار في فهم تهذيب الأخبار، ج 8، ص 484

و این خاصیت کارهای بزرگ است که باید مرحله ای انجام شود، مانند وزنه برداری که به تمرین و ممارست حاصل نمی شود.

عمل دّوم: جمع کردن سنگ ریزه برای جمرات است، وقتی حاجی از مرحله معرفت به بارگاه شعور بار یافت، باید برای مبارزه تمام عیار با شیطان آماده شود و جمع کردن سنگ ریزه برای زدن به جمرات نماد مبارزه با شیطان است.

بخش دوم: اعمال سرزمین منی

اشاره

روز عید قربان حاجی پس از طلوع آفتاب روز دهم، از مشعر الحرام کوچ کرده و وارد سرزمین منی می شود و اعمال منا را به ترتیب در روز عید قربان، سه عمل، و در روز و شب های بعدی چند عمل دیگر را انجام دهد:

اعمال روز عید قربان:

1. رمی جمره عقبه؛

2. قربانی؛

3. سرتراشیدن.

ص: 110

اشاره

چهارمین عمل حج تمتع، رمی جمره عقبه است. حاجی در روز عید قربان، برای حج تمتع باید به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، به جمره عقبه هفت سنگ ریزه بزند و به اصطلاح رمی جمره عقبه نماید.

نیت رمی جمره عقبه

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، به جمره عقبه هفت سنگ ریزه برای حج تمتع می زنم، قریناً الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

واجبات رمی جمره

1. مشخصات سنگ: از حرم، مباح، بکر و ریگ باشد (حد اکثر به اندازه فندق بزرگ)؛

2. در روز زده شود (بعد از طلوع آفتاب تا قبل از غروب)؛

3. به نیت امتثال امر الهی و قصد تقرب زده شود؛

4. آن ها را بیندازد؛

5. با دست بیندازد؛

6. یکی یکی بزند؛

7. به جمره اصابت کند؛

8. هفت عدد باشد (باید یقین کند که هفت عدد شده است).

احتیاط در رمی جمره در طبقه اول است و اگر حاجی به اجبار به طبقه دوم رفت، باید به مقام معظم رهبری و آیت الله مکارم ارجاع داده شوند.

در حال رمی با وضو بودن؛

با هر سنگی که می اندازد تکبیر گفتن؛

چند دعا دارد در صورت امکان خواندن.

معدورین رمی جمره

1. معدورینی که از حضور در ازدحام رمی معدورند، باید عصر یا شب که خلوت تر است رمی جمره نمایند؛

2. معدورینی که برای رفتن به جمره عذر دارند باید نایب بگیرند؛

3. کسانی که برای رمی جمره نایب می شوند باید در همان روز رمی نمایند و نباید آن را به شب موکول کنند.

سُر رمی جمره عقبه

چرا سنگ زدن؟ وقتی حاجی از مرحله معرفت به بارگاه شعور رسید، باید با مبارزه تمام عیار با شیطان، بر شعور دینی خود، صحنه گذارد، پس در اولین اقدام، با سنگ زدن، که نماد مبارزه است، به مبارزه با شیطان برمی خیزد و شیطان را از خود دور میکند.

چرا رمی جمره؟ جمره نماد شیطان است، در مکانی که شیطان در برابر حضرت ابراهیم نمایان شد و برای قربانی کردن فرزندش وسوسه کرد و حضرت با سنگ او را دور کرد؛ علامتی گذاشته شده است که به آن جمره می گویند و سنگ زدن به آن، نماد مبارزه با شیطان است.

چرا ابتدا جمره عقبه را باید رمی کرد؟ چون فرماندهان اصلی و تعزیه گردانان شیطانی، همیشه در عقب جبهه قرار دارند.
چرا در روز عید قربان جمرات دیگر سنگ زده نمی شود؟ برای این که حاجی فرصت داشته باشد تا قربانی و حلق را انجام دهد.

ص: 113

اشاره

پنجمین عمل حج تمتع، قربانی است. حاجی در روز عید قربان، باید به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع، قربانی کند.

نیت قربانی

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع قربانی می‌کنم، قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

واجبات قربانی

1. گوسفند باید در سه سال و میش داخل در سال دوم شده باشد؛

2. خیلی پیر نباشد؛

3. بیمار نباشد؛

4. ناقص نباشد؛

5. لاغر نباشد؛

6. خصی نباشد؛

7. در اصل خلقت بدون بیضه نباشد؛

8. شرائط ذبح رعایت شود مانند:

✓ بریدن چهار رگ بزرگ گردن؛

✓ با نام خدا ذبح کردن؛

✓ رو به قبله بودن حیوان؛

✓ آهن بودن وسیله ذبح؛

✓ مسلمان بودن ذابح.

نائب در ذبح به نیابت و نوع حج توجه نماید.

ص: 114

باید توجه داشت که نه گوشت قربانی به خدا می رسد و نه سنگ به شیطان بلکه روح و جان عمل برای حاجی مهم است: لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ (1)؛ نه گوشت ها و نه خون های آنها، هرگز به خدا نمی رسد. آنچه به او می رسد، تقوا و پرهیزگاری شماست. و این گونه حاجی با قربانی که جلوه گاه ایثار و گذشت است به تقوی درونی نایل می شود.

قربانی، نماد ایثار و گذشت است و ایثار و گذشت، امتحان محنت و سختی و برای تعالی روح و رسیدن به منزل مقصود است. قربانی، نماد دل کندن و بریدن از تعلّقات مادی در راه معشوق است، قربانی، نماد گسستن از غیر و پیوستن به خداوند برای رسیدن به مقام قرب الهی است. قربانی، نماد مبارزه با نفس و کشتن شیطان است و با هر جزئی از قربانی، جزئی از حاجی از آتش رهایی می یابد و هر چه قربانی کامل تر باشد رهایی از آتش بیشتر است.

بگذر از فرزند و مال و جان خویش *** تا خلیل الله دورانت کنند

سر بنه در کف برو در کوی دوست *** تا چو اسماعیل قربانت کنند

حاجی باید در روز عید قربان و در سرزمین منا، به فدای حضرت اسماعیل قربانی کند. آن گاه که حضرت ابراهیم برای

ص: 115

اجرای فرمان الهی، اسماعیلش را به قربانگاه برد و کارد را بر گلویش نهاد، ندا آمد: **قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا (1)**؛ فرمانبری را به درستی اثبات کردی! **وَقَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ (2)**؛ و ما اسماعیل را در برابر قربانی بزرگی رهایی بخشیدیم؛ و آن قربانی بزرگ، همان قربانی حجاج است که هر سال به فدای اسماعیل، حجاج قربانی می کنند تا فقرا و مستمندان از آن بهره ببرند.

ص: 116

1-- صافات، آیه 105

2-- همان، آیه ی 107

اشاره

ششمین عمل حج تمتع، حلق و سر تراشیدن است. حاجی در روز عید قربان، باید به نیت اخلاص و امثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع، حلق کند و سر را بتراشد.

نیت حلق

به نیت اخلاص و امثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع حلق می‌کنم و سر را می‌تراشم، قربةً الى الله و خالصاً لله، (به نوع حج توجه شود)

واجبات حلق

1. حلق در سرزمین منا باشد.
2. بهتر است حاجی و سلمانی هر دو برای حلق نیت کنند.

مستحبات حلق

1. تراشیدن سر از جانب راست پیش سر شروع شود؛
2. هنگام تراشیدن سر بخواند: اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ (1)؛
3. اطراف ریش و شارب را کوتاه کند و ناخن‌ها را بگیرد؛
4. مو در منا دفن شود.

ص: 117

حلق و سر تراشیدن اختصاص به مردان دارد و خانم‌ها باید تقصیر کنند مانند تقصیر در عمره یعنی مقداری موی سر را چیده و تعدادی ناخن را بگیرند

هر کس بخواهد سر دیگری را بتراشد باید اول سر خود را تراشیده و از احرام خارج شده باشد.

با حلق حاجی از احرام خارج می‌شود اما استفاده از عطر و عمل زناشوئی برای او حرام است و بعد از طواف حج و نماز طواف حج، استفاده از عطر برای او حلال می‌شود و بعد از طواف نساء و نماز طواف نساء، عمل زناشوئی برای او حلال می‌گردد.

حاجی می‌تواند پس از حلق، در منا بماند و بعد از انجام اعمال منا یعنی بیتوته سه شب و رمی جمرات سه گانه، ظهر روز دوازدهم به مکه باز گردد و اعمال مکه یعنی طواف، نماز طواف، سعی صفا و مروه، طواف نساء و نماز طواف نساء را به جا آورد. همچنین می‌تواند پس از نیمه شب شرعی شب یازدهم، برای اعمال پنجگانه طواف حج، نماز طواف حج، سعی صفا و مروه، طواف نساء و نماز طواف نساء، به مکه مراجعت نماید و اگر چنین کرد واجب است تا قبل از غروب آفتاب روز یازدهم، برای رمی سه جمره و بیتوته، به منا باز گردد.

سر حلق و تراشیدن سر

موی سر زینت بخش ظاهر فرد و یکی از مظاهر شخصیتی انسان است و برای هر فردی عزیز و دوست داشتنی و در

حقیقت یک نوع دل‌بستگی انسان است و دل‌کندن از آن برای انسان بسی مشکل، و از آن جایی که این علاقه و دل‌بستگی مانع سلوک معنوی است؛ باید برای رسیدن به مراتب بالاتر از آن بگذرد تا دل‌کندن از تعلقات دیگر، برای او آسان شود.

تراشیدن سر‌نماد دل‌کندن از همه دل‌بستگی‌ها است و بریدن از همه عیب‌های ظاهری و باطنی است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: **وَ اَحْلِقِ الْعُيُوبَ الظَّاهِرَةَ وَ الباطِنَةَ بِحَلْقِ شَعْرِكَ (1)**؛

با تراشیدن موی خود، تمام عیب‌های ظاهری و باطنیت را بتراش.

حاجی مانند سرباز جان‌برکف، با تراشیدن موی سر، از یکی از محبوب‌ترین نمادهای شخصیتی خود برای خدا می‌گذرد و آمادگی خود را برای هرگونه فداکاری و جانبازی در راه خدا اعلام می‌کند و با این آمادگی، در آزمون شایستگی، موفق و در امتحان لیاقت، پیروز می‌شود و به برکت این پیروزی این روز را عید می‌گیرد.

حاجی این جمال را پای فرمان آن جمیل فدا می‌کند. حاجی با تراشیدن سر غرور و کبر و نخوت و منیت را از سر بیرون کرده و از هر معصیتی خود را تطهیر و تنظیف می‌نماید.

بگذر از فرزند و مال و جان خویش *** تا خلیل الله دوران‌ت کنند

سر بنه در کف برو در کوی دوست *** تا چو اسماعیل قربانت کنند

ص: 119

اشاره

هفتمین عمل حج تمتع: بیتوته در منا است. حاجی پس از انجام اعمال سه گانه منا، از احرام خارج می شود، اما شب یازدهم و دوازدهم ذی الحجه را به نیت اخلاص و امثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، باید در سرزمین منا، بیتوته کند و بماند. حاجی برای هر شبی که در منا می ماند، باید فردای آن روز سه جمره را رمی کند و سنگ بزند.

نیت بیتوته در منا

به نیت اخلاص و امثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع شب در منا می مانم، قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

سُر بیتوته در منا

بیتوته و ماندن در منا برای تثبیت و ماندگاری آثار اعمال، برای تثبیت حالت ایثار و گذشت، برای تقویت ارتباط با خالق هستی، برای گسستن از تعلقات دنیایی و برای یادآوری معاد است.

اشاره

هشتمین عمل حج تمتع، رمی سه جمره است. هر شبی که حاجی در منابیتوته می کند و می ماند فردای آن روز باید به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، سه جمره را رمی کند و سنگ بزند.

نیت رمی جمره اول

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع جمره اول را رمی می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

نیت رمی جمره دوم

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع جمره دوم را رمی می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

نیت رمی جمره سوم (عقبه)

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع جمره سوم را رمی می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

سُر رمی جمرات سه گانه

جمره نماد شیطان است و مبارزه تمام عیار با شیطان نشان ایمان و معرفت است. حاجی با رمی جمرات سه گانه، بر دین و اعتقادات دینی خود صحه می گذارد و با تکرار رمی، این

مبارزه را برای خود به درجه ملکه در می آورد و خود را برای دستور أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (1) آماده می سازد.

جمره اول نماد سربازان دشمن در خط مقدم دشمن و جمره دوم که با فاصله کمی از جمره اول است؛ نماد فرماندهان خط مقدم است و جمره سوم که با فاصله بیشتری از جمره دوم است؛ نماد فرماندهان اصلی و عقبه دشمن است.

ص: 122

1-- نحل، آیه ی 36

اشاره

اعمال بعد از منی پنج عمل است

1. طواف حج تمتع

2. نماز طواف حج تمتع

3. سعی صفا و مروه

4. طواف نساء حج تمتع

5. نماز طواف نساء حج تمتع

واجبات و شرایط طواف و نماز طواف و سعی و طواف نساء و نماز طواف نساء حج تمتع همان واجبات و شرایط طواف و سعی در عمره است و فرقی ندارد مگر در نیت. در صورت نیاز به فصل پنجم مراجعه شود.

ص: 123

اشاره

نهمین عمل حج تمتع، طواف حج است. بعد از اعمال منا حاجی باید کعبه را طواف کند.

آری در این هنگام حاجی لایق خانه می شود و باید به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی به دور کعبه بگردد و به طواف کعبه پردازد و هر حاجی به فراخور لیاقتی که کسب کرده هنگام طواف یا به دور کعبه و ارکان چهارگانه آن می گردد و یا در حقیقت به موازات کعبه، با ملائک در آسمان چهارم در بیت المأمور طواف می کند و یا اگر لایق واقعی شده باشد در عرش، به طواف چهار رکن عرش می پردازد.

نیت طواف حج تمتع

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع هفت دور طواف کعبه می کنم، قرْبَةً إِلَى اللَّهِ وَ خَالِصاً لِلَّهِ. (به نوع حج توجه شود)

اشاره

دهمین عمل حج تمتع، نماز طواف حج تمتع است. حاجی بعد از طواف باید به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، نماز طواف حج تمتع را پشت مقام اقامه نماید.

نیت نماز طواف حج تمتع

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی دو رکعت نماز طواف، برای حج تمتع بجا می آورم، قربۀ الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

با طواف حج و نماز طواف حج، استفاده از عطر برای حاجی حلال می شود اما عمل زناشوئی هنوز برای او حرام است.

اشاره

یازدهمین عمل حج تمتع سعی میان صفا و مروه است. حاجی بعد از نماز طواف، باید به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، بین صفا و مروه سعی نماید.

نیت سعی بین صفا و مروه

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت مرتبه بین صفا و مروه برای حج تمتع سعی می‌کنم، قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

فاصله چند ساعته بین نماز طواف و سعی اشکال ندارد اما نباید بین آن‌ها یک روز فاصله بیفتد.

اشاره

دوازدهمین عمل حج تمتع طواف نساء است. حاجی بعد از سعی میان صفا و مروه، باید برای امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی مجدد کعبه را به نیت طواف نساء حج تمتع، طواف کند.

نیت طواف نساء حج تمتع

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای طواف نساء حج تمتع، هفت دور طواف کعبه می‌کنم، قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

ص: 127

اشاره

سیزدهمین عمل حج تمتع نماز طواف نساء است. حاجی بعد از طواف نساء، برای امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، باید نماز طواف نساء حج تمتع را پشت مقام اقامه نماید.

نیت نماز طواف نساء حج تمتع

به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف نساء، برای حج تمتع بجا می آورم، قربةً الی الله و خالصاً لله. (به نوع حج توجه شود)

با طواف نساء آخرین محرمات حج تمتع از جمله ارتباط زناشویی حلال می شود به غیر از محرماتی که ذاتاً حرام است و محرمات مکه (که در بخش حرم گفته شده است)

اقدامات لازم و ضروری پس از اعمال

1. کمک به توان خواهان معمرین و کسانی که باید با ویلچر اعمال انجام دهند نشان قبولی اعمال است.
2. کسانی که در پی کسب ثواب هستند بدانند بهترین ثواب، انفاق مما تحبون است و خالی کردن مطاف برای کسانی که اعمال واجب را هنوز انجام نداده اند، بهترین انفاق است.
3. کنترل کامل اعمال حاجیان بیت الله الحرام.
4. در آخرین روزهای اقامت در مکه مکرمه به احتیاط و به عنوان آخرین عمل، یک طواف مافی الذمه باید داد.

1. تا قبل از انجام کامل اعمال حج تمتع، نمی توان عمره مفرده انجام داد.
2. برای عمره مفرده، باید صحت اعمال حج تمتع محرز شود.
3. کمک به ناتوانان برای انجام اعمال واجب، بهترین عمره است.
4. از عمره مفرده خانم ها حدالمقدور جلوگیری شود.
5. کسانی که حمد و سوره خود را نتوانسته اند تصحیح کنند، نمی توانند عمره مفرده نیابتی انجام دهند.

اشاره

نیت یک عمل قلبی است و لازم نیست به زبان گفته شود همان که شخص بداند که چه کاری انجام می دهد کافی است اما برای این که زائر نسبت به انجام اعمال دلهره نداشته باشد و پس از آن نسبت به نیت شک نکند و از سؤال های بی جا پرهیز نماید؛ نیت های اعمال عمره چاپ شود و در اختیار زائر قرار گیرد. در نیت باید به نوع عمره و نوع حج توجه داشت (مستحبی یا واجب، حج خود یا نیابتی)

ص: 131

1. نیت احرام عمره حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی احرام می بندم، محرم می شوم برای عمره حج تمتع با قصد انجام اعمال و ترک محرمات احرام، قربة الی الله و خالصاً لله.
2. نیت طواف عمره حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت دور طواف کعبه می کنم، برای عمره حج تمتع، قربة الی الله و خالصاً لله.
3. نیت نماز طواف عمره حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف عمره حج تمتع بجا می آورم قربة الی الله و خالصاً لله.
4. نیت سعی عمره حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت مرتبه بین صفا و مروه برای عمره حج تمتع، سعی می نمایم قربة الی الله و خالصاً لله.
5. نیت تقصیر عمره حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی و به قصد حلال شدن از چیزهایی که در عمره حج تمتع، برایم حرام شده بود، مقداری از موی سر را چیده و مقداری از ناخن را می گیرم، قربة الی الله و خالصاً لله.

1. نیت احرام حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، احرام می بندم، محرم می شوم برای حج تمتع با قصد انجام اعمال و ترک محرمات احرام قربة الی الله و خالصاً لله.
2. نیت وقوف به عرفات: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، از زوال ظهر تا غروب شرعی و در سرزمین عرفات برای حج تمتع می مانم، قربۀاً الی الله و خالصاً لله.
3. نیت وقوف به مشعرالحرام: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، شب تا طلوع فجر و از طلوع فجر تا طلوع آفتاب در سرزمین مشعر برای حج تمتع می مانم، قربۀاً الی الله و خالصاً لله.
4. نیت رمی جمره عقبه: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، به جمره عقبه هفت سنگ ریزه برای حج تمتع می زنم، قربۀاً الی الله و خالصاً لله.
5. نیت قربانی: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع قربانی می کنم، قربۀاً الی الله و خالصاً لله.
6. نیت حلق: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع حلق می کنم و سر را می تراشم، قربۀاً الی الله و خالصاً لله.

7. نیت بیتوته در منا: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع شب در منا می مانم، قربةً الى الله و خالصاً لله.

8. نیت رمی جمره اول: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع جمره اول را رمی می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله. نیت رمی جمره دوم: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع جمره دوم را رمی می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله. نیت رمی جمره عقبه: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع جمره سوم را رمی می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله.

9. نیت طواف حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای حج تمتع هفت دور طواف کعبه می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله.

10. نیت نماز طواف حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی دو رکعت نماز طواف، برای حج تمتع بجا می آورم، قربةً الى الله و خالصاً لله.

11. نیت سعی بین صفا و مروه: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت مرتبه بین صفا و مروه برای حج تمتع سعی می کنم، قربةً الى الله و خالصاً لله.

12. نیت طواف نساء حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای طواف

نساء حج تمتع، هفت دور طواف کعبه می‌کنم، قربهً الى الله و خالصاً لله.

13. نیت نماز طواف نساء حج تمتع: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف نساء، برای حج تمتع بجا می‌آورم، قربهً الى الله و خالصاً لله.

ص: 135

1. نیت احرام عمره مفرده: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی احرام می بندم، محرم می شوم برای عمره مفرده با قصد انجام اعمال و ترک محرمات احرام، قربة الی الله و خالصاً لله.
2. نیت طواف عمره مفرده: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت دور طواف کعبه می کنم، برای عمره مفرده، قربة الی الله و خالصاً لله.
3. نیت نماز طواف عمره مفرده: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف عمره مفرده بجا می آورم قربة الی الله و خالصاً لله.
4. نیت سعی عمره مفرده: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، هفت مرتبه بین صفا و مروه برای عمره مفرده، سعی می نمایم قربة الی الله و خالصاً لله.
5. نیت تقصیر عمره مفرده: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی و به قصد حلال شدن از چیزهایی که در عمره مفرده، برایم حرام شده بود، مقداری از موی سر را چیده و مقداری از ناخن را می گیرم، قربة الی الله و خالصاً لله.
6. نیت طواف نساء عمره مفرده: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، برای طواف نساء عمره مفرده، هفت دور طواف کعبه می کنم، قربة الی الله و خالصاً لله.

7. نیت نماز طواف نساء عمره مفرده: به نیت اخلاص و امتثال امر الهی و به قصد تقرب به خالق هستی، دو رکعت نماز طواف نساء، برای عمره مفرده بجا می آورم، قرۃً الی الله و خالصاً لله

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ (1)

ص: 137

1- - الإقبال بالأعمال الحسنة - ط الحديثة، ج 1، ص 79

مشهور است شخصی به نام شبلی پس از انجام حج به محضر حضرت امام سجاد زین العابدین علیه السلام رسید و آن بزرگوار از او پرسیدند: حَجَّجْتَ يَا شِبْلِيُّ؟ و شبلی پاسخ داد: نَعَمْ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنْزَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَ اغْتَسَلْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ نَزَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ خَلَعْتَ ثَوْبَ الْمَعْصِيَةِ وَ لَبِستَ ثَوْبَ الطَّاعَةِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ ثِيَابِكَ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَجَرَّدْتَ مِنَ الرِّبَاءِ وَ النَّفَاقِ وَ الدُّخُولِ فِي الشُّبُهَاتِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ اغْتَسَلْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ اغْتَسَلْتَ مِنَ الْخَطَايَا وَ الذُّنُوبِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا نَزَلْتَ الْمِيقَاتَ وَ لَا تَجَرَّدْتَ عَنْ مَخِيطِ الثِّيَابِ وَ لَا اغْتَسَلْتَ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَنَطَّفْتَ وَ أَحْرَمْتَ وَ عَقَدْتَ بِالْحَجِّ؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ تَنَطَّفْتَ وَ أَحْرَمْتَ وَ عَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَنَطَّفْتَ بِنُورِ التَّوْبَةِ الْخَالِصَةِ لِلَّهِ تَعَالَى؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ أَحْرَمْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ حَرَمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ مُحَرَّمٍ حَرَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ عَقَدْتَ الْحَجَّ نَوَيْتَ أَنَّكَ قَدْ حَلَلْتَ كُلَّ عَقْدٍ لِغَيْرِ اللَّهِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَنْظُفْتَ وَلَا أَحْرَمْتَ وَلَا عَقَدْتَ الْحَجَّ.

قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَصَلَّيْتَ رُكْعَتِي الْإِحْرَامِ وَلَبَّيْتُ؟

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ بِنِيَّةِ الزِّيَارَةِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ صَلَّيْتَ الرُّكْعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّكَ تَقْرُبُ إِلَيْ اللَّهِ بِخَيْرِ الْأَعْمَالِ مِنَ الصَّلَاةِ وَأكْبَرِ حَسَنَاتِ الْعِبَادِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ لَبَّيْتَ نَوَيْتَ أَنَّكَ نَطَقْتَ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ بِكُلِّ طَاعَةٍ وَصَمْتٍ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ؟

قَالَ: لَا

قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا دَخَلْتَ الْمِيقَاتَ وَلَا صَلَّيْتَ وَلَا لَبَّيْتَ.

ثُمَّ قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدَخَلْتَ الْحَرَمَ وَرَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَصَلَّيْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ

ص: 139

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ دَخَلْتَ الْحَرَمَ نَوَيْتَ أَنْكَ حَرَمْتَ عَلَى نَفْسِكَ كُلَّ غَيْبَةٍ تَسْتَعِيبُهَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ مِلَّةِ الْأَسْلَامِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ وَصَلْتَ مَكَّةَ نَوَيْتَ بِقَلْبِكَ أَنْكَ قَصَدْتَ اللَّهَ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا دَخَلْتَ الْحَرَمَ وَلَا رَأَيْتَ الْكَعْبَةَ وَلَا صَلَّيْتَ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَمَسَسْتَ الْأَرْكَانَ وَسَعَيْتَ؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ سَعَيْتَ نَوَيْتَ أَنْكَ هَرَبْتَ إِلَى اللَّهِ وَعَرَفَ مِنْكَ ذَلِكَ عِلْمُ الْغُيُوبِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا طُفْتَ بِالْبَيْتِ وَلَا مَسَسْتَ الْأَرْكَانَ وَلَا سَعَيْتَ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: صَافَحْتَ الْحَجَرَ وَوَقَفْتَ بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَلَّيْتَ بِهِ رُكْعَتَيْنِ؟

قَالَ: نَعَمْ

فَصَاحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحَةً كَادَ يُفَارِقُ الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: آهٍ، مَنْ صَافَحَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقَدْ صَافَحَ اللَّهَ تَعَالَى. فَانظُرْ يَا مَسْكِينِ لَا تُضَيِّعَ أَجْرَ مَا عَظَّمَ حُرْمَتَهُ وَتَنَقُّضِ الْمُصَافِحَةَ بِالْمُخَالَفَةِ وَقَبْضِ الْحَرَامِ نَظِيرِ الْأَثَامِ.

ص: 140

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَوَيْتَ حِينَ وَقَفْتَ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْكَ وَقَفْتَ عَلَى كُلِّ طَاعَةٍ وَتَخَلَّفْتَ عَنْ كُلِّ مَعْصِيَةٍ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَحِينَ صَلَّيْتَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنْكَ صَلَّيْتَ بِصَلَاةِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَزْغَمْتَ بِصَلَاتِكَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: فَمَا صَافَحْتَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَلَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْمَقَامِ وَلَا صَلَّيْتَ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَشْرَفْتَ عَلَى بئرِ رَمْزَمٍ وَشَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَوَيْتَ أَنْكَ أَشْرَفْتَ عَلَى الطَّاعَةِ وَغَضَضْتَ طَرْفَكَ عَنِ الْمَعْصِيَةِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا أَشْرَفْتَ عَلَيْهَا وَلَا شَرِبْتَ مِنْ مَائِهَا.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَسَعَيْتَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ وَمَشَيْتَ وَلَا تَرَدَّدْتَ بَيْنَهُمَا؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَوَيْتَ أَنْكَ بَيْنَ الرَّجَاءِ وَالْخَوْفِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا سَعَيْتَ وَلَا مَشَيْتَ وَلَا تَرَدَّدْتَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرْوَةِ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْرَجْتَ إِلَيَّ مَنِيَّ؟

ص: 141

قَالَ: نَعَمْ.

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَوَيْتَ أَنَّكَ آمَنْتَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِكَ وَقَلْبِكَ وَيَدِكَ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا خَرَجْتَ إِلَى مِنَى.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: أَوْقَفْتَ الْوَقْفَةَ بِعَرَفَةَ وَطَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَعَرَفْتَ وَاْدَى نَمْرَةَ وَدَعَوْتَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عِنْدَ الْمَيْلِ وَالْجَمْرَاتِ؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَلْ عَرَفْتَ بِمَوْقِفِكَ بِعَرَفَةَ مَعْرِفَةَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَمْرَ الْمَعَارِفِ وَالْعُلُومِ وَعَرَفْتَ قَبْضَ اللَّهِ عَلَى صَدِّ حَيْفَتِكَ وَأَطْلَاعَهُ عَلَى سِرِّيرَتِكَ وَقَلْبِكَ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَوَيْتَ بِطُلُوعِكَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ أَنَّ اللَّهَ يَرْحَمُ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَيَتَوَلَّى كُلَّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ فَنَوَيْتَ عِنْدَ نَمْرَةَ أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ حَتَّى تَأْتِمَرَ وَلَا تَنْزُجُرُ حَتَّى تَنْزَجُرَ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ نَمْرَةَ أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ حَتَّى تَأْتِمَرَ وَلَا تَنْزُجُرُ حَتَّى تَنْزَجُرَ قَالَ لَا قَالَفَعِنْدَ مَا وَقَفْتَ عِنْدَ الْعَلَمِ وَالنَّمِرَاتِ نَوَيْتَ أَنَّهَا شَاهِدَةٌ لَكَ عَلَى الطَّاعَاتِ حَافِظَةٌ لَكَ مَعَ الْحَفِظَةِ بِأَمْرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا وَقَفْتَ بِعَرَفَةَ وَلَا طَلَعْتَ جَبَلَ الرَّحْمَةِ وَلَا عَرَفْتَ نَمْرَةَ وَلَا دَعَوْتَ وَلَا وَقَفْتَ عِنْدَ النَّمِرَاتِ.

ص: 142

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَرَرْتُ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ وَصَلَّيْتُ قَبْلَ مُرُورِكَ رُكْعَتَيْنِ وَمَشَيْتَ بِمُزْدَلِفَةَ وَلَقَطْتَ فِيهَا الْحَصَى وَمَرَرْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ؟

قَالَ: نَعَمْ

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَجِئِن صَلَّيْتَ رُكْعَتَيْنِ نَوَيْتَ أَنَّهَا صَلَاةُ شُكْرِ فِي لَيْلَةِ عَشْرِ تَنْفَى كُلِّ عُسْرٍ وَتَيْسَرِ كُلِّ يُسْرٍ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا مَشَيْتَ بَيْنَ الْعَلَمَيْنِ وَلَمْ تَعْدِلْ عَنْهُمَا يَمِينًا وَشِمَالًا نَوَيْتَ أَنْ لَا تَعْدِلَ عَنْ دِينِ الْحَقِّ يَمِينًا وَشِمَالًا لَا يَقْلِبُكَ وَلَا يَلْسَانِكَ وَلَا يَجْوَارِحِكَ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا مَشَيْتَ بِمُزْدَلِفَةَ وَلَقَطْتَ مِنْهَا الْحَصَى نَوَيْتَ أَنَّكَ رَفَعْتَ عَنْكَ كُلَّ مَعْصِيَةٍ وَجَهْلٍ وَتَبَّتْ كُلُّ عِلْمٍ وَعَمَلٍ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا مَرَرْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ نَوَيْتَ أَنَّكَ أَشْعَرْتَ قَلْبَكَ إِشْعَارَ أَهْلِ التَّقْوَى وَالْخَوْفِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا مَرَرْتَ بِالْعَلَمَيْنِ وَلَا صَلَّيْتَ رُكْعَتَيْنِ وَلَا مَشَيْتَ بِالْمُزْدَلِفَةَ وَلَا رَفَعْتَ مِنْهَا الْحَصَى وَلَا مَرَرْتَ بِالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ.

ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: وَصَلَّتْ مِنَّا وَرَمَيْتَ الْجُمْرَةَ وَحَلَقْتَ رَأْسَكَ وَذَبَحْتَ هَدْيَكَ وَصَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْحَيْفِ وَرَجَعْتَ إِلَى مَكَّةَ وَطُفَّتَ طَوَافَ الْإِفَاضَةِ؟

قَالَ: نَعَمْ

ص: 143

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَنَوَيْتَ عِنْدَ مَا وَصَلْتَ مِنَّا وَرَمَيْتَ الْجِمَارَ أَنْكَ بَلَّغْتَ إِلَى مَطْلَبِكَ وَقَدْ قَضَى رَبُّكَ لَكَ كُلَّ حَاجَتِكَ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ نَوَيْتَ أَنْكَ رَمَيْتَ عَدُوَّكَ إِبْلِيسَ وَغَضِبْتَهُ بِتَمَامِ حَجِّكَ النَّفِيسِ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ نَوَيْتَ أَنْكَ تَطَهَّرْتَ مِنَ الْأَذْنَانِ وَمِنْ تَبَعَةِ بَنِي آدَمَ وَخَرَجْتَ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلَدْتُكَ أُمُّكَ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْحَيْفِ نَوَيْتَ أَنْكَ لَا تَخَافُ إِلَّا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَذُنُوبَكَ وَلَا تَرْجُو إِلَّا رَحْمَةَ اللَّهِ تَعَالَى؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا ذَبَحْتَ هَدْيَكَ نَوَيْتَ أَنْكَ ذَبَحْتَ حَنْجَرَةَ الطَّمَعِ بِمَا تَمَسَّكَتَ بِهِ مِنْ حَقِيقَةِ الْوَرَعِ وَأَنْكَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِذَبْحِ وَلَدِهِ وَثَمَرَةِ فُؤَادِهِ وَرِيحَانِ قَلْبِهِ وَحَاجَةِ سُنَّتِهِ لِمَنْ بَعْدَهُ وَقَرَبَهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى لِمَنْ خَلْفَهُ؟

قَالَ: لَا

قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَعِنْدَ مَا رَجَعْتَ إِلَى مَكَّةَ وَطُفْتَ طَوَافَ الْإِفَاضَةِ نَوَيْتَ أَنْكَ أَفْضَتَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَرَجَعْتَ إِلَى طَاعَتِهِ وَتَمَسَّكَتَ بِوُدِّهِ وَأَدَيْتَ فَرَائِضَهُ وَتَقَرَّبْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى؟

قَالَ: لَا

ص: 144

قَالَ لَهُ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمَا وَصَلْتَنَا وَلَا رَمَيْتَ الْجِمَارَ وَلَا حَلَقْتَ رَأْسَكَ وَلَا أَدَيْتَ نُسُكَكَ وَلَا صَلَّيْتَ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ وَلَا طُفْتَ طَوَافَ الْإِفَاضَةِ وَلَا تَقَرَّبْتَ أَزْجَعًا فَإِنَّكَ لَمْ تَحُجَّ.

فَطَفِقَ الشُّبَلِيُّ يَبْكِي عَلَى مَا فَرَّطَهُ فِيحُجِّهِ وَمَا زَالَ يَتَعَلَّمُ حَتَّى حَجَّ مِنْ قَابِلٍ بِمَعْرِفَةٍ وَيَقِينٍ. (1)

نقل است در این هنگام شبلی به گریه درآمد و بر غفلت و تقصیر خویش و از دست دادن آن همه فایده و آثار و اسرار گران قدر حج، سخت گریست. و از آن پس به فراگیری بیشتر معارف و علوم و رموز حج پرداخت تا در موسم حجی دیگر با معرفتی سرشار و یقینی استوار، حج گزارد.

ص: 145

در بخش پنجم از ملحقات پیام حماسی و اثرگذار امام خمینی رحمت الله علیه به مناسبت سالگرد کشتار خونین حجاج خانه ی خدا، که امروز بیش از هر زمان دیگری باید چراغ راه زائران عزیز و به ویژه روحانیت معزز باشد به علاقمندان انقلاب اسلامی تقدیم می شود. (1)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّوْیَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاءَ اللّٰهُ اٰمِنِیْنَ (2)

علی رغم گذشت یک سال از کشتار فجیع و بی رحمانه ی حجاج بی دفاع و زائران مؤمن و موحد به وسیله ی نوکران آمریکا و سفاکان آل سعود، هنوز شهر خدا و خلق خدا در بهت و حیرتند.

آل سعود با کشتن میهمانان خدا و به خاک و خون کشیدن بهترین بندگان حق، نه تنها حرم را، که جهان اسلام را آلوده به خون شهیدان نمود و مسلمانان و آزادگان را عزادار ساخت.

مسلمانان جهان در سال گذشته برای اولین بار عید قربان را با شهادت فرزندان ابراهیم علیه السلام که ده ها بار از مصاف با جهان خواران و اذنان آنان برگشته بودند در مسلخ

ص: 146

1- - امام خمینی، 29 تیر 1367

2- - فتح، آیه ی 27

عشق و در منای رضایت حق جشن گرفتند، و بار دیگر آمریکا و آل سعود بر خلاف راه و رسم آزادگی، از زنان و مردان، از مادران و پدران شهید، از جانبازان بی پناه ما کشته ها گرفتند و در آخرین لحظات نیز با ناجوانمردی و قساوت بر پیکر نیمه جان سال خوردگان و بر دهان تشنه و خشکیده ی مظلومان ما تازیانه زدند و انتقام خود را از آنان گرفتند.

انتقام از چه کسانی و از چه گناهی؟ انتقام از کسانی که از خانه ی خویش به سوی خانه ی خدا و خانه ی مردم هجرت نموده بودند، انتقام از کسانی که سال ها کوله بار امانت و مبارزه را بر دوش کشیده بودند، انتقام از کسانی که هم چون ابراهیم علیه السلام از بت شکنی برمی گشتند، شاه را شکسته بودند، شوروی و آمریکا را شکسته بودند، کفر و نفاق را خرد کرده بودند، همان ها که پس از طی آن همه راه ها با فریاد: **وَإِنَّ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا (1)**.

پابرهنه و سربرهنه آمده بودند تا ابراهیم را خوشحال کنند، به میهمانی خدا آمده بودند تا با آب زمزم گرد و غبار سفر را از چهره بزدایند و عطش خویش را در زلال مناسک حج بر طرف نمایند و با توانی بیشتر مسئولیت پذیر گردند و در سیر و صیوروت ابدی خود نه تنها در میقات حج، که در میقات عمل نیز لباس و حجاب پیوستگی و دل بستگی به دنیا را از تن به در آورند.

همان ها که برای نجات محرومان و بندگان خدا راحتی طلبان را بر خود حرام و محرم به احرام شهادت شده بودند و عزم را جزم کردند تا نه تنها بنده ی زر خرید آمریکا و شوروی نباشند که زیر بار هیچکس جز خدا نروند.

ص: 147

آمده بودند که دوباره به محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بگویند که از مبارزه خسته نشده اند و به خوبی می دانند که ابی سفیان و ابی لهب و ابی جهل برای انتقام در کمین نشسته اند، و با خود می گویند: مگر هنوز لات و هبل در کعبه اند؟ آری، خطرناک تر از آن بت ها، اما در چهره و فریبی نو. آن ها می دانند که امروز حرم، حرم است، اما نه برای ناس، که برای آمریکا و کسی که به آمریکا لبیک نگوید و به خدای کعبه رو آورد سزاوار انتقام خواهد شد.

انتقام از زائرنانی که همه ی ذرات وجود و همه حرکات و سکنتات انقلابشان مناسک ابراهیم را زنده کرده است! و حقیقتاً می رود تا فضای کشور و زندگی خویش را با آوای دلنشین «لبیک، اللهم لبیک» معطر سازد.

آری در منطق استکبار جهانی هر که بخواد برائت از کفر و شرک را پیاده کند متهم به شرک خواهد شد، و مفتی ها و مفتی زادگان، این نوادگان بلعم باعوراها، به قتل و کفر او حکم خواهند داد. بالاخره در تاریخ اسلام می بایست آن شمشیر کفر و نفاق که در لباس دروغین احرام یزیدیان و جیره خواران بنی امیه علیهم لعنه الله برای نابودی و قتل بهترین فرزندان راستین پیامبر اسلام یعنی حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام و یاوران با وفای او پنهان شده بود، مجدداً از لباس همان میراث خواران بنی سفیان به درآید و گلوی پاک و مطهر یاوران حسین علیه السلام را در آن هوای گرم، در کربلای حجاز و در قتلگاه حرم پاره کند.

و همان اتهاماتی را که یزیدیان به فرزندان راستین اسلام زدند و آنان را خارجی و ملحد و مشرک و مهدورالدم معرفی

کردند، درست همان را به رهروان راه آنان وارد آورند که ان شاء الله ما اندوه دل مان را در وقت مناسب با انتقام از آمریکا و آل سعود برطرف خواهیم ساخت و داغ و حسرت حلاوت این جنایت بزرگ را بر دلشان خواهیم نهاد و با برپایی جشن پیروزی حق بر جنود کفر و نفاق، و آزادی کعبه از دست ناهلان و نامحرمان، به مسجد الحرام وارد خواهیم شد.

اما زائران کشورها که یقیناً با کنترل و ارباب دولت و حکومت هایشان به مکه سفر کرده اند، جای دوستان و برادران و حامیان و همسنگران واقعی خود را در میان خود خالی خواهند یافت. آل سعود برای پرده پوشی جنایات هولناک سال گذشته خود و همچنین توجیه «صد عن سبیل الله» و منع حجاج ایرانی از ورود به حج، زائران را زیر بمباران شدید تبلیغات خود قرار خواهد داد و آخوندهای درباری و مفتی های خود فروخته لعنه الله علیهم در کشورهای اسلامی خصوصاً حجاز توسط رسانه ها و مطبوعات دست به نمایش ها و سخنرانی ها زده و عرصه را بر تفکر و تحقیق زائران درباره ی فهم و درک فلسفه ی واقعی حج و نیز پی بردن به ماجرای از پیش طراحی شده ی شیطان بزرگ در قتل میهمانان خدا، تنگ خواهند نمود و مسلماً در چنین شرایطی رسالت زائران بسیار سنگین است.

بزرگ ترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه ی واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند و حج با آن همه راز و عظمتی که دارد هنوز به صورت یک عبادت خشک و یک حرکت بی حاصل و بی ثمر باقی مانده است. یکی از وظایف بزرگ مسلمانان پی بردن به این واقعیت است که حج چیست

و چرا برای همیشه باید بخشی از امکانات مادی و معنوی خود را برای برپایی آن صرف کنند؟ چیزی که تا به حال از ناحیه ی ناآگاهان و یا تحلیل گران مغرض و یا جیره خواران به عنوان فلسفه ی حج ترسیم شده است این است که حج یک عبادت دسته جمعی و یک سفر زیارتی سیاحتی است!

به حج چه که چگونه باید زیست و چطور باید مبارزه کرد و با چه کیفیت در مقابل جهان سرمایه داری و کمونیسم ایستاد! به حج چه که حقوق مسلمانان و محرومان را از ظالمین باید ستاند! به حج چه که باید برای فشارهای روحی و جسمی مسلمانان چاره اندیشی نمود! به حج چه که مسلمانان باید به عنوان یک نیروی بزرگ و قدرت سوم جهان خودنمایی کنند! به حج چه که مسلمانان را علیه حکومت های وابسته بشورانند!

بلکه حج همان سفر تفریحی برای دیدار از قبله و مدینه است و بس! و حال آن که حج برای نزدیک شدن و اتصال انسان به صاحب خانه است و حج تنها حرکات و اعمال و لفظ ها نیست و با کلام و لفظ و حرکت خشک، انسان به خدا نمی رسد.

حج کانون معارف الهی است که از آن محتوای سیاست اسلام را در تمامی زوایای زندگی باید جستجو نمود. حج پیام آور و ایجاد و بنای جامعه ای به دور از رذائل مادی و معنوی است. حج تجلی و تکرار همه ی صحنه های عشق آفرین زندگی یک انسان و یک جامعه متکامل در دنیاست، و مناسک حج مناسک زندگی است و از آن جا که جامعه ی امت اسلامی از هر نژاد و ملیتی، باید ابراهیمی شود تا به خیل امت محمد - صلی

الله علیه و آله و سلم - پیوند خورد و یکی گردد و ید واحد شود. حج تنظیم و تمرین و تشکل این زندگی توحیدی است. حج عرصه ی نمایش و آینه ی سنجش استعدادها و توان مادی و معنوی مسلمانان است.

حج بسان قرآن است که همه از آن بهره مند می شوند، ولی اندیشمندان و غواصان و دردآشنایان امت اسلامی اگر دل به دریای معارف آن بزنند و از نزدیک شدن و فرورفتن در احکام و سیاست های اجتماعی آن نترسند، از صدف این دریا گوهرهای هدایت و رشد و حکمت و آزادی را بیشتر صید خواهند نمود و از زلال حکمت و معرفت آن تا ابد سیراب خواهند گشت.

ولی چه باید کرد و این غم بزرگ را به کجا باید برد که حج بسان قرآن مهجور گردیده است و به همان اندازه ای که آن کتاب زندگی و کمال و جمال در حجاب های خود ساخته ی ما پنهان شده است و این گنجینه ی اسرار آفرینش در دل خروارها خاک کج فکری های ما دفن و پنهان گردیده است و زبان انس و هدایت و زندگی و فلسفه ی زندگی ساز او به زبان وحشت و مرگ و قبر تنزل کرده است، حج نیز به همان سرنوشت گرفتار گشته است.

سرنوشتی که میلیون ها مسلمان هر سال به مکه می روند و پا جای پای پیامبر و ابراهیم و اسماعیل و هاجر می گذارند، ولی هیچکس نیست که از خود بپرسد ابراهیم و محمد - علیهم السلام - که بودند و چه کردند؟ هدفشان چه بود؟ از ما چه خواسته اند؟ گویی به تنها چیزی که فکر نمی شود به همین است.

مسلم حج بی روح و بی تحرک و قیام، حج بی برائت، حج بی وحدت و حجبی که از آن هدم کفر و شرک برنیاید، حج نیست، خلاصه همه ی مسلمانان باید در تجدید حیات حج و قرآن کریم و بازگرداندن این دو به صحنه های زندگی شان کوشش کنند و محققان متعهد اسلام با ارائه ی تفسیرهای صحیح و واقعی از فلسفه ی حج، همه ی بافته ها و تافته های خرافاتی علمای درباری را به دریا بریزند.

اما آنچه زائران عزیز باید بدانند این که آمریکا و آل سعود حادثه ی مکه را یک مبارزه ی فرقه ای و نزاع قدرت میان شیعه و سنی ترسیم نموده و ایران و رهبران آن را به عنوان کسانی که هوس رسیدن به یک امپراطوری بزرگ را در سر می پرورانند معرفی می کنند، تا بسیاری از کسانی که از مسیر حوادث سیاسی جهان اسلام و نقشه های شوم جهان خواران بی خبرند، تصور کنند که فریاد برائت ما از مشرکین و مبارزه ما برای کسب آزادی ملت ها و در مسیر کسب قدرت سیاسی مان و گسترش قلمرو جغرافیایی حکومت اسلامی است.

البته برای ما و همه ی اندیشمندان و محققانی که از نیات پلید تشکیلات آل سعود باخبرند، جای تعجب نیست که به ایران و حکومتی که از بدو پیروزی تا به حال فریاد وحدت مسلمین را سر داده است و در همه ی حوادث جهان اسلام خود را شریک غم و شادی مسلمانان می داند، تهمت افتراق و جدایی مسلمانان را بزنند، و یا بالاتر از آن، زائرانی را که به عشق زیارت مرقد پیامبر و حرم امن الهی به حجاز رفته اند، به لشکرکشی و تشکل برای تصرف کعبه و آتش زدن حرم خدا و تخریب مدینه ی پیامبر متهم نمایند، و دلیل و مدرک این کار را

حضور پاسداران و نظامیان و مسئولین کشورمان در مراسم حج ذکر کنند.

آری، در منطق آل سعود نظامی و پاسدار کشور اسلامی باید با حج بیگانه باشد، و این گونه سفرها برای مسئولین کشوری و لشکری تعجب آور و توطئه انگیز می شود. از نظر استکبار، مسئولین کشورهای اسلامی باید به فرنگ بروند، آن ها را به حج چه کار! دست نشانندگان آمریکا آتش زدن پرچم آمریکا را به حساب آتش زدن حرم، و شعار مرگ بر شوروی و آمریکا و اسرائیل را به حساب دشمنی با خدا و قرآن و پیامبر گذاشته اند و نیز مسئولین و نظامیان ما را با لباس احرام به عنوان رهبران توطئه معرفی کرده اند.

واقعیت این است که دول استکباری شرق و غرب و خصوصاً آمریکا و شوروی عملاً جهان را به دو بخش آزاد و قرنطینه ی سیاسی تقسیم کرده اند. در بخش آزاد جهان، این ابرقدرت ها هستند که هیچ مرز و حد و قانونی نمی شناسند و تجاوز به منافع دیگران و استعمار و استثمار و بردگی ملت ها را امری ضروری و کاملاً توجیه شده و منطقی و منطبق با همه ی اصول و موازین خودساخته و بین المللی می دانند.

اما در بخش قرنطینه ی سیاسی که متأسفانه اکثر ملل ضعیف عالم و خصوصاً مسلمانان در آن محصور و زندانی شده اند، هیچ حق حیات و اظهار نظری وجود ندارد، همه ی قوانین و مقررات و فرمول ها همان قوانین دیکته شده و دلخواه نظام های دست نشانگان و دربرگیرنده ی منافع مستکبران خواهد بود و متأسفانه اکثر عوامل اجرایی این بخش همان حاکمان تحمیل شده یا پیروان خطوط کلی استکبارند که

ص: 153

حتی فریاد زدن از درد را نیز در درون این حصارها و زنجیرها جرم و گناهی نابخشودنی می دانند، و منافع جهان خواران ایجاب می کند که هیچکس حق گفتن کلمه ای که بوی تضعیف آنان را بدهد یا خواب راحت آنان را آشفته کند ندارد.

و از آن جا که مسلمانان جهان به علت فشار و حبس و اعدام، قدرت بیان مصیبت هایی را که حاکمان کشورشان بر آن ها تحمیل کرده اند را ندارند، باید بتوانند در حرم امن الهی مصائب و دردهایشان را با کمال آزادی بیان کنند تا سایر مسلمانان برای رهایی آنان چاره ای بیندیشند.

لذا ما بر این مطلب پافشاری و اصرار می کنیم که مسلمانان، حداقل در خانه ی خدا و حرم امن الهی، خود را از تمامی قید و بندهای ظالمان آزاد ببینند و در یک مانور بزرگ از چیزی که از آن متفرنند اعلام براءت کنند و از هر وسیله ای برای رهایی خود استفاده نمایند. حکومت آل سعود مسئولیت کنترل زائران خانه ی خدا را به عهده گرفته است و این جاست که با اطمینان می گوئیم که حادثه ی مکه جدای از سیاست اصولی جهان خواران در قلع و قمع مسلمانان آزاده نیست.

ما با اعلام براءت از مشرکین تصمیم بر آزادی انرژی متراکم جهان اسلام داشته و داریم، و به یاری خداوند بزرگ و با دست فرزندان قرآن روزی این کار صورت خواهد گرفت. و انشاءالله روزی همه ی مسلمانان و دردمندان علیه ظالمین جهان فریاد زنند و اثبات کنند که ابرقدرت ها و نوکران و جیره خوارانشان از منفورترین موجودات جهان هستند.

کشتار زائران خانه ی خدا توطئه ای برای حفظ سیاست های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی - صلی

الله علیه و آله و سلم - است و کارنامه ی سیاه و ننگین حاکمان بی درد کشورهای اسلامی حکایت از افزودن درد و مصیبت بر پیکر نیمه جان اسلام و مسلمین دارد.

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره های تزئیناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است که متأسفانه با سیاست های غلط حاکمان دست نشانده به خاک مذلت نشسته اند. مگر مسلمانان جهان فاجعه ی قتل عام صدها عالم و هزاران زن و مرد فرقه های مسلمین را در طول حیات ننگین آل سعود و نیز جنایت قتل عام زائران خانه ی خدا را فراموش می کنند؟

مگر مسلمانان نمی بینند که امروز مراکز وهابیت در جهان به کانون های فتنه و جاسوسی مبدل شده اند که از یک طرف اسلام اشرافیت، اسلام ابوسفیان، اسلام ملاهای کثیف درباری، اسلام مقدس نماهای بی شعور حوزه های علمی و دانشگاهی، اسلام ذلت و نکبت، اسلام پول و زور، اسلام فریب و سازش و اسارت، اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه داران بر مظلومین و پابرنه ها و در یک کلام اسلام آمریکایی را ترویج می کنند و از طرف دیگر سر بر آستان سرور خویش، آمریکای جهان خوار می گذارند؟

مسلمانان نمی دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و خادم الحرمین به اسرائیل اطمینان می دهد که ما اسلحه ی خودمان را علیه شما به کار نمی بریم و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می کنند! واقعاً چقدر باید رابطه ی سران کشورهای اسلامی با صهیونیست ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه ی سوری و ظاهری

هم با اسرائیل، از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر این ها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله ی کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن فروشی نمی شدند.

آیا این حرکات برای جهان اسلام شرم آور نیست و تماشای شدن گناه و جرم نمی باشد؟ آیا از مسلمانان کسی نیست تا بپاخیزد و این همه ننگ و عار را تحمل نکند؟ راستی ما باید بنشینیم تا سران کشورهای اسلامی احساسات یک میلیارد مسلمان را نادیده بگیرند و صحنه بر آن همه فجایع صهیونیست ها بگذارند و دوباره مصر و امثال آنان را به صحنه بیاورند؟ حال مسلمانان باور می کنند که زائران ایرانی برای اشغال خانه خدا و حرم پیامبر قیام کرده اند و می خواستند کعبه را دزدیده به قم ببرند؟!!

اگر مسلمانان جهان باور کرده اند که سران آن ها دشمنان واقعی آمریکا و شوروی و اسرائیل هستند، تبلیغات آنان هم در مورد ما را باور می کنند، البته ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهان خواران بوده و هستیم، حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل امپراطوری بزرگ می گذارند، از آن باکی نداریم و استقبال می کنیم.

ما در صدد خشکانیدن ریشه های فاسد صهیونیزم، سرمایه داری و کمونیزم در جهان هستیم، ما تصمیم گرفته ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده اند نابود کنیم و نظام اسلام رسول الله -

صلی الله علیه و آله و سلم - را در جهان استکبار ترویج نماییم و دیر یا زود ملت های در بند شاهد آن خواهند بود. ما با تمام وجود از گسترش باج خواهی و مصونیت کارگزاران آمریکایی، حتی اگر با مبارزه قهرآمیز هم شده باشد، جلوگیری می کنیم.

انشاءالله ما نخواهیم گذاشت از کعبه و حج، این منبر بزرگی که بر بلندای بام انسانیت باید صدای مظلومان را به همه ی عالم منعکس سازد و آوای توحید را طنین اندازد، صدای سازش با آمریکا و شوروی و کفر و شرک نواخته شود و از خدا می خواهیم که این قدرت را به ما ارزانی دارد که نه تنها از کعبه ی مسلمین که از کلیساهای جهان نیز ناقوس مرگ آمریکا و شوروی را به صدا درآوریم.

مسلمانان جهان و محرومین سراسر گیتی از این برزخ بی انتهایی که انقلاب اسلامی ما برای همه ی جهان خواران آفریده است، احساس غرور و آزادی کنند و آوای آزادی و آزادگی را در حیات و سرنوشت خویش سر دهند و بر زخم های خود مرهم گذارند، که دوران بن بست و ناامیدی و تنفس در منطقه ی کفر به سر آمده است و گلستان ملت ها رخ نموده است و امیدوارم همه مسلمانان شکوفه های آزادی و نسیم عطر بهاری و طراوت گل های محبت و عشق و چشمه سار زلال جوشش اراده ی خویش را نظاره کنند،

همه باید از مرداب و باتلاق و سکوت و سکونی که کارگزاران سیاست آمریکا و شوروی بر آن تخم مرگ و اسارت پاشیده اند، به درآییم و به سوی دریایی که زمزم از آن جوشیده است روانه شویم و پرده ی کعبه و حرم خدا را که به دست

نامحرمان نجس آمریکا و آمریکازاده‌ها آلوده شده است با اشک چشم خویش شستشو دهیم.

مسلمانان تمامی کشورهای جهان! از آن جا که شما در سلطه‌ی بیگانگان گرفتار مرگ تدریجی شده اید، باید بر وحشت از مرگ غلبه کنید و از وجود جوانان پرشور و شهادت طلبی که حاضرند خطوط جبهه کفر را بشکنند استفاده نمایید، به فکر نگه داشتن وضع موجود نباشید بلکه به فکر فرار از اسارت و رهایی از بردگی و یورش به دشمنان اسلام باشید که عزت و حیات در سایه‌ی مبارزه است و اولین گام در مبارزه، اراده است و پس از آن تصمیم بر این که سیادت کفر و شرک جهانی خصوصاً آمریکا را بر خود حرام کنید.

ما در مکه باشیم یا نباشیم دل و روحمان با ابراهیم و در مکه است. دروازه‌های مدینه الرسول را به روی ما ببندند یا بگشایند، رشته محبتمان با پیامبر هرگز پاره و سست نمی‌شود، به سوی کعبه نماز می‌گزاریم و به سوی کعبه می‌میریم و خدا را سپاس می‌گزاریم که در میثاقمان با خدای کعبه پایدار مانده ایم و پایه‌های برائت از مشرکین را با خون هزاران هزار شهید از عزیزانمان بنیان نهاده ایم و منتظر هم نمانده ایم که حاکمان بی شخصیت بعضی کشورهای اسلامی و غیراسلامی از حرکت ما پشتیبانی کنند. ما مظلومین همیشه‌ی تاریخ، محرومان و پابرهنگانیم، ما غیر از خدا کسی را نداریم و اگر هزار بار قطعه قطعه شویم، دست از مبارزه با ظالم بر نمی‌داریم.

جمهوری اسلامی ایران از مسلمانان آزاده‌ی جهان که علی‌رغم اختناق سیاسی حاکم بر آن‌ها با ترتیب کنفرانس‌ها و

مصاحبه ها و سخنرانی ها، پرده از اسرار جنایت بار آمریکا و آل سعود برداشتند و مظلومیت ما را به دنیا نشان دادند تشکر می نماید.

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می شود و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه ی حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می آورند.

راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان خواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه ی حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟

پس راهی جز مبارزه نمانده است و باید چنگ و دندان ابرقدرت ها و خصوصاً آمریکا را شکست، و الزاماً یکی از دو راه را انتخاب نمود: یا شهادت یا پیروزی، که در مکتب ما هر دوی آنها پیروزی است که انشاءالله خداوند قدرت شکستن چهارچوب سیاست های حاکم و ظالم جهان خواران و نیز جسارت ایجاد داربست هایی بر محور کرامت انسانی را به همه ی مسلمین عطا فرماید و همه را از افول ذلت به صعود عزت و شوکت همراهی نماید.

بعضی افراد تا قبل از حادثه ی تلخ و شیرین حج در سال گذشته، فلسفه ی اصرار جمهوری اسلامی ایران را بر راهپیمایی برائت از مشرکین به خوبی درک نکرده بودند و از خود و دیگران سوال می کردند که در سفر حج و در آن هوای گرم چه ضرورتی به راهپیمایی و فریاد و مبارزه است و اگر هم فریاد برائت از

مشرکین هم سر داده شود، چه ضرری متوجه استکبار می شود؟

و چه بسا افراد ساده دلی تصور می کردند که دنیای به اصطلاح متمدن جهان خواران نه تنها تاب تحمل این گونه مسائل سیاسی را خواهد داشت، که به مخالفان خود حتی بیش از این هم اجازه ی حیات و تظاهرات و راهپیمایی خواهد داد، و دلیل این مدعا اجازه ی راهپیمایی هایی است که در کشورهای به اصطلاح آزاد غرب داده می شود. ولی این مسأله باید روشن باشد که آن گونه راهپیمایی ها هیچ گونه ضرری برای ابرقدرت و قدرت ها ندارد.

راهپیمایی مکه و مدینه است که بسته شدن شیرهای نفت عربستان را به دنبال دارد، راهپیمایی های برائت در مکه و مدینه است که به نابودی سرسپردگان شوروی و آمریکا ختم می شود، و درست به همین جهت است که با کشتار دسته جمعی زنان و مردان آزاده از آن جلوگیری می شود و در پناه همین برائت از مشرکین است که حتی ساده دلان می فهمند که نباید سر بر آستان شوروی و آمریکا نهاد.

ملت عزیز و دلاور ایران مطمئن باشند که حادثه ی مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه ی مناسبی برای ریشه کن شدن نظام های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی نماها خواهد بود و با این که بیشتر از یک سال از حماسه ی برائت از مشرکان نگذشته است، عطر خون های پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصی نقاط عالم مشاهده می کنیم.

ص: 160

حماسه مردم فلسطین یک پدیده ی تصادفی نیست، آیا دنیا تصور می کند که این حماسه را چه کسانی سروده اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده اند که بی محابا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه ی صهیونیست ها مقاومت می کنند؟ آیا تنها آوای وطن گرایی است که از وجود آنان دنیایی از صلابت آفریده است؟ آیا از درخت سیاست بازان خودفروخته است که بر دامن فلسطینیان میوه ی استقامت و زیتون نور و امید می ریزد؟

اگر این چنین بود، این ها که سال هاست در کنار فلسطینیان و به نام ملت فلسطین نان خورده اند!

شکی نیست که این آوای الله اکبر است، این همان فریاد ملت ماست که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند. و این تحقق همان شعار برائت است که ملت فلسطین در تظاهرات حج، دوشادوش خواهران و برادران ایرانی خود فریاد رسای آزادی قدس را سر داد و مرگ بر آمریکا، شوروی و اسرائیل گفت، و بر همان بستر شهادتی که خون عزیزان ما بر آن ریخته شد، او نیز نثار خون و به رسم شهادت آرمید.

آری، فلسطینی راه گم کرده ی خود را از راه برائت ما یافت و دیدیم که در این مبارزه چطور حصارهای آهنین فرو ریخت و چگونه خون بر شمشیر و ایمان بر کفر و فریاد بر گلوله پیروز شد و چطور خواب بنی اسرائیل در تصرف از نیل تا فرات آشفته گشت، و دوباره کوکب دریه ی فلسطین از شجره ی مبارکه ی «الاشرقیه و لاغربیه» ی ما برافروخت و امروز به همان گونه که فعالیت های وسیعی در سراسر جهان برای به

سازش کشیدن ما با کفر و شرک در جریان است، برای خاموش کردن شعله های خشم ملت مسلمان فلسطین نیز به همان شکل ادامه دارد و این، تنها یک نمونه از پیشرفت انقلاب است و حال آن که معتقدین به اصول انقلاب اسلامی ما در سراسر جهان رو به فزونی نهاده است و ما این ها را سرمایه های بالقوه ی انقلاب خود تلقی می کنیم، و هم آن هایی که با مرکب خون طومار حمایت از ما را امضا می کنند و با سر و جان دعوت انقلاب را لبیک می گویند و به یاری خداوند کنترل همه ی جهان را به دست خواهند گرفت.

امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار و جنگ پابرهنه ها و مرفهین بی درد شروع شده است. و من دست و بازوی همه ی عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده اند، می بوسم و سلام و درودهای خالصانه ی خود را به همه ی غنچه های آزادی و کمال نثار می کنم و به ملت عزیز و دلاور ایران هم عرض می کنم: خداوند آثار و برکات معنویت شما را به جهان صادر نموده است، و قلب ها و چشمان پرفروغ شما کانون حمایت از محرومان شده است، و شراره ی کینه ی انقلابی تان جهان خواران چپ و راست را به وحشت انداخته است.

البته همه می دانیم که کشور ما در حال جنگ و انقلاب، سختی ها و مشکلاتی را تحمل کرده و کسی مدعی آن نیست که طبقات محروم و ضعیف و کم درآمد و خصوصاً اقشار کارمند و اداری در تنگنای مسائل اقتصادی نیستند، ولی آن چیزی که همه مردم ما فراتر از آن را فکر می کنند، مسأله حفظ اسلام و

اصول انقلاب است. مردم ایران ثابت کرده اند که تحمل گرسنگی و تشنگی را دارند، ولی تحمل شکست انقلاب و ضربه به اصول آن را هرگز نخواهند داشت.

ملت شریف ایران همیشه در مقابل شدیدترین حملات تمامی جهان کفر علیه اصول انقلاب خویش مقاومت کرده است که در این جا مجال ذکر همه ی آن ها نیست.

آیا ملت دلاور ایران در مقابل جنایات متعدد آمریکا در خلیج فارس اعم از حمایت نظامی و اطلاعاتی به عراق و حمله به سکوهای نفتی و کشتی ها و قایق ها و سرنگونی هواپیمای مسافربری مقاومت نکرده است؟

آیا ملت ایران در جنگ دیپلماسی شرق و غرب علیه خود و ایجاد بازی های سیاسی مجامع بین المللی مقاومت نکرده است؟

آیا ملت شجاع ایران در مقابل جنگ اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و حملات ددمنشانه ی عراق به شهرها و موشک باران مناطق مسکونی و بمباران های مکرر شیمیایی عراق در ایران و حلبچه مقاومت نکرده است؟

آیا ملت عزیز ایران در مقابل توطئه ی منافقین و لیبرال ها و زراندوزی و احتکار سرمایه داران و حيله ی مقدس مآبان مقاومت نکرده است؟

آیا همه ی این حوادث و جریانات برای ضربه زدن به اصول انقلاب نبوده است؟ که اگر نبود حضور مردم، هر یک از این توطئه ها می توانست به اصول نظام ضربه بزند که خدا را سپاس می گزاریم که ملت ایران را موفق نمود تا با قامتی استوار به رسالت خود عمل کند و صحنه ها را ترک نکوید.

ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش های اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست و آن ها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد، با الفبای مبارزه بیگانه اند و آن هایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند، آب در هاون می کوبند.

بحث مبارزه و رفاه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیاخواهی و آخرت جویی، دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند، و تنها آن هایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت، گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب ها هستند.

ما باید تمام تلاشمان را بنماییم تا به هر صورتی که ممکن است خط اصولی دفاع از مستضعفین را حفظ کنیم. مسئولین نظام ایران انقلابی باید بدانند که عده ای از خدا بی خبر برای از بین بردن انقلاب، هرکس را که بخواهد برای فقرا و مستمندان کار کند و راه اسلام و انقلاب را بپیماید فوراً او را کمونیست و التقاطی می خوانند. از این اتهامات نباید ترسید، باید خدا را در نظر داشت و تمام هم و تلاش خود را در جهت رضایت خدا و کمک به فقرا به کار گرفت و از هیچ تهمتی نترسید.

آمریکا و استکبار در تمامی زمینه ها افرادی را برای شکست انقلاب اسلامی در آستین دارند. در حوزه ها و دانشگاه ها مقدس نماها را که خطر آنان را بارها و بارها گوشزد کرده ام،

اینان با تزویرشان از درون محتوای انقلاب و اسلام را نابود می کنند، این ها با قیافه های حق به جانب و طرفدار دین و ولایت، همه را بی دین معرفی می کنند، باید از شر این ها به خدا پناه بریم.

و همچنین کسانی دیگر که بدون استثنا به هر چه روحانی و عالم است حمله می کنند و اسلام آن ها را اسلام آمریکایی معرفی می نمایند، راهی بس خطرناک را می پویند که خدای ناکرده به شکست اسلام ناب محمدی منتهی می شود.

ما برای احقاق حقوق فقرا در جوامع بشری تا آخرین قطره ی خون دفاع خواهیم کرد. امروز جهان تشنه ی فرهنگ اسلام ناب محمدی است و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخ های سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه ی خویش را برای تبرهای بلا- و حوادث سخت و برابر همه ی توپ ها و موشک های دشمنان باز کرده است، و همچون همه ی عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می کند.

جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد و ما باید در جنگ اعتقادی مان، بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم. انشاءالله ملت بزرگ ایران با پشتیبانی مادی و معنوی خود از انقلاب، سختی های جنگ را به شیرینی شکست دشمنان خدا در دنیا جبران می کند.

و چه شیرینی بالاتر از این که ملت بزرگ ایران مثل یک صاعقه بر سر آمریکا فرود آمده است! چه شیرینی بالاتر از این که ملت ایران سقوط ارکان و کنگره های نظام ستمشاهی را نظاره کرده است و شیشه ی حیات آمریکا را در این کشور

شکسته است! و چه شیرینی بالاتر از این که مردم عزیزمان ریشه های نفاق و ملی گرایی و التقاط را خشکانیده اند! و انشاءالله شیرینی تمام ناشدنی آن را در جهان آخرت خواهند چشید.

نه تنها کسانی که تا مقام شهادت و جانبازی و حضور در جبهه پیش رفته اند، بلکه آن هایی که در پشت جبهه با نگاه محبت بار و با دعای خیر خود جبهه را تقویت نموده اند، از مقام عظیم مجاهدان و اجر بزرگ آنان بهره برده اند. خوشا به حال مجاهدان! خوشا به حال وارثان حسین علیه السلام!

اذناب آمریکا باید بدانند که شهادت در راه خدا مسأله ای نیست که بشود با پیروزی یا شکست در صحنه های نبرد مقایسه شود، مقام شهادت خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است، نباید شهادت را تا این اندازه به سقوط بکشانیم که بگوییم در عوض شهادت فرزندان اسلام، تنها خرمشهر و یا شهرهای دیگر آزاد شد، تمامی این ها خیالات باطل ملی گراهاست و ما هدفمان بالاتر از آن است. ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است،

ما می گوییم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم، ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم.

پس ای فرزندان ارتشی و سپاهی و بسیجی ام! و ای نیروهای مردمی! هرگز از دست دادن موضعی را با تأثر و گرفتن

مکانی را با غرور و شادی بیان نکنید که این ها در برابر هدف شما به قدری ناچیزند که تمامی دنیا در مقایسه با آخرت.

پدران و مادران و همسران و خویشاوندان شهدا، اسرا، مفقودین و معلولین ما توجه داشته باشند که هیچ چیزی از آنچه فرزندان آنان به دست آورده اند کم نشده است. فرزندان شما در کنار پیامبر اکرم و ائمه ی اطهارند، پیروزی و شکست برای آن ها فرقی ندارد.

امروز روز هدایت نسل های آینده است، کمربندهاتان را ببندید که هیچ چیز تغییر نکرده است. امروز روزی است که خدا این گونه خواسته است و دیروز خدا آن گونه خواسته بود و فردا انشاءالله روز پیروزی جنود حق خواهد بود، ولی خواست خدا هر چه هست ما در مقابل آن خاضعیم و ما تابع امر خداییم و به همین دلیل طالب شهادتیم و تنها به همین دلیل است که زیر بار ذلت و بندگی غیر خدا نمی رویم. البته برای ادای تکلیف همه ما موظفیم که کارها و مسائل مربوط به خودمان را به بهترین وجه و با درایت و دقت انجام دهیم.

همه می دانند که ما شروع کننده ی جنگ نبوده ایم، ما برای حفظ موجودیت اسلام در جهان تنها از خود دفاع کرده ایم و این ملت مظلوم ایران است که همواره مورد حمله جهان خواران بوده است، و استکبار از همه ی کمینگاه های سیاسی و نظامی و فرهنگی و اقتصادی خود به ما حمله کرده است.

انقلاب اسلامی ما تاکنون کمین گاه شیطان و دام صیادان را به ملت ها نشان داده است. جهان خواران و سرمایه داران و وابستگان آنان توقع دارند که ما شکسته شدن نونهالان و به چاه افتادن مظلومان را نظاره کنیم و هشدار ندهیم و حال آن

که این وظیفه ی اولیه ی ما و انقلاب اسلامی ماست که در سراسر جهان صلا زنییم که ای خواب رفتگان! ای غفلت زدگان! بیدار شوید و به اطراف خود نگاه کنید که در کنار لانه های گرگ، منزل گرفته اید. برخیزید که این جا جای خواب نیست! و نیز فریاد کشیم! سریعاً قیام کنید که جهان ایمن از صیاد نیست! آمریکا و شوروی در کمین نشسته اند و تا نابودی کامل تان از شما دست بر نخواهند داشت.

راستی اگر بسیج جهانی مسلمین تشکیل شده بود، کسی جرأت این همه جسارت و شرارت را با فرزندان معنوی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم داشت. امروز یکی از افتخارات بزرگ ملت ما این است که در برابر بزرگترین نمایش قدرت و آرایش ناوهای جنگی آمریکا و اروپا در خلیج فارس صف آرایی نمود و این جانب به نظام های آمریکایی و اروپایی اخطار می کنم که تا دیر نشده و در باتلاق مرگ فرو نرفته اید از خلیج فارس بیرون روید، و همیشه این گونه نیست که هوایماهای مسافربری ما توسط ناوهای جنگی شما سرنگون شود، که ممکن است فرزندان انقلاب ناوهای جنگی شما را به قعر آب های خلیج فارس بفرستند.

به دولت ها و حکومت های منطقه خصوصاً به عربستان و کویت می گویم که همه ی شما در ماجراجویی ها و جنایاتی که آمریکا می آفریند شریک جرم خواهید بود، و ما تا به حال از این که همه ی منطقه در کام آتش و خون و بی ثباتی کامل غوطه ور نشود، دست به عملی نزنیم، ولی حرکات جنون آمیز ریگان مطمئناً حوادث غیرمنتظره و عواقب خطرناکی را بر همه تحمیل می کند. شما اطمینان داشته باشید که در این برگ

جدید بازنده اید، خودتان و کشور و مردم اسلامی را در برابر آمریکا این قدر ذلیل و ناتوان نکنید، اگر دین ندارید لااقل آزاده باشید.

بحمدالله از برکت انقلاب اسلامی ایران دریچه های نور و امید به روی همه ی مسلمانان جهان باز شده است و می رود تا رعد و برق حوادث آن، رگبار مرگ و نابودی را بر سر همه ی مستکبران فروریزد.

نکته ی مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟

به یقین آنان مرزی جز عدول از همه ی هویت ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند، به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر این که شما را از دین تان برگردانند.

ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست ها و آمریکا و شوروی در تعقیب مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی مان را لکه دار نمایند.

بعضی مغرضین ما را به اعمال سیاسی نفرت و کینه توزی در مجامع جهانی توصیف و مورد شماتت قرار می دهند و با دلسوزی های بی مورد و اعتراض های کودکانه می گویند: جمهوری اسلامی سبب دشمنی ها شده است و از چشم غرب و شرق و ایادیشان افتاده است، که چه خوب است این سوال پاسخ داده شود که ملت های جهان سوم و مسلمانان و

خصوصاً ملت ایران در چه زمانی نزد غربی ها و شرقی ها احترام و اعتبار داشته اند که امروز بی اعتبار شده اند!

آری اگر ملت ایران از همه ی اصول و موازین اسلامی و انقلابی خود عدول کند و خانه ی عزت و اعتبار پیامبر و ائمه ی معصومین - علیهم السلام - را با دست های خود ویران نماید، آن وقت ممکن است جهان خواران او را به عنوان یک ملت ضعیف و فقیر و بی فرهنگ به رسمیت بشناسند ولی در همان حدی که آن ها آقا باشند ما نوکر، آن ها ابرقدرت باشند ما ضعیف، آن ها ولی و قیم باشند ما جیره خوار و حافظ منافع آن ها، نه یک ایران با هویت ایرانی - اسلامی، بلکه ایرانی که شناسنامه اش را آمریکا و شوروی صادر کند، ایرانی که ارا به ی سیاست آمریکا یا شوروی را بکشد و امروز همه ی مصیبت و عزای آمریکا و شوروی و غرب در این است که نه تنها ملت ایران از تحت حمایتی آنان خارج شده است که دیگران را هم به خروج از سلطه ی جباران دعوت می کند.

کنترل و حذف سلاح های مخرب از جهان اگر با حقیقت و صداقت همراه بود خواسته ی همه ی ملت هاست، ولی این نیز یک فریب قدیمی است و این همان چیزی است که اخیراً از گفته های سران آمریکا و شوروی و نوشته های سیاسیون آن ها آشکار گردیده است که مرادات اخیر سران شرق و غرب به خاطر مهار بیشتر جهان سوم و در حقیقت جلوگیری از نفوذ پابرهنه ها و محرومین در جهان مالکیت های بی حد و مرز سرمایه داران است. ما باید خود را آماده کنیم تا در برابر جبهه ی متحد شرق و غرب، جبهه ی قدرتمند اسلامی - انسانی با همان نام و نشان اسلام و انقلاب ما تشکیل شود و آقایی و

سروری محرومین و پابرهنگان جهان جشن گرفته شود. مطمئن باشید قدرت های شرق و غرب همان مظاهر بی محتوای دنیای مادی اند که در برابر خلود و جاودانگی دنیای ارزش های معنوی قابل ذکر نمی باشند.

من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد.

ما باید برای پیشبرد اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه ریزی کنیم، ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم.

ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده ی جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد.

و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسأله ی بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم، ولی به واسطه ی حوادث و عواملی

که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور - که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم - با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم، و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه‌ی ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود، اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم، و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در این جا از همه‌ی فرزندان عزیزم در جبهه‌های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنم و همه‌ی ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می‌کنم.

در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسأله را مطرح نمایند که ثمره‌ی خون‌ها و شهادت‌ها و ایثارها چه شد! این‌ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه‌ی شهادت بی‌خبرند و نمی‌دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است، حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه‌ای وارد نمی‌سازد و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله‌ای طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم.

مسلم خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است! خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است و خدا می داند که راه و رسم شهادت کورشدنی نیست و این ملت ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود.

و همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشفای آزادگان خواهد بود. خوشا به حال آنان که با شهادت رفتند! خوشا به حال آنان که در این قافله ی نور، جان و سر باختند! خوشا به حال آن هایی که این گوهرها را در دامن خود پروراندند!

خداوندا! این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا! کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه اند و نیازمند به مشعل شهادت، تو خود این چراغ پرفروغ را حافظ و نگهبان باش.

خوشا به حال شما ملت! خوشا به حال شما زنان و مردان! خوشا به حال جانبازان و اسرا و مفقودین و خانواده های معظم شهدا و بدا به حال من که هنوز مانده ام و جام زهر آلود قبول قطعنامه را سر کشیده ام و در برابر عظمت و فداکاری این ملت بزرگ احساس شرمساری می کنم و بدا به حال آنانی که در این قافله نبودند، بدا به حال آن هایی که از کنار این معرکه ی بزرگ جنگ و شهادت و امتحان عظیم الهی تا به حال ساکت و بی تفاوت و یا انتقاد کننده و پرخاشگر گذشتند.

آری! دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید و همه ی ما نیز روز محاسبه ی بزرگتری را در پیش رو داریم، آن هایی که در این چند سال مبارزه و جنگ به هر دلیلی از ادای این تکلیف بزرگ طفره رفتند و خودشان و جان و مال و فرزندانشان و دیگران را از آتش حادثه دور کرده اند، مطمئن باشند که از معامله با خدا طفره رفته اند و خسارت و زیان و ضرر بزرگی کرده اند که حسرت آن را در روز واپسین و در محاسبه ی حق خواهند کشید، که من مجدداً به همه ی مردم و مسئولین عرض می کنم که حساب این گونه افراد را از حساب مجاهدان در راه خدا جدا سازند و نگذارند این مدعیان بی هنر امروز و قاعدین کوتاه نظر دیروز به صحنه ها برگردند.

من در میان شما باشم و یا نباشم به همه ی شما وصیت و سفارش می کنم که نگذارید انقلاب به دست ناهلان و نامحرمان بیفتد، نگذارید پیش کسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره ی خود به فراموشی سپرده شوند.

اکیداً به ملت عزیز ایران سفارش می کنم که هوشیار و مراقب باشید. قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسأله ی جنگ نیست، با اعلام این تصمیم حربه ی تبلیغات جهان خواران علیه ما کند شده است. ولی دورنمای حوادث را نمی توان به طور قطع و جدی پیش بینی نمود و هنوز دشمن از شرارت ها دست برنداشته است و چه بسا با بهانه جویی ها به همان شیوه های تجاوزگرانه ی خود ادامه دهد.

ما باید برای دفع تجاوز احتمالی دشمن آماده و مهیا باشیم و ملت ما هم نباید فعلاً مسأله را تمام شده بداند.

البته ما رسماً اعلام می‌کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه ی جنگ نیست، چه بسا دشمنان بخواهند با همین بهانه ها حملات خود را دنبال کنند، نیروهای نظامی ما هرگز نباید از کید و مکر دشمنان غافل بمانند، در هر شرایطی باید بنیه ی دفاعی کشور در بهترین وضعیت باشد. مردم ما که در طول سال های جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده اند، باید خطر تهاجم جهان خواران در شیوه ها و شکل های مختلف را جدی تر بدانند، و فعلاً چون گذشته تمامی نظامیان اعم از ارتش و سپاه و بسیج در جبهه ها برای دفاع در برابر شیطنت استکبار و عراق به مأموریت های خود ادامه دهند. در صورتی که این مرحله از حادثه ی انقلاب را با همان شکل خاص و مقررات مربوط به خود پشت سر گذاریم، برای بعد از آن و سازندگی کشور و سیاست کل نظام و انقلاب تذکراتی دارم که در وقت مناسب خواهم گفت. ولی در مقطع کنونی به طور جد از همه ی گویندگان و دست اندرکاران و مسئولین کشور و مدیران رسانه ها و مطبوعات می خواهم که خود را از معرکه ها و معرکه آفرینی ها دور کنند و مواظب باشند که ناخودآگاه آلت دست افکار و اندیشه های تند نگردند و با سعه ی صدر در کنار یکدیگر مترصد اوضاع دشمنان باشند. در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و بایدها و نبایدها کنند - که هر چند این مسأله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست - اما اکنون

ص: 175

وقت پرداختن به آن نیست. چه بسا آن‌هایی که تا دیروز در برابر این نظام جبهه‌گیری کرده بودند و فقط به خاطر سقوط نظام و حکومت جمهوری اسلامی ایران از صلح و صلح‌طلبی به ظاهر دم می‌زدند، امروز نیز با همان هدف سخنان فریبنده‌ی دیگری را مطرح نمایند، و جیره‌خواران استکبار، همان‌ها که تا دیروز در زیر نقاب دروغین صلح، خنجرشان را از پشت به قلب ملت فرو کرده بودند، امروز طرفدار جنگ شوند. و ملی‌گراهای بی‌فرهنگ برای از بین بردن خون‌شهادی عزیز و نابودی عزت و افتخار مردم، تبلیغات مسموم خویش را آغاز نمایند که انشاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هوشیاری جواب همه‌فتنه‌ها را خواهد داد.

من باز می‌گویم که قبول این مسأله برای من از زهر کشنده‌تر است، ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرعه را نوشیدم.

و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است.

مردم عزیز و شریف ایران! من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم و شما را می‌شناسم، شما هم مرا می‌شناسید، در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد، تکلیف الهی‌ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره‌ی خون و آخرین نفس بجنگیم، اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه گفتم گذشتم و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام.

عزیزانم! شما می دانید که تلاش کرده ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم.

خداوندا! تو می دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم. خداوندا! تو می دانی که استکبار و آمریکای جهان خوار گل های باغ رسالت تو را پرپر نمودند. خداوندا! در جهان ظلم و ستم و بیداد، همه ی تکیه گاه ما تویی و ما تنهای تنهایییم و غیر از تو کسی را نمی شناسیم و غیر از تو نخواسته ایم که کسی را بشناسیم، ما را یاری کن که تو بهترین یاری کنندگانی. خداوندا! تلخی این روزها را به شیرینی فرج حضرت بقیه الله - ارواحنا لتراب مقدمه الفدا - و رسیدن به خودت جبران فرما.

فرزندان انقلابی ام! ای کسانی که لحظه ای حاضر نیستید از غرور مقدسستان دست بردارید! شما بدانید که لحظه لحظه ی عمر من در راه عشق مقدس خدمت به شما می گذرد. می دانم که به شما سخت می گذرد، ولی مگر به پدر پیر شما سخت نمی گذرد؟ می دانم که شهادت شیرین تر از عسل در پیش شماست، مگر برای این خدمتان این گونه نیست؟ ولی تحمل کنید که خدا با صابران است، بغض و کینه ی انقلابی تان را در سینه ها نگه دارید، با غضب و خشم بر دشمنانتان بنگرید و بدانید که پیروزی از آن شماست. و تأکید می کنم که گمان نکنید که من در جریان کار جنگ و مسئولان آن نیستم. مسئولین مورد اعتماد من می باشند، آن ها را از این تصمیمی که گرفته اند شماتت نکنید که برای آنان نیز چنین پیشنهادی سخت و ناگوار بوده است، که انشاءالله خداوند همه ی ما را موفق به خدمت و رضایت خود فرماید.

ص: 177

من در این جا به جوانان عزیز کشورمان، به این سرمایه ها و ذخیره های عظیم الهی و به این گل های معطر و نوشکفته ی جهان اسلام سفارش می کنم که قدر و قیمت لحظات شیرین زندگی خود را بدانید و خودتان را برای یک مبارزه ی علمی و عملی بزرگ تا رسیدن به اهداف عالی انقلاب اسلامی آماده کنید.

و من به همه ی مسئولین و دست اندرکاران سفارش می کنم که به هر شکل ممکن وسایل ارتقای اخلاقی و اعتقادی و علمی و هنری جوانان را فراهم سازید و آنان را تا مرز رسیدن به بهترین ارزش ها و نوآوری ها همراهی کنید و روح استقلال و خودکفایی را در آنان زنده نگه دارید.

مبادا اساتید و معلمینی به وسیله معاشرت ها و مسافرت به جهان به اصطلاح متمدن، جوانان ما را که تازه از اسارت و استعمار رهیده اند، تحقیر و سرزنش نمایند و خدای ناکرده از پیشرفت و استعداد خارجی ها بت تراشند و روحیه ی پیروی و تقلید و گداصفی را در ضمیر جوانان تزریق نمایند. و به جای این که گفته شود که دیگران کجا رفتند و ما کجا هستیم، به هویت انسانی خود توجه کنند و روح توانایی و راه و رسم استقلال را زنده نگه دارند.

ما در شرایط جنگ و محاصره توانسته ایم آن همه هنرآفرینی و اختراعات و پیشرفت ها داشته باشیم، انشاءالله در شرایط بهتر زمینه ی کافی برای رشد استعداد و تحقیقات را در همه امور فراهم می سازیم. مبارزه علمی برای جوانان، زنده کردن روح جستجو و کشف واقعیت ها و حقیقت هاست، و

اما مبارزه ی علمی آنان در بهترین صحنه های زندگی و جهاد و شهادت شکل گرفته است.

و نکته دیگری که از باب نهایت ارادت و علاقه ام به جوانان عرض می کنم، این است که در مسیر ارزش ها و معنویات از وجود روحانیت و علمای متعهد اسلام استفاده کنید و هیچ گاه و تحت هیچ شرایطی خود را بی نیاز از هدایت و همکاری آنان ندانید.

روحانیون مبارز و متعهد به اسلام در طول تاریخ و در سخت ترین شرایط همواره با دلی پر از امید و قلبی سرشار از عشق و محبت به تعلیم و تربیت و هدایت نسل ها همت گماشته اند و همیشه پیشتاز و سپر بلای مردم بوده اند. بر بالای دار رفته اند و محرومیت ها چشیده اند، زندان ها رفته اند و اسارت ها و تبعیدها دیده اند و بالاتر از همه آماج طعن ها و تهمت ها بوده اند، و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یأس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم برگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نموده اند و هم اکنون نیز در هر سنگری از خطوط مقدم جبهه گرفته تا مواضع دیگر در کنار مردمنده، و در هر حادثه ی غمبار و مصیبت آفرینی شهدای بزرگواری را تقدیم نموده اند.

در هیچ کشور و انقلابی جز انقلاب بعثت و رسالت و زندگی ائمه ی هدی - علیهم السلام - و انقلاب اسلامی ایران سراغ نداریم که رهبران انقلاب آن قدر آماج حملات و کینه ها گردند، و این به خاطر صداقت و امانتداری ای است که در وجود علمای متعهد اسلام متبلور است. مسئولیت پذیری در کشوری که با محاصره ها و مشکلات اقتصادی و سیاسی و

نظامی مواجه است کار مشکلی است. البته روحانیون متعهد کشور ما باید خودشان را برای فداکاری های بیشتر آماده کنند و در مواقع لزوم و ضرورت از آبرو و اعتبار خود برای حفظ آبروی اسلام و خدمت به محرومان و پابرهنگان استفاده کنند، و جای بسی سپاس و امتنان است که ملت رشید و دلاور ایران قدر خادمان واقعی خود را می شناسد و فلسفه ی عشق و ارادت خود را به این نهاد مقدس در یک کلمه خلاصه می کند.

علما و روحانیون متعهد اسلام هرگز به آرمان و اصالت و عقیده و هدف اسلامی ملت خیانت نکرده و نمی کنند، البته تذکر این نکته لازم است که در تمام نوشته ها و صحبت ها هر وقت نام روحانیت را به میان آورده ام و از آنان قدردانی نموده ام، مقصودم علمای پاک و متعهد و مبارز است، که در هر قشری ناپاک و غیر متعهد وجود دارد و روحانیون وابسته ضررشان از هر فرد ناپاک دیگر بیشتر است، و همیشه این دسته از روحانیون مورد لعن و نفرین خدا و رسول و مردم بوده اند و ضربات اصلی را به این انقلاب، روحانیون وابسته و مقدس مآب و دین فروش زده اند و می زنند و روحانیون متعهد ما همواره از این بی فرهنگ ها متنفر و گریزان بوده اند.

من به صراحت می گویم ملی گراها اگر بودند به راحتی در مشکلات و سختی ها و تنگناها دست ذلت و سازش به طرف دشمنان دراز می کردند. و برای این که خود را از فشارهای روزمره ی سیاسی برهانند، همه ی کاسه های صبر و مقاومت را یک جا می شکستند و به همه ی میثاق ها و تعهدات ملی و میهنی ادعایی خود پشت پا می زدند.

کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان خواران را نمی دانیم، ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند! البته ما مطمئنیم که در همین شرایط نیز آن ها که با روحانیت اصیل کینه ی دیرینه دارند و عقده ها و حسادت های خود را نمی توانند پنهان سازند، آنان را به باد ناسزا گیرند.

ولی در هر حال آن چیزی که در سرنوشت روحانیت واقعی نیست، سازش و تسلیم شدن در برابر کفر و شرک است که اگر بندهند استخوان هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان نامه ی کفر و شرک را امضا نمی کنیم.

علما و روحانیون انشاءالله به همه ی ابعاد و جوانب مسئولیت خود آشنا هستند، ولی از باب تذکر و تأکید عرض می کنم امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی مان احساس می کنند که می توانند اندیشه های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و آغوش باز حرف های آنان را بشنوند، و اگر بیراهه می روند با بیانی آکنده از محبت و دوستی، راه راست اسلامی را نشان آن ها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته هایشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. این ها که امروز این گونه مسائل را عنوان می کنند، مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می طپد و الا داعیه ندارند که خود را با طرح این مسائل به در دسر بیندازند. این ها معتقدند که

مواضع اسلام در موارد گوناگون همان گونه ای است که خود فکر می کنند، به جای پرخاش و کنار زدن آن ها با پدری و الفت با آنان برخورد کنید. اگر قبول هم نکردند مایوس نشوید، در غیر این صورت خدای ناکرده به دام لیبرال ها و ملی گراها و یا چپ و منافقین می افتند و گناه این کمتر از التقاط نیست. وقتی ما می توانیم به آینده ی کشور و آینده سازان امیدوار شویم که به آنان در مسائل گوناگون بها دهیم و از اشتباهات و خطاهای کوچک آنان بگذریم و به همه ی شیوه ها و اصولی که منتهی به تعلیم و تربیت صحیح آنان می شود، احاطه داشته باشیم.

فرهنگ دانشگاه ها و مراکز غیرحوزه ای به صورتی است که با تجربه و لمس واقعیت ها بیشتر عادت کرده است تا فرهنگ نظری و فلسفی، باید با تلفیق این دو فرهنگ و کم کردن فاصله ها، حوزه و دانشگاه در هم ذوب شوند تا میدان برای گسترش و بسط معارف اسلام وسیع تر گردد.

نکته ی دیگر این که من اکثر موفقیت های روحانیت و نفوذ آنان را در جوامع اسلامی، در ارزش عملی و زهد آنان می دانم و امروز هم این ارزش نه تنها نباید به فراموشی سپرده شود که باید بیشتر از گذشته به آن پرداخت.

هیچ چیزی به زشتی دنیاگرایی روحانیت نیست، و هیچ وسیله ای هم نمی تواند بدتر از دنیاگرایی، روحانیت را آلوده کند، چه بسا دوستان نادان یا دشمنان دانا بخواهند با دلسوزی های بی مورد مسیر زهدگرایی آنان را منحرف سازند و گروهی نیز مغرضانه یا ناآگاهانه روحانیت را به طرفداری از سرمایه داری و سرمایه داران متهم نمایند. در این شرایط حساس و سرنوشت سازی که روحانیت در مصدر امور کشور است و

خطر سوءاستفاده ی دیگران از منزلت روحانیون متصور است، باید به شدت مواظب حرکات خود بود، چه بسا افرادی از سازمان ها و انجمن ها و تشکیلات سیاسی و غیر آن ها با ظاهری صد در صد اسلامی بخواهند به حیثیت و اعتبار آنان لطمه وارد سازند و حتی علاوه بر تأمین منافع خود روحانیت را رو در روی یکدیگر قرار دهند. البته آن چیزی که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومین و پابرهنه هاست، چرا که هر کسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است. ما باید تحت هر شرایطی خود را عهده دار این مسئولیت بزرگ بدانیم و در تحقق آن اگر کوتاهی بنماییم، خیانت به اسلام و مسلمین کرده ایم.

در خاتمه از پیشگاه مقدس پروردگار که الطاف بیکران خود را بر این ملت ارزانی داشته است تشکر و قدردانی می کنم و از محضر مقدس بقیه الله - ارواحنا فداه - عاجزانه می خواهیم که ما را در مسیر و هدفمان مدد و رهبری فرماید.

خداوند متعال به خانواده های شهدا صبر و اجر و به مجروحین و معلولین شفا عنایت فرماید و اسرا و مفقودین را به وطن خویش بازگرداند. خداوندا! از تو می خواهیم آنچه مصلحت اسلام و مسلمین است را برای ما مقدر فرمایی. انک قریبٌ مجیب.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

روح الله الموسوی الخمینی

پنجم ذی حجه 1408 29 تیر 1367

ص: 183

1. قرآن كريم
2. نهج البلاغة، أبو الحسن محمد الرضي بن الحسن الموسوي [السيد الرضي]، المحقق: الدكتور صبحي الصالح، دار الكتاب اللبناني
3. من لا يحضره الفقيه، ابن بابويه، محمد بن علي (381 ق)، مصحح: غفاري، علي اكبر، دفتر انتشارات اسلامي، قم، 1413 ق
4. وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، المحدث المتبحر الامام المحقق العلامة الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي المتوفى، سنة 1104 هـ
5. الوافي، فيض كاشاني، محمد محسن بن شاه مرتضى (1091 ق)، اصفهان، كتابخانه امام أمير المؤمنين علي عليه السلام، 1406 ق
6. كتاب البيع، روح الله الموسوي الخميني، قم، مطبوعاتي اسماعيليان، بي تا
7. الكافي (ط- الإسلامية)، الشيخ الكليني (329 ق)، المحقق: غفاري علي اكبر و آخوندي، محمد، تهران، دار الكتب الإسلامية، 1407 ق

8. تهذيب الأحكام في شرح المقنعة للشيخ المفيد رضوان الله عليه، ابوجعفر محمد بن حسن بن علي بن حسن طوسي، معروف به شيخ الطائفة (م 460ق)، تهران، دار الكتب العلمية، 1365

9. كامل الزيارات، ابي القاسم جعفر بن محمد بن بن جعفر بن موسى بن قولويه القمي، مكتبة الصدوق

10. الأصول الأصيلة، الفيض الكاشاني (977-1059ش)، گردآورنده: حسيني ارموي محدث، جلال الدين، تهران، سازمان چاپ دانشگاه، 1349ش

11. منتهى المطلب في تحقيق المذهب، حلّي، علامه، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (726 هـ ق)، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، 1412 هـ ق

12. المحاسن، ابو جعفر البرقي، بي نا، بي تا

13. الجامع الصغير، سيوطي، عبدالرحمن بن ابوبكر (849 - 911ق)، بيروت، دار الفكر

14. مرآة العقول، الشيخ محمد باقر بن محمد تقي المجلسي، دار الكتب الإسلامية

15. علل الشرائع، الشيخ الصدوق، نجف، المكتبة الحيدرية

16. مصباح المتهجد، الشيخ الطوسي، بيروت - لبنان مؤسسة فقه الشيعة، 1411 هـ

17. المحجة البيضاء، فيض كاشاني، محمد بن شاه مرتضى (1091 ق)، جماعة المدرسين، قم، موسسه النشر الاسلامي، 1417 ق.

18. الجامع الصغير، سيوطي، عبدالرحمن بن ابوبكر (849 - 911ق)، بيروت دار الفكر

ص: 185

19. ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى (1110 ق)، مصحح: رجائي، مهدي، قم، كتابخانه آيه الله مرعشي نجفي، 1406 ق
20. الإقبال بالأعمال الحسنة (ط- الحديثة)، ابن طاووس، علي بن موسى (664 ق)، محقق: قيومي اصفهاني، جواد، قم، دفتر تبليغات اسلامي، 1376 ش
21. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط- القديمة)، مجلسي، محمد تقى بن مقصود على (1070 ق)، مصحح: موسى كرمانى، حسين و اشتهااردى على پناه، قم، مؤسسه فرهنگى اسلامى كوشانبور، 1406 ق
22. بحار الأنوار، العلامة المجلسي، تحقيق: السيد إبراهيم الميانجي، محمد الباقر البهبودي
23. ذخيرة المعاد في شرح الإرشاد، ملا محمد باقر بن محمد مؤمن سبزواري (1017-1090)، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بي تا (طبع قديم)
24. معجم الأحاديث المعتمدة، محسنى، محمد آصف، قم، نشر اديان، 1434 ه. ق
25. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل، الحر العاملي، مجمع البحوث الإسلامية
26. مستدرك الوسائل، الشيخ حسين النوري الطبرسي [المحدث النوري]، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث
27. تاريخ مدينة دمشق، أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي [ابن عساكر]، دار الفكر

28. میزان الحکمة، الری شهري، محمد، 1325 قم، دار الحديث، 1375.

29. الحج والعمرة في الكتاب والسنة، محمد الريشهري، دار الحديث

30. حکم النبي الأعظم «صلى الله عليه وآله وسلم»، محمدی ری شهري، محمد، مؤسسه علمی فرهنگي دار الحديث، قم، سازمان چاپ و نشر، 1429 ه. ق

31. جامع أحاديث الشيعة في أحكام الشريعة، الحاج الشيخ إسماعيل المعزي الملايري، قم، نشر الصحف

32. سفينة البحار و مدينة الحكم والآثار مع تطبيق النصوص الواردة فيها على بحار الأنوار، قمی، عباس، نشر اسوه

33. مسند الإمام الصادق أبي عبد الله جعفر بن محمد (عليه السلام)، عزيز الله عطاردي، الناشر عطارد

34. الزيارة في الكتاب والسنة، الشيخ جعفر السبحاني

35. موسوعة مرآة الحرمين الشريفين و جزيرة العرب، أيوب صبري باشا

36. الوهابية في الميزان، الشيخ جعفر السبحاني، مؤسسة الإمام الصادق - عليه السلام -

37. حج و عمره در قرآن و حديث، محمدی ری شهري، مركز تحقيقات دارالحديث، 1420

38. رسائل الشهيد الأول، الشيخ شمس الدين محمد بن مكّي [الشهيد الأول]، مؤسسة بوستان كتاب، 1423 ه. - ق

39. مناسك الحج، ناصر مكارم شيرازي، قم، مدرسه الامام على بن ابي طالب (عليه السلام)، 1416 ه. ق

40. البرهان في تفسير القرآن، السيد هاشم الحسيني البحراني، مؤسسة البعثة

41. تركية النفس، السيد كاظم الحائري، بي تا، بي نا

42. مجموعه آثار (حماسه حسيني)، استاد شهيد مرتضى مطهرى، صدرا، 1390

ص: 188

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

